



سازگان حرم

گروهی از

نویسندگان ماهنامه کوثر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۱۱

نویسنده:

ماهنامه کوثر

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۱۱
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	مقدمه
۱۵	حاج شیخ احمد علی احمدی شاهرودی «ستاره درخشان» * * * سید محمد سجادی
۳۷	سید محمود مرعشی «مدرّس وارسته» * * * محمد محمدی اشتهدادی
۶۱	حاج سید جواد قمی «فقیه دلاور» * * * ناصرالدین انصاری قمی
۷۶	حاج شیخ مهدی حائری تهرانی «تندیس خدمت» * * * مهدی سلیمانی آشتیانی
۹۲	علامه سیدعبدالعزیز طباطبائی «آموزگار تحقیق» * * * مهدی سلیمانی آشتیانی
۱۰۷	احمد بن حمزه بن یسّع اشعری قمی «واله ولایت» * * * ابوالحسن ربّانی سبزواری
۱۲۲	حاج شیخ محمّد علی حابری قمی «استاد دانشوران» * * * ناصر الدین انصاری
۱۴۱	حاج میرزا علی احمدی میانجی «فقیه اخلاقی» * * * عبدالرحیم ابادری
۱۷۹	حسین بن محمد اشعری قمی «استاد کلینی» * * * ابوالحسن ربّانی سبزواری
۱۹۹	حاج سیّد علی رضا مدرّسی یزدی «مدرّس فروتن» * * * مهدی صحرایی اردکانی
۲۱۵	محمد فاضل قاینی نجفی «آیت فضیلت» * * * علی فاضل قاینی نجفی
۲۳۷	محمد بن یحیی عطار قمی «استاد کلینی» * * * احمد محیطی اردکانی
۲۶۲	دکتر سید عبدالله ضیایی «خطیب دانشور» * * * محمّدتقی ادّهم نژاد
۲۸۰	سید یحیی مدرّسی زاده یزدی «مرّتی بزرگ» * * * مهدی صحرایی اردکانی
۲۹۹	پی نوشت ها:
۳۰۳	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان قراردادادی: فرهنگ کوثر (مجله)

عنوان و نام پدیدآور: ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) / تالیف گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۷ -

مشخصات ظاهری: ج.: مصور، نمونه، عکس.

شابک: دوره ۹۶۴-۶۴۰۱-۵-۰۱-۵: ۵۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ ۶۰۰۰ ریال: ج. ۲. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۰-۶: ۵۵۰۰۰ ریال: ج. ۳. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۱-۲: ۶۰۰۰ ریال: ج. ۴. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۴-۷: ۵۵۰۰ ریال: ج. ۵. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۵-۵: ۶۵۰۰۰ ریال: ج. ۶. ۹۶۴-۶۴۰۱-۲۰-۱: ۸۵۰۰ ریال (ج. ۱۱)؛ ۸۰۰۰ ریال (ج. ۱۲)؛ ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۵. ۹۶۴-۶۴۰۹-۸۷-۲: ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۷. ۹۶۴-۶۴۰۸-۸۵۶۷-۵: ۱۷۰۰۰ ریال: ج. ۲۰. ۹۶۴-۶۴۰۸-۸۵۶۷-۵: ۱۶۰۰۰ ریال: ج. ۲۱. ۹۶۴-۶۴۰۸-۸۵۶۷-۵: ۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۶. ۹۶۴-۶۴۰۸-۱۲۲-۱: ۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۲۷)؛ ۲۸. ۹۶۴-۶۴۰۸-۲۳۵-۸: ۲۹. ۹۶۴-۶۴۰۸-۴۱۷-۸: ج. ۳۰. ۹۶۴-۶۴۰۸-۴۴۴-۴:

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا)

یادداشت: ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۷۷).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۵ (چاپ اول: بهار ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۶ (چاپ اول: پائیز ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۸ (چاپ اول: زمستان ۱۳۷۹).

یادداشت: ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۱).

یادداشت: ج. ۱۲ و ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۸۲).

یادداشت: ج. ۱۷ (چاپ اول: ۱۳۸۵).

یادداشت: ج. ۲۰ و ۲۱ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲۶ و ۲۷ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت : ج. ۲۸ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیپا).

یادداشت : ج. ۲۹ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیپا).

یادداشت : ج. ۳۰ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع : قم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۵۵/۲ س ۲۵ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۸-۸۷۸۷

ص: ۱

اشاره

ستارگان حرم

«دفتر یازدهم»

گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر

ص: ۳

مَنْتِ خدای را عزوجل که دوازده دفتر از مجموعه «ستارگان حرم» کامل گردید و در پرتو الطاف بانوی بزرگ قم، با یاری جمعی از اهل قلم زندگینامه یکصد و هفتاد چهره برجسته از قبیله خورشید به محضر شیفتگان حقیقت تقدیم شد.

«ستارگان حرم» نام نهری از نور است که از ساحل کوثر جوشید و با عنایات یادگار عترت علیهم السلام در شهر قم همچنان می جوشد و می خروشد و پیش می رود.

«ستارگان حرم» نام سلسله ای از اختران حرم و حریم حضرت معصومه علیها السلام است؛ اخترانی که در آسمان قم درخشیدند و یا سر بر تربت قدسی قم نهادند.

پاسداران ارزشها در هر لباس و هر شغل و سمت، ستاره اند و راه را بر دیگر رهروان خط دانش و فضیلت می گشایند. برخی از این ستارگان، امین معصومین علیهم السلام بودند و راوی هزاران حدیث. عده ای تکیه گاه امت بودند و اقیانوس معرفت و گروهی شاگردان عترت بودند و پناه امت.

برخی سفیران قیام بودند و یاران دیرین امام، گروهی چون قبیله

صدوق محدثانی نامدار بودند و گروهی رایت گمنامی و عده ای هم آیه های اخلاص و الگوهای جهاد و اجتهاد و فرزاندگی و خردورزی.

حکیمانی الهی، فقیهانی قرآنی، وزیرانی وارسته، راویانی نجیب، امامزادگانی شهید، واعظانی مبارز، خطیبانی پرخروش، زاهدانی بزرگ، فیلسوفانی فرزانه، مفسرانی شیدای آسمان و معلمانی بر کرسی اخلاق و قلّه اشراق در مجموعه ستارگان حرم در کنار هم نشسته اند و از سفره انعام آفتاب قم، حضرت معصومه علیهاالسلام نور و نیرو می گیرند.

آیه های ایثار، آینه های وفا و کرامت، پرچمداران شرافت و شجاعت، جویباران حکمت و فضیلت، اسوه های پژوهش و دانش، علمداران تبلیغ، تندیس های تواضع و تقوا، زاهدان فروتن و عارفان مجاهد و همه و همه فرزندان جسمانی و روحانی قبیله کوثرند که از زلال قرآن و حدیث سیراب شدند و به آبیاری بوستان پر گل محمدی برخاستند.

آنان پیک نور شدند و بیرق بیداری، آوای حق و گوهر عشق، شیدای ولایت و زبان شریعت. جوان بودند و فرزانه، پیر بودند و پرتلاش، دانشور و درد آشنا. گمنام بودند و نامور، نگهبان اندیشه و آینه اشراق، حامی محرومان و دشمن مستکبران، نماد ایمان و خصم کفر و شرک و نفاق.

ستارگان حرم کانون نور بودند؛ برخی آفتاب روشنی بخش شهر و دیار خویش و برخی مهتاب شب شکن عصرها و نسل ها. جمعی ستاره اند و گروهی ستاره برخی ماه اند و برخی آفتاب.

تدوین زندگینامه ستاره ها، آب حیات روزگار ماست. در عصر قحطی معرفت و غیرت، در روزگار انفجار فریب و دروغ و سیاهی، در فراق باران معنویت و عرفان و آزادگی و عدالت و در عصر تبلور توخش و بیداد و گستاخی مدعیان

تمدن و آزادی و روشنفکری، زندگینامه ستاره ها، نیاز زمان است و فروغ زمین؛ چرا که هر کدام از این ستارگان اسوه و الگو و آیت و رایت زندگی اند.

به یقین اندیشه ها، آرمان ها، تلاش ها، مجاهدت ها، تقوا و دانش و بینش و راه و روش آنان، راهنمای زندگی و سازندگی و پرتو پارسایی و پژوهش و پرسشگری است.

البته نویسندگان مجموعه ستارگان هرگز مدعی عصمت ستارگان نیستند و دفتر ستارگان هم ادعای کشف تمام ستارگان و توان معرفی آنان را ندارد. اما با استمداد از خداوند، کار «رصد» و شناخت و معرفی و غبارزدایی از چهره ستاره ها ادامه داشته و دارد. و اینک دو دفتر دیگر (یازدهم و دوازدهم) از این دوره پر ارج به آستان همه پژوهشگران و کتابخوانان و بویژه طلاب و دانشجویان گرامی تقدیم می شود «ربنا تقبل منّا انک انت السميع العليم».

اهداف و آداب این پژوهش را در شماره های نخستین برشمردیم و دست اندرکاران و یاران همراه را نام آوردیم. در اینجا بار دیگر از همه عزیزان بویژه معاونت محترم امور فرهنگی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام جناب فاضل فرزانه غلامعلی عباسی صمیمانه تشکر می کنیم و دوام توفیق همه خدمتگزاران فرهنگ علوی را از خدای بزرگ خواستاریم.

والحمد لله رب العالمین

دفتر ستارگان حرم

رمضان المبارک ۱۴۲۲

۵ / ۹ / ۱۳۸۰ ه . ش .

ص: ۸

حاج شیخ احمد علی احمدی شاهرودی «ستاره درخشان» * * * سید محمد سجادی

ص: ۹

ص ...

ج- ای عکس

حاج شیخ احمد علی احمدی شاهرودی

ص: ۱۰

عالمان ربانی، همواره در طول تاریخ در احیای دین و اجرای حدود و احکام الهی نقشی به سزا داشته اند؛ چنان که مقام معظم رهبری (دام ظلّه) می فرمایند:

«علماء، دین و معارف و فقه اسلامی را نگه داشتند، تحریف را از ساحت احکام الهی دور کردند، شعله ایمان را در دل مردم برافروختند و بر افروخته نگه داشتند، توجه مردم را به قرآن و تعالیم اهل بیت علیهم السلام تأمین و برانگیختند. علماء بودند که در طول تاریخ با ستمگران مبارزه کردند، پناه مظلومان و ملت های ضعیف و مردم مؤمن و مستضعف شدند.»(۱)

در این نوشتار برآنیم تا با یکی از همین عالمان ربانی آشنا شویم.

در سال ۱۳۰۵ ش (۱۳۴۶ ق) در قصبه میامی (۲) واقع درده فرسنگی شهر شاهرود، در خانه ای از خاندان علم و فضیلت و تقوا و دوستدار اهل بیت، کودکی پا به عرصه هستی نهاد که نام او را احمد گذاردند.

پدرش شیخ محمد حسن احمدی یکی از علمای بنام و مشهور منطقه بود که در علوم مختلف، بالاخص علم طب، اطلاعات زیادی داشت و مردم آن بخش از وجودش استفاده می کردند. (۳)

جدش مرحوم آیت الله آقا شیخ احمد نیر از علما و زهاد و اوتاد زمان خود بود. وی دارای تألیفات فراوان بوده است و همین طور پدران او تا چند نسل روحانی و از خدمتگزاران به دین اسلام و مکتب سعادت آفرین تشیع بوده اند. (۴)

تحصیلات

آیت الله احمدی پس از دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود، به اقتضای شوق فطری و سیره خانوادگی، به تحصیل علوم دینی رو آورد. وی مقدمات عربی را نزد والد گرامیش فرا گرفت و پس از چند سالی که در محضر پدر بزرگوارش تحت تعلیم و تربیت بودند، به همت و سعی پدر به حوزه علمیه مشهد مقدس آمده و در جوار حضرت ثامن الائمه علیه السلام، تحت سرپرستی رئیس وقت حوزه علمیه، مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ احمد کفایی قرار گرفت. (۵)

آیت الله احمدی به مدت ده سال در جوار ملکوتی امام هشتم علیه السلام اقامت گزید و دوره مقدمات و ادبیات عرب را نزد استاد توانا، ادیب نیشابوری، گذراند و سطوح عالی را نزد حضرات آیات، که در ذیل اشاره می شود، گذرانید:

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی؛

۲. میرزا احمد مدرّس یزدی.

۳. مرحوم آیت الله میرزا کاظم مهدوی دامغانی (معروف به محقق دامغانی و دایی پدر محقق مقاله).

۴. حضرت آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی.

۵. فلسفه و کلام نزد حاج شیخ مجتبی قزوینی.

۶. دروس معارف نزد محقق بزرگ و عارف بالله، آیت الله مرحوم میرزا مهدی (معروف به اصفهانی). (۶)

هجرت و اقامت به حوزه علمیه قم

آیت الله احمدی سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دروس خارج فقه و اصول، در معیت عده ای از فضلاء حوزه علمیه مشهد مقدس مانند مرحوم شهید آیت الله سید محمد رضا سعیدی و حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی سیستانی (مقیم نجف اشرف) و آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و برخی دیگر از حجج اسلام _ که هم اکنون در سمت های عالی مشغول خدمتگزاری به نظام جمهوری اسلامی ایران هستند _ به شهر مقدس قم هجرت نمود و در جوار کریمه اهل بیت،

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام سکنی گزید. (۷)

اساتید آیت الله احمدی در قم

۱. آیت الله العظمی سید محمد حسین طباطبایی بروجردی رحمه الله که رئیس و مرجع مطلق عالم تشیع بود.

۲. آیت الله سید صدرالدین صدر رحمه الله که از اساتید و مسئولین حوزه علمیه قم بوده است.

۳. آیت الله سید محمد تقی خوانساری رحمه الله ، از مراجع عظیم جهان اسلام.

۴. آیت الله سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله ، همان چهره ممتازی که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری با تعظیم و اکرام از وی سخن می گفت، وی را به اقامه جماعت به جای خود، و به وصایت و نیابت تعیین نمود و بعد از رحلت آن مرد بزرگ و مرجع عالیقدر به سامان دادن امور حوزویان اهتمام ورزید. (۸)

۵. آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی رحمه الله ، از اساتید مجرب فقه و اصول حوزه علمیه.

۶. حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره ، بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران.

آیت الله احمدی در محضر چنین مراجع و بزرگانی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن پرفیض آنان توشه ها برگرفت و بهره های فراوان برد.

هجرت به نجف اشرف

آیت الله احمدی، برای بهره گیری از درس بزرگان حوزه نجف اشرف و جستجوی آراء و مبانی فقه و اصول آنان، رهسپار عراق گردید.

ص: ۱۴

معظم له پس از زیارت عتبات عالیات و طلب توفیق از آن امامان معصوم علیهم السلام در نجف اشرف سکنی گزید. او هر شب به حرم مطهر و منور مولا- امیرمؤمنان علیه السلام مشرف می شد و پس از انجام فرائض و زیارت، از آن حضرت طلب توفیق می نمود.

اساتید در نجف اشرف

هدف آیت الله احمد علی احمدی از هجرت به عراق، علاوه بر زیارت مراقد ملکوتی ائمه اطهار علیهم السلام، استفاده علمی از محضر علما و فرزندان نجف اشرف هم بود. از این رو، ایشان بعد از استقرار در نجف از محضر اساتید بزرگواری همچون:

حضرت آیت الله العظمی حاج سید محسن حکیم رحمه الله، حضرت آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی رحمه الله، حضرت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله، حضرت آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، بسیار بهره برد.

ایشان سپس برای تدریس و انجام وظایف فرهنگی به ایران برگشت و در شهر مقدس قم اقامت گزید و تا آخر عمر شریفش لحظه ای از تبلیغ و تدریس، و تربیت نسل جوان و مردم کوتاهی نکرد. (۹)

مراتب علمی

آیت الله احمد علی احمدی همانند جد و پدر بزرگوارش، دارای مراتب علمی بالا بوده و در کلام، فلسفه، حدیث، فقه، اصول و عرفان صاحب نظر و اهل قلم بوده است.

این مرد بزرگ سال های متمادی در یکی از حجره های صحن مطهر

ص: ۱۵

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به تدریس رسائل، مکاسب و کفایتین و خارج فقه و اصول و اخلاق اشتغال داشت. محصول تدریس این فقیه، پرورش تعداد زیادی از طلباب فاضل است که هم اکنون به مدارج بالای علمی دست یافته و به خدمات علمی، فرهنگی پرداخته اند و بعضی از آنها در سمت هایی از قبیل قضاوت و بعضی هم به تربیت طلباب حوزه و نسل جوان دانشگاهی اشتغال دارند. (۱۰)

فعالیت های فرهنگی قبل از انقلاب

جایگاه وی نزد آیت الله العظمی بروجردی

آیت الله احمدی که از شاگردان برجسته و ممتاز حضرت آیت الله بروجردی بود، به دلیل تقوا و حافظه قوی و دارا بودن مراتب علمی و فهم فقهی بالا، همواره مورد عنایت معظم له بود. اشتیاق آیت الله احمدی به اشاعه فرهنگ والای اسلامی و نیز توجه وافر ایشان به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امت مسلمان، بخصوص مردم مظلوم ایران، باعث گردید که از جانب حضرت آیت الله بروجردی به همراه چند نفر از فضلاء حوزه علمیه قم — که هم اکنون بسیاری از آنان در شمار علمای طراز اول حوزه علمیه قم هستند (مانند آیت الله علی مشکینی، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله فقیه احمدی میانجی، آیت الله فقیه روحانی، آیت الله سبحانی و جناب شاهرودی و معزی ملایری). — جهت تبلیغ مبانی دینی و فرهنگ اسلامی و مبارزه با دشمنان عقیدتی اسلام همچون فرقه ضاله بهائیت به مناطق مختلف کشور اعزام شدند. ایشان در این دوران فعالیت های وسیع و بسیار پرثمری را ایفا نمودند.

ص: ۱۶

از جمله مأموریت های ایشان به نمایندگی از طرف حضرت آیت الله بروجردی، هجرت به شهر آبادیه شیراز به مدت سه سال بود؛ زیرا این شهر مرکز تصوف و بهائیت بود و تفکرات انحرافی این فرقه های گمراه در اکثر ادارات و در میان اقشار مختلف مردم رسوخ کرده بود. آیت الله احمدی مبارزه جدی و پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا به موفقیت های چشمگیری نایل آمد و بسیاری از آن منحرفان را توبه داد و به دامن اسلام باز گردانید. (۱۱)

نگارنده این سطور هنگامی که از ایشان سؤال کردم: شما از چه شیوه و روش هایی جهت تبلیغ استفاده می کردید، ایشان جواب داد:

«قرآن مجید شیوه ارشاد را بیان فرموده است.»

و آن گاه اشاره به آیه سوره نحل «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه...» و آیه سوره سباء «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی» (۱۲) کرد. ایشان رمز موفقیت و تأثیر کلام را در خودسازی و تهذیب نفس و استمداد از ادعیه مأثورہ و مطالعه و تحقیق زیاد می دانست و در ادامه بیان فرمود:

«با تبتی خالص برای رضای قادر مئان و بدون توجه به اجرت مادّی حرکت کردم. برای خدا رنج ها و مشکلات را به جان خریدم و هیچ شکوه ای نداشتم و امیدوار بودم که خداوند اجر و مزد می دهد، هم در دنیا و هم در آخرت. وقتی احساس کردم تبلیغاتم مؤثر واقع شده خیلی خوشحال بودم. زمانی که به اطلاع مرجع عالم اسلام آیت الله بروجردی رسیده بود، بسیار خرسند گردیده و برایم دعا کرده بود. پس از مراجعت، معظم له چندین مأموریت دیگر به من

ص: ۱۷

واگذار نمودند و به نمایندگی از طرف آن مرجع تقلید به شهرستان های فیروز کوه، چهار محال بختیاری، فریدن و داران از توابع اصفهان و همچنین وادغان از توابع کاشان _ که مرکز سران بهائیت و تبلیغات گسترده آنان بود. _ هجرت کردم. در وادغان جلسه مصاحبه و پرسش و پاسخ قرار دادم. نتیجه آن شد که بسیاری توبه کرده و به دامن اسلام برگشتند (۱۳) و یکی از سران بهائیت به نام دکتر برجیس به دست مسلمانان کشته و آن گروهک فریب خورده تضعیف و نابود شدند.» (۱۴)

توجه به نسل جوان

از جمله تلاش های فرهنگی آن مجاهد فقید، توجه ویژه او به نسل جوان، قبل و بعد از انقلاب بود. در سال های حکومت ستم شاهی، بخصوص سال های ۵ _ ۱۳۵۴، که شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه بسیار نامطلوب بود و بسیاری از جوانان و نوجوانان این مملکت تحت تأثیر فرهنگ نظام طاغوتی برگرفته از فرهنگ منحط و انحرافی غرب، قرار گرفته بودند و زمینه های فساد و بی بند و باری بر اثر تبلیغات شوم رادیو و تلویزیون و سینما و کاباره و غیره در جامعه ایجاد شده بود، این عالم متعهد برای جلوگیری از غوطه ور شدن نسل جوان در فساد اخلاقی، در شرق تهران در محله وحیدیه اقدام به تأسیس کتابخانه وسیعی جنب مسجد جامع فاطمیه کرد و بیش از ۵ هزار جلد کتاب را تهیه نمود و خود عهده دار امامت جماعت آن مسجد شد. او همچنین به دعوت روحانیت روشنفکر حوزه علمیه قم، کلاس های اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و

ص: ۱۸

جلسات متعدد پرسش و پاسخ را جهت شکوفا شدن استعدادهای نهفته و رشد فکری جوانان دایر نمود. البته این اقدام مؤثر واقع شد و جوانان زیادی به مسائل اعتقادی و سیاسی گرایش یافتند. (۱۵)

نکته قابل توجه این است که وی در کنار فعالیت های فرهنگی، به دلیل جو خفقان و رعب و وحشت از ساواک، به طور مخفی و محرمانه با افراد سیاسی _ مذهبی که علیه نظام طاغوت مبارزه می کردند، ارتباط داشت و به صورت غیر مستقیم به آگاهی دهی سیاسی و هدایت جوانان می پرداخت؛ این در زمانی بود که ساواک به وی اجازه نمی داد در مسجد برای مردم سخنرانی کند.

یکی از فعالیت های آیت الله احمدی این بود که اطلاعیه ها و کتاب حکومت اسلامی را تهیه و تکثیر می کرد و به وسیله فرزندان خودش و بعضی از جوانان که مورد اعتماد او بودند همچون شهید علی اکبر و هاج در بین مردم توزیع می شد. «علی اکبر و هاج» در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به دست ساواک، در حین پخش اطلاعیه به درجه شهادت نایل آمد. (۱۶)

فعالیت های فرهنگی بعد از انقلاب

* در سنگر نماز جمعه

آیت الله احمدی بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در صحنه های فرهنگی حضوری چشمگیر و درخشان داشت. این عالم وارسته با حکم حضرت امام رحمه الله به عنوان امام جمعه و نماینده ولی فقیه در چابکسر (از توابع گیلان) منصوب و مشغول خدمتگزاری شد. ایشان در چند سالی که در این سمت بود، با ایراد خطبه ها و سخنرانی های پربار و

روشنگر، مردم آن دیار را ارشاد می کرد و با جریانات انحرافی ضد انقلاب و منافقین به مبارزه می پرداخت. او برای دفاع از ارزش های والای انقلاب و ولایت فقیه، با تحلیل های علمی و استدلال های منطقی خود باعث شد که منافقین کور دل و ضد انقلاب و مارکسیست ها نتوانند جوانان پاکدل آن خطه را اغفال و بر ضد نظام مقدس جمهوری اسلامی تحریک کنند. (۱۷)

* در سنگر جبهه

یکی دیگر از سر فصل های مهم فعالیت فرهنگی آن مجاهد نستوه، حضور مستمر او در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های غرب و جنوب، مخصوصاً در لشکر علی بن ابی طالب قم در جبهه غرب بود. این فقیه مجاهد با سخنرانی های شیوا و بیان جنگ های صدر اسلام به تقویت روحیه رزمندگان اسلام می پرداخت. از جمله فعالیت های ارزنده و ماندگار ایشان، سخنرانی های پربار او در لشکر علی بن ابی طالب مستقر در جبهه غرب بود. این سخنرانی ها که در مورد «حرکت ارتش اسلام به نحو استتار»، «علت جنگ خیبر»، «نقاط حساس و راه هایی که شبانه به اشغال لشکر اسلام در آمد»، «تاکتیک جنگی فتح قلعه خیبر»، «شیوه فتح سنگرهای دشمن»، «باز شدن در خیبر به دست امیرالمؤمنین علیه السلام»، «عوامل پیروزی»، «عاطفه در صحنه نبرد»، «گذشت در هنگام پیروزی» و «سه نقطه درخشان از فضایل علی علیه السلام در وقایع خیبر» بود، بعدها در جزوه ای جمع آوری شد. این جزوه بنا به درخواست سردار رشید اسلام شهید زین الدین که فرماندهی لشکر به عهده ایشان بود، با عنوان «کانون خطر یا دژ آهنین خیبر» چاپ و منتشر شد. این اثر ارزشمند به واسطه

مؤثر بودنش در جبهه های غرب و جنوب حتی در جزیره مجنون بین رزمندگان اسلام توزیع و به سرعت نسخه های آن نایاب شد. (۱۸) این جزوه تنها یک نمونه از صدها سخنرانی حماسی آن مرد بزرگ در جبهه ها می باشد.

زهد، تقوا، حسن سلوک، رفتار متواضعانه و بسیاری از ویژگی های خوب او در جمع رزمندگان اسلام چنان بود که رزمنده ای به نام بشیر اراکی برای آن عالم وارسته، اشعاری را سروده است که چند بیتی از آن را می آوریم:

ای عالمان، ای واعظان، آید به جبهه این زمان با دانش و گفتارتان، یاری کنید رزمندگان

جبهه بود دانشگه خودسازی و علم و عمل آید درین کانون، کنید احکام اسلامی بیان

در لشکر مولا علی علیه السلام، آید به مسجد ظهر و شام تا بنگرید احمد علی، احمدی را نغمه خوان

بین صلاتین می دهد روح دلیران صیقلی این پیر نستوه می کند با صحبتش دل ها جوان

پاسخ دهد با شور و حال، پیوسته بر صدها سؤال حراف و نطق و صبور، خوش مشرب و شیرین بیان

از حوزه علمیه قم آمده در جبهه ها خدمت کند بر دین و حق تا باشدش تاب و توان

شاهرودی و نیکو سرشت، یا رب ببر او را بهشت کن همنشین نزد مولایش علی علیه السلام اندر جنان

این عالم متقی غیر از تدریس، تألیف، تبلیغ و اقامه نماز جماعت در قم و تهران، تدریس دروس مختلف اسلامی را در دانشگاه ها به عهده داشت و به عنوان استادی فرزانه و خبره شناخته شده بود. بخشی از اوقات ایشان هم جهت پاسخگویی به سؤالات پیچیده عقیدتی اساتید معارف مصروف می گشت. زمانی که نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت خود را شروع کرد، او یکی از افرادی بود که به عنوان ممتحن اساتید دروس معارف اسلامی انتخاب شد.

ایجاد دفاتر فرهنگی دانشگاه ها، جذب طلاب، بازرسی، رفع مشکلات دفاتر فرهنگی، احداث نمازخانه ها و تقویت کتابخانه ها از جمله فعالیت های دیگر ایشان بود. این عالم فداکار نقش بسیار مؤثری در اسلامی شدن دانشگاه ها، جداسازی جوانان دانشجوی پسر و دختر، تشکیل جلسات اعیاد و سوگواری ائمه علیهم السلام با همکاری بسیج دانشجویی داشت و در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کرد. (۱۹)

آثار ماندگار

آن استوانه فقه و فضیلت، از عمر پربرکت خود نهایت استفاده را نمود. غیر از سخنوری و تبلیغ دین حنیف و تدریس در حوزه علمیه قم و دانشگاه ها، به تحقیق و تألیف کتاب های فراوانی مبادرت نمود. کتاب های چاپ شده او هر کدام به نوبه خود جذاب و پر فایده برای عموم اقشار جامعه می باشند که ما به آن ها اشاره می کنیم. امید است با همت فرزندان آن عالم ربّانی، کتاب های دیگر آن مرحوم به چاپ برسد.

۱. «کتاب سیری در عقاید»: چاپ اول این کتاب در زمان مرجعیت حضرت آیت الله بروجردی بود که پیرامون فِرَق مختلف و نقد و بررسی و تفکرات تصوّف می باشد. این کتاب به دلیل غنای علمی تا کنون بیش از ۵ نوبت با تیراژ بالا چاپ و منتشر شده است. کتاب مذکور ۵ بخش عمده دارد: ۱. توحید؛ ۲. عدل؛ ۳. نبوت؛ ۴. امامت؛ ۵. معاد.

۲. «تقلید اعلم»، به زبان عربی: که به دلیل سیاسی بودن، رژیم طاغوتی اجازه چاپ آن را نداد.

۳. «انگیزه حق»: در پیرامون مناقب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .

۴. «به سوی خدا بروید».

۵. «مجموعه مقالات پیرامون باب و بهاء».

۶. «جنگ خیبر»: چنان که گفته شد، این عالم ربانی ماه ها در جبهه های جنگ حضور مؤثر داشته است. در طی این مدت، جهت تقویت روحیه رزمندگان سخنرانی های بسیاری ایراد کرد. این کتاب بخشی از سخنرانی های ایشان است که بنا به درخواست سردار شهید زین الدین و نماینده ولی فقیه در لشکر علی بن ابی طالب علیه السلام تهیه و منتشر گردید.

۷. تفسیر موضوعی قرآن مجید. (۲۰)

کتاب های در دست انتشار:

۱. «ترجمه کتاب شریف جامع السعادات مرحوم نراقی کاشانی».

۲. رساله «در مسئله بداء».

۳. «تقریرات درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی در باب لباس مشکوک».

ص: ۲۳

۴. «اخلاق حمیده».

۵. «رساله عملیه» (۲۱).

اجازات اجتهاد

این دانشمند متقی و عالم عامل، از تعدادی از مراجع بزرگ تشیع اجازه نامه اجتهاد داشت که عبارتند از:

آیت الله العظمی حکیم رحمه الله؛ آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری؛ آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی رحمه الله؛ آیت الله العظمی حاج شیخ عباسعلی شاهرودی رحمه الله، که ضمیمه مقاله می باشد؛ آیت الله العظمی حاج سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله؛ آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی رحمه الله؛ آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی رحمه الله و آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله. (۲۲)

فضایل معنوی و اخلاقی

آیت الله احمدی بر اثر تربیت خانوادگی و تأثیر پذیری از خلق و خوی اساتید خود در حوزه های علمیه مشهد و نجف و قم و نیز مجاهدات با نفس امّاره و ارتباط با خداوند متعال و مأنوس بودن با ادعیه امامان معصوم علیهم السلام، مجموعه ای از صفات نیک را در خود جمع کرده بود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. عبادت و بندگی: در سایه عبادت و بندگی خالصانه است که انسان به مدارج عالی کمال نایل می شود. خود (نویسنده مقاله) بارها شاهد بودم که می فرمود:

«با خدا بساز بر همه بناز.»

ص: ۲۴

لذا این عالم عامل به عبادت عشق می ورزید. نماز شبش ترک نمی شد. در نماز جماعت صبح در مسجد امام رضا علیه السلام حضور می یافت. بارها دیده می شد که همه روزه قرآن می خواند. به تعقیبات نماز می پرداخت و هنگامی که مشغول دعا می شد به شدت اشک می ریخت. این دعاها را بسیار تکرار می کرد:

«الهی لا تکلنی الی نفسی طرفه عینِ ابدأ.»

و می فرمود:

«اللهم ذلّلْ نفسی فی نفسی. و عَظّمْ شأنک فی نفسی» (۲۳)

در شبهای جمعه در عبادت، حال عارفانه و خالصانه ویژه ای داشت. در ماه مبارک رمضان بیشتر به عبادت و راز و نیاز و تبلیغ و ارشاد می پرداخت.

۲. تواضع و فروتنی: او با مردم و طلاب بسیار برخورد خودمانی داشت. در جلسات، رفتاری عادی و کمتر از منزلت خود بروز می داد، و به همین علت بود که طلاب و نسل جوان دانشگاهی و مردم مجذوب و شیفته اش می شدند، بخصوص نسل جوان دانشگاهی او را عالمی متواضع و دور از تکبر می شناختند. ایشان در محیط خانواده هم بسیار متواضع بود و احترام خاصی به همسر و فرزندان می گذاشت. هیچ گاه عبوس نبود و همیشه با چهره خندان و شاداب به آنان نگاه می کرد. گاهی در امور خانه به همسرش کمک می کرد.

۳. شیدای ولایت: آیت الله احمدی رابطه ای قوی و انس و الفت خاصی با اهل بیت علیهم السلام داشت. یکی از انگیزه های رفتن او به نجف اشرف همین بود. در آنجا ضمن تحصیل علوم اسلامی، به صورت مستمر و همه

شب، به حرم مولا- امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب می شد و بعد از اقامه نماز مغرب و عشا، زیارت جامعه را می خواند و اشک می ریخت. بارها متذکر می شد:

«شما که در دانشگاه ها هستید، یاد و خاطره امامان معصوم را زنده نگه دارید؛ در اعیاد مجلس جشن بگیرید و در شهادت مجلس عزاداری ترتیب دهید تا نسل جوان با زندگی ائمه آشنا شوند؛ بین نماز ظهر و عصر یک حدیث کوتاه بخوانید و بیانات انسان ساز ائمه را برای نسل جوان بازگو کنید.»

این عالم بزرگوار احترام خاصی برای ذریه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم قائل بود. اگر سیدی وارد مجلسی می شد که او حضور داشت، به صورت کامل بلند می شد. دیده نشد که او جلوتر از سیدی به مجلس و محفلی وارد شود... (۲۴)

۴. ساده زیستی: یکی از ویژگی های بارز او، قناعت و ساده زیستی بود. از زرق و برق دنیا دوری می کرد. وضع زندگی او بسیار ساده و بی آلایش بود؛ در محیط منزلش از تجملات و امور زینتی خبری نبود، این خصلت سازنده را تا آخر عمر حفظ کرد. از غذاهای لذیذ به شدت پرهیز می کرد. در اکثر مسافرت های طولانی که جهت بازرسی دفاتر فرهنگی می رفت، دستور می داد در جایی که آب و درخت باشد توقف کنند. اول عبای خود را پهن می کرد و نماز می خواند سپس غذای ساده ای تناول می کرد و به راه خود ادامه می داد. می فرمود:

«انسان هایی که به جایی رسیدند، به اندک قناعت کردند.»

۵. مسئولیت پذیری: از ویژگی های بارز آن عالم ربّانی همین احساس

مسئولیت بود. او از گوشه گیری و انزوا جداً دوری می کرد و با وجود کهولت سن، مرتب به تهران و شهرستان ها جهت تدریس و بازرسی امور فرهنگی می رفت. بارها می فرمود:

«انسان تا زنده است و توان دارد، باید به خلق خدا خدمت کند. ما که نان امام زمان علیه السلام را خوردیم و در دورانی زندگی می کنیم که مردم برای انقلاب و جنگ تحمیلی جان و مال داده اند و در مصدر انقلاب نایب امام زمان علیه السلام وجود دارد؛ باید برای خدمت به مردم و نسل جوان حرکت کرد و مردم را آگاه کرد. باید به هر صورت که ممکن است خدمت کنید، تبلیغ کنید، مسئله و احکام بگویید، به جبهه بروید و مجاهدت های مسلمانان صدر اسلام را بگویید و...» (۲۵)

فرزندان

احمدی شاهرودی رحمه الله دارای چهار پسر و یک دختر می باشد:

۱. آقای محمد حسن احمدی، هم اکنون ۵۰ سال سن دارد و کارمند نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران است.
۲. آقای محمد مهدی احمدی، که هم اکنون مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر مقدس قم و ۴۲ ساله است.
۳. آقای جواد احمدی، که مشاور حقوقی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و ۳۵ ساله است.
۴. حجه الاسلام حسین احمدی، از مدرسین حوزه علمیه قم است و ۲۸ سال دارد.

ص: ۲۷

در ضمن همسر مرحوم آیت الله احمدی از بانوان عقیقه و دارای زهد و کمال است که همراه با شوهر بزرگوارش قدم های مثبتی در انقلاب اسلامی برداشته و در دامن خود فرزندان صالحی را تربیت نمود. (۲۶)

پرواز به ملکوت اعلی

سرانجام روح بلند و ملکوتی فقیه عارف و مجتهد وارسته، حاج شیخ احمد علی احمدی شاهرودی، پس از سال ها تلاش و فعالیت دلسوزانه در راه دین مبین اسلام و مکتب سعادت آفرین تشیع در سال ۱۳۷۵ ش در سفر حج عمره، بعد از انجام مناسک حج و در حال طواف بیت الله الحرام بر اثر سکته قلبی به میهمانی صاحب بیت شتافت. به مناسبت ارتحال ایشان، بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه مجلس عزاداری برگزار کرد. بنا به تقاضای همسر و فرزندان، جنازه مطهرش به ایران منتقل شد و تشییع باشکوهی در قم انجام گرفت و آیات عظام: صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی نیز در تشییع شرکت کردند و حضرت آیت الله العظمی بهجت بر پیکر آن مرحوم نماز خواندند. سپس در قبرستان شیخان، نزدیک قبر میرزای قمی و حاج شیخ جواد ملکی تبریزی دفن گردید. مجالس عزاداری از طرف شورای مدیریت حوزه علمیه قم در مسجد محمدیه و دانشگاه آزاد اسلامی مرکزی در مسجد ارک تهران برگزار شد. طلاب و دانشجویان نیز در شهرهای مختلف از قبیل تهران، دامغان، شاهرود، زنجان، تبریز، لرستان، مازندران و... برای آن عالم ربّانی مجالس ختم برگزار کردند. (۲۷)

ص: ۲۸

یکی از دوستان حاج آقا نقل می کند:

بعد از اتمام مراسم تشییع، به استراحت پرداختم؛ در عالم خواب مشاهده کردم که به همراه حاج آقای احمدی شاهرودی به جایی می روم. تا این که به منزلی رسیدیم، ایشان به من تعارف کردند که وارد خانه شوم. در همین موقع متوجه شدم که دور تا دور اتاق، گروهی از سادات نشسته اند؛ حاج آقا به من فرمودند: «این آقایان، امشب میزبان من هستند...»

یکی از بستگان وی نیز می گوید:

قبل از این که جنازه حاج آقا را از کویت به ایران بیاورند، در عالم خواب مشاهده کردم که از داخل حرم حضرت معصومه علیهاالسلام تابوتی زیبا را بیرون آوردند؛ روی تابوت، پر از گل و عمامه حاج آقا هم روی گل ها بود، در حالی که تابوت روی دوش عده ای سید قرار داشت...

پی نوشت ها:

۲۸. صحیفه ولایت، ج ۶، ص ۳۰۲.

۲۹. تاریخ قومس، عبدالرفیع حقیقت، انتشارات آفتاب، تهران، ص ۲۵۶ و ۳۵۷. قصبه میامی در ۶۰ کیلومتری خاور شاهرود از استان سمنان سر راه شاهرود به مشهد واقع شده است و هوای آن معتدل است.

۳۰. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۷.

۳۱. آینه پژوهش، سال هفتم، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، شماره پیاپی ۴۲.

۳۲. مقدمه کتاب سیری در عقاید، تألیف مرحوم آیت الله احمدی شاهرودی.

۳۳. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۸.

۳۴. سیری در عقاید، چاپ پنجم، ص ۵.

۳۵. ستارگان حرم، ج ۷، ص ۹۵.

۳۶. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۷.
۳۷. آینه پژوهش، سال هفتم، ش ۶ (بهمن و اسفند ۷۵)، ص ۸۹.
۳۸. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۸.
۳۹. نحل / ۱۲۵ و سباء / ۴۶.
۴۰. مصاحبه نویسنده این مقاله با آیت الله احمدی در زمان حیاتش.
۴۱. جزوه آشنایی با زندگینامه مرحوم آیت الله احمدی، ص ۳. جریان دکتر برجیس را در کتاب «ربانی شیرازی، آیه استقامت» از مجموعه دیدار با ابرار به طور کامل ملاحظه فرمایید.
۴۲. روزنامه حیات نو (پنج شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۰)، ص ۳.
- ۴۳ و ۴۴. نقل از آقای محمد مهدی احمدی فرزند آیت الله احمدی.
۴۵. جزوه کانون خطر یا دژ آهنین خیبر.
۴۶. نقل از نویسنده مقاله که در دانشگاه مدتی با ایشان همکاری داشته است.
۴۷. سیری در عقاید، مقدمه، ص ۳.
- ۴۸ و ۴۹. همان، ص ۸.
۵۰. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۳ و اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۱.
۵۱. قسمتی از مصاحبه نویسنده مقاله با فرزند مرحوم و مشاهدات نویسنده.
- ۵۲ و ۵۳. نقل از محمد مهدی احمدی.
۵۴. اطلاعیه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

ص ۳۳

ج-ای عکس

آیت الله سید محمود مرعشی

ص: ۳۲

مرحوم حضرت آیت الله سید محمود مرعشی فرزند آیت الله سید سلطانعلی مرعشی شوشتری، از سادات صحیح النسب حسینی است که با سی و دو واسطه به حضرت حسین اصغر علیه السلام، فرزند حضرت امام سجّاد علیه السلام می رسد.

علت نامگذاری این سلسله به «مرعشی» این است که واژه مرعشی به معنی پرنده بلند پرواز و کبوتر سفید است که در هوا دور می زند. (۵۵) نظر به این که جدّ اعلای این سلسله به شخصی به نام «ابی الحسن علی بن ابی محمد عبدالله» می رسد، که وی نیز با چهار واسطه به امام سجّاد علیه السلام منتهی می شود، و ایشان در عصر خود از سادات بسیار ارجمند و دارای موقعیت عظیم بود؛ لذا مردم به او مرعش (پرنده شکوهمند) لقب دادند و فرزندان او را سادات مرعشی نامیدند. شهر «قهرمان مرعش» که در شمال

شهر موصل قرار گرفته و اکنون در جنوب ترکیه واقع شده و جزء کشور ترکیه است، به نام همین شخصیت ارجمند تأسیس گردید و قبر او نیز در همین شهر است.

مرحوم سید میر قوام الدین مرعشی، معروف به میر بزرگ، که مرقد او در شهر آمل مازندران و دارای صحن و سر او گنبد عظیم و بزرگ است، نخستین نفر از سادات مرعشی است که وارد مازندران شد و در آنجا حکومت علوی تشکیل داد و حکومت او تا زمان تیمور لنگ ادامه یافت. از آن پس بر اثر جنگ های دامنه دار، سادات مرعشی پراکنده شدند.

مرحوم میر سید نجم الدین محمود مرعشی آملی از نواده های برادر سید میر قوام الدین، در آغاز قرن هشتم قمری، هنگام بازگشت از عتبات عالیات (که برای تحصیل علوم حوزوی به عتبات سفر کرده بود) وارد شوشتر شد و به درخواست سید عز الدین یا عضد الدوله، امیر شوشتر، در شوشتر ماندگار شد و یگانه داماد آن امیر گردید. بدین ترتیب سادات مرعشی در شوشتر پدیدار شدند.

میر سید نجم الدین برای ترویج مذهب تشیع، تلاش فراوان نمود به طوری که جمعی از اهل تسنن در پرتو تبلیغات ایشان شیعه شدند و آیین تشیع در دیار شوشتر رواج یافت. وی جد چهاردهم سید سلطانعلی است.

به این ترتیب مرحوم آیه الله سید سلطانعلی بن سید ابراهیم، پدر حضرت آیه الله سید محمود مرعشی رحمهم الله در شوشتر به دنیا آمد. بنابراین پدر و اجداد نزدیک مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی از سلسله سادات مرعشی شوشتر می باشند. سلسله نسب خاندان مرعشی در

پدر ارجمند

پدر ارجمند آیه الله سید محمود مرعشی، آیه الله سلطانعلی نام داشت که سلسله نسبش با سی و یک واسطه به امام سجّاد علیه السلام می رسد. او در حدود سال ۱۲۶۵ قمری در شوشتر، چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۳۳ قمری هنگام مراجعت از زیارت مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام در شهرک طویرج (چند فرسخی کربلا) دار دنیا را وداع کرد.

این عالم بزرگ، تحصیلات مقدماتی خود را در شوشتر به پایان رسانید. او که از شاگردان ممتاز و خاص آیه الله حاج شیخ جعفر شوشتری (متوفای ۱۳۰۳ ق) به شمار می رفت، دروس مقدماتی علوم دینی و حوزوی را نزد این استاد عالی مقام استوار ساخت و برای ادامه تحصیل آماده هجرت گردید.

او همراه استادش آیه الله شیخ جعفر شوشتری به تهران هجرت کرد و در تهران ملازم آیه الله شوشتری بود و با سعی و وساطت ایشان، با دختری از سادات اعرجی، وابسته به خاندان مسجد حوضی ها، ازدواج نمود. از این ازدواج مبارک دارای چهار پسر شد که پسر سوم ایشان، سید محمود مرعشی بود. آیه الله سلطانعلی در سال ۱۳۱۳ قمری، با خانواده خود به نجف اشرف هجرت نمود و برای ادامه تحصیل و تدریس، در آنجا رحل اقامت افکند. (۵۷) به این ترتیب سید محمود، در شش سالگی همراه پدر، از تهران به نجف اشرف هجرت نمود.

مرحوم آیه الله سلطانعلی مرعشی فقیه کبیر و مجتهد و متبحر، از

اساتید درس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه نجف اشرف بود و از نظر تقوا و پارسایی و موقعیت علمی و اجتماعی و سایر ویژگی های معنوی و اخلاقی، در سطح بسیار بالایی قرار داشت. از ویژگی های او این بود که به خواندن زیارت عاشورا بیش از چهل سال مداومت داشت. حتی در حال احتضار، زیارت عاشورا می خواند که در همین حال هم رحلت کرد. این عالم ربّانی چند سالی که در تهران بود، نزد آیه الله میرزا محمد حسن آشتیانی به تحصیل خود ادامه داد. ایشان در نجف اشرف، از اساتید بزرگ آن دیار استفاده فراوان کرد؛ اساتیدی همچون: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ علی قوچانی، آخوند ملا علی نهایندی، حاج میرزا حسین طهرانی (خلیلی)، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایت، و آقا سید ابوتراب خوانساری _ قدس الله اسرارهم _ . وی از دو مجتهد اخیر اجازه اجتهاد و اجازه نقل روایت نیز دریافت کرده بود.

مرحوم آیه الله سید سلطانعلی مرعشی، علاوه بر علوم فقه و اصول، در علم جفر و علم طب قدیم هم اطلاعات وسیعی داشت و در سرودن اشعار عمیق و پر محتوا دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود. ایشان علاوه بر این که تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت، در تدریس نیز بسیار موفق بود؛ به طوری که شاگردان زیادی تحت تعلیم و تربیت او بودند.

او دارای چند پسر بود که عبارتند از: مرحوم آیه الله سید احمد مرعشی (پدر ارجمند آیه الله سید اسماعیل مرعشی، صاحب کتاب اجماعیات فقه الشیعه، در چهار جلد)، سید حسن، آیه الله سید محمود مرعشی (فرزند سوم)، سید حسین، سید محسن، سید علی و سید محمد.

مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی _ چنان که گفتیم _ در سال ۱۳۰۷ هـ. ق از خاندان علم و فقاہت، در تهران چشم به جهان گشود. او خود مادّه تاریخ ولادتش را در دو بیت شعر، چنین آورده است:

يَا أَيُّهَا السَّائِلُ عَنْ أَحْوَالِي هَا أَنَا أَذْكَرُ لَكَ مَا فِي بَالِي

فَأَوَّلًا سَأَلْتُ تَارِيخَ النَّظَرِ فَهَكَذَا أَجَابَنِي «بُرُّ ظَهْرٍ»

ای کسی که از احوال من می پرسی، اکنون آنچه در خاطر من مانده برای تو بازگو می کنم؛ در آغاز از تاریخ یادها و خاطرات گذشته پرسیدم به من پاسخ داد: «بُرُّ ظَهْرٍ»؛ شخص نیکی که آشکار شد.

این جمله به حساب ابجد «۱۳۰۷» می باشد.

آیت الله سید محمود مرعشی در دامن پاک مادری علویّه و پاک سرشت از سلسله سادات اعرجی معروف به مسجد حوضی های تهران، و در پرتو تربیت پدری، که به راستی از علمای ربّانی بود، در تهران بزرگ شد و در شش سالگی همراه پدر و مادر و سه برادرش به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا پس از فراگیری خواندن و نوشتن و کتاب های مقدماتی، برای تحصیل علوم حوزوی آماده گردید. صرف و نحو و منطق و مقدمات را نزد پدر و همچنین برادر بزرگوارش آیه الله سید احمد مرعشی فراگرفت. سپس سطوح را به ترتیب در محضر علمای بزرگ و مدرّسان عالی مقام: میرزا آقای اصطهباناتی، شیخ علی محمد یزدی، آیه الله شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ علی قوچانی و شیخ علی گنابادی، آموخت. آن گاه درس خارج فقه و اصول را از محضر بزرگانی چون: ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه)، سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه الوثقی)،

شیخ ضیاء الدین عراقی و میرزا حسین نائینی، فرا گرفت. وی علم رجال را در محضر آیه الله سید ابوتراب خوانساری و علم کلام را در محضر آیه الله شیخ محمد جواد بلاغی آموخت، و بیشترین استفاده را از این علمای محقق و بزرگ نمود. (۵۸)

آیت الله سید احمد مرعشی

نظر به این که یکی از اساتید او برادر بزرگ تر از خودش، مرحوم آیه الله سید احمد مرعشی _ پدر حضرت آیت الله سید اسماعیل مرعشی (مدظله) _ است، مناسب است به شرح کوتاه زندگی آیه الله سید احمد مرعشی پردازیم.

آیه الله سید احمد مرعشی پس از میرزای شیرازی، مسئولیت حوزه علمیه سامرا را بر عهده گرفت و مدرسه علمیه میرزای شیرازی را در سامرا تجدید بنا کرد. وی با کمک مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، طلاب و فضلا را در سامرا گرد آورد و بدین قرار حوزه علمیه سامرا در عصر مرحوم آیه الله سید احمد مرعشی همانند ایام زعامت میرزای شیرازی رونق گرفت.

آیه الله سید احمد مرعشی در ۶۵ سالگی در سال ۱۳۶۰ هـ. ق بر اثر سکته قلبی رحلت کرد. شهر سامرا در رحلت جان سوز او یکپارچه عزادار شد، جنازه مطهر او را با تشییع بسیار پر شکوه در عتبه مرقد منور عسکریین علیهما السلام به خاک سپردند.

آیه الله سید محمود مرعشی در چهلم رحلت استاد و برادرش آیه الله احمد مرعشی، مرثیه ای سرود و مداحان آن را خواندند، و در همان روز

برادرزاده اش آیه الله سید اسماعیل مرعشی _ که بیست سال بیشتر نداشت _ به وسیله آیه الله سید محمود مرعشی، معمم گردید. (۵۹)

داماد آیه الله سید مرتضی کشمیری

از افتخارات حضرت آیه الله سید محمود مرعشی این بود که به دامادی حضرت آیه الله و سالک الی الله، صاحب کرامات، مرحوم سید مرتضی کشمیری قدس سره نایل شد و از فاطمه خانم (ملقب به شمس السادات)، صبیّه آیت الله کشمیری صاحب نه پسر و دو دختر شد که نام پسران در پایان خاطرنشان می شود. در اینجا مناسب است شرح کوتاهی از آیه الله کشمیری بیاوریم.

آیه الله سید مرتضی کشمیری که گاهی از او به «سید مرتضی رضوی قمی نجفی» یاد می شود، فرزند سید مهدی بن سید کرم الله، از نوابغ علم و عمل و از اولیای بزرگ خدا بود. او در صبح جمعه، ۸ ربیع الثانی سال ۱۲۶۸ هـ. ق در شهر لکنهوه هندوستان دیده به جهان گشود. در همان نوجوانی، آثار نبوغ از او آشکار بود و به بسیاری از علوم دست یافت. در سال ۱۲۸۴ (در پانزده سالگی) برای ادامه تحصیل به عتبات (نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرا) هجرت کرد و از محضر عالمان و عارفان سترگ استفاده های شایان برد تا این که خود، در پرتو علم و عمل و تقوا در سطح بسیار بالا، در زمره اولیای خدا و صاحب کرامات قرار گرفت. در میان ده ها نمونه از کرامات این عالم ربانی و فرزانه، نظر شما را به یک نمونه جلب می کنیم:

مرحوم سلاله السادات سید محمد نصیر آبادی نقل می کند:

ص: ۳۹

آن گاه که آیه الله سید مرتضی کشمیری در عراق بود، یکی از دوستان به نام نواب مولوی سید اصغر حسین، به بیماری سختی مبتلا گردید؛ به طوری که از درمان ها نتیجه نگرفت. شبی در عالم خواب دیدم در باغ سبز و خرمی هستم و در آنجا قصر با شکوهی وجود دارد. چون در فکر درمان سید اصغر حسین بودم، تصمیم داشتم از آن باغ بیرون آیم. ناگاه صدایی از آن باغ شنیدم که می گفت: کجا می روی؟ گفتم: برای پرستاری از سید اصغر حسین می روم. او گفت: چرا به محضر سید مرتضی کشمیری نمی روی تا برای سید اصغر دعا کند؟ گفتم: او در کجاست؟ گفت: در میان همین قصر است. در عالم خواب به طرف قصر رفته و وارد قصر شدم. سید مرتضی را در مصلاّی قصر دیدم. سلام کردم، جواب سلام مرا داد و لبخند زد. عرض کردم: برای شفای سید اصغر حسین دعا کنید. ایشان دعا کرد. من از قصر بیرون آمدم، ناگاه از خواب بیدار شدم. دریافتم که اول اذان صبح است. وضو گرفتم و نماز خواندم و سپس به خانه سید اصغر حسین رفتم. دیدم آیت الله سید مرتضی کشمیری به عیادت ایشان آمده و در کنار بستر سید اصغر حسین نشسته است، ماجرای خواب خود را برای آقا نقل کردم و تقاضای دعا برای شفای سید اصغر حسین نمودم، سید مرتضی گریه کرد و فرمود: شاید شخص دیگری را دیده ای. و به من فرمود: موضوع را مخفی مدار. برای شفای سید اصغر حسین دعا کرد، به طوری که او همان روز شفای کامل پیدا کرد.

(۶۰)

آیه الله سید مرتضی کشمیری در ۱۳ شوال سال ۱۳۲۳ هـ. ق در ۵۵

سالگی در شهر کاظمین به لقاء الله پیوست. جنازه مطهرش را با تشییع پر شکوهی به کربلا آوردند. مرقد مبارکش در حجره سوم جانب راست کسی که از صحن مبارک مرقد مطهر امام حسین علیه السلام از باب زینیه خارج می شود، قرار گرفته است. (۶۱)

شاگردان و تألیفات

آیه الله سید محمود مرعشی پس از وصول به درجات عالی علوم حوزوی و اجتهاد، به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت و حوزه تدریس خارج فقه و اصول را در حوزه علمیه نجف اشرف تشکیل داد و در کنار آن به تألیف کتاب های تحقیقی و استدلالی، پیرامون علم اصول و فقه و سایر مسائل اسلامی همت گماشت و شاگردان برجسته ای در محضر درس او پرورش یافتند. ایشان از آنجا که به زبان عربی تسلط کاملی داشت و تدریس می کرد، بیشتر شاگردانش از طلاب لبنانی و عراقی بودند؛ از جمله آنها: آیه الله سید حسین مکی جبل عاملی است که اخیراً به جای علامه سید محسن امین صاحب اعیان الشیعه، اقامه جماعت می کند و مدرسه علمیه ای در دمشق (سوریه) تأسیس نموده است. از شاگردان دیگر او، آیه الله شیخ اسماعیل بعلبکی جبل عاملی، آیه الله سید عبدالصاحب جبل عاملی، شیخ موسی سودانی، و مرحوم شیخ کاظم ساعدی است که در محضر ایشان به درجه اجتهاد نایل شده اند.

آیه الله سید محمود مرعشی امر تدریس و تألیف را با جدیت تمام تا سال ۱۳۶۵ قمری _ که مصادف با رحلت مرجع بزرگ تقلید، آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی بود _ ادامه داد. به این ترتیب ایشان از سال ۱۳۱۳ تا

سال ۱۳۶۵، یعنی ۵۲ سال، در حوزه علمیه نجف اشرف به تحصیل، تحقیق، تدریس و فعالیت های علمی پرداخت و از عمر با برکت خود کمال استفاده را نمود. (۶۲)

تألیفات ایشان به طور خلاصه عبارت است از:

- ۱ _ «بیداری بشر، یا پرهیز از خطر» (که چاپ شده و پیرامون رد باییت و بهائیت است).
- ۲ _ «حاشیه بر فرائد الاصول» (رسائل شیخ انصاری) _ خطّی.
- ۳ _ «حاشیه بر کفایه الاصول» (ملاً محمّد کاظم خراسانی) _ خطّی.
- ۴ _ «حاشیه بر کتاب طهارت شیخ انصاری» (به طور مبسوط، امّا ناتمام) _ خطّی.
- ۵ _ «کتاب رساله در وجوب حجاب» (استدلالی) _ خطّی.
- ۶ _ «طریق الوصول الی دقائق العقول» چهار جلد، مشتمل بر: توحید، نبوت، امامت و معاد _ خطّی.
- ۷ _ «ابقاء الحلیه فی وجوب اعفاء اللّحیه» (استدلالی در حرمت تراشیدن ریش) _ چاپ شده.
- ۸ _ «رساله در رد صوفیه» _ چاپ شده.
- ۹ _ «شرح دعای ندبه به عربی» که در حقیقت یک دائره المعارف بسیار عمیق و مفید است. _ خطّی.
- ۱۰ _ «نفعه الزّحمان فی حکمه لقمان» _ خطّی.
- ۱۱ _ «اعیان المرعشیه» _ خطّی. (۶۳)

آیه الله سید محمود مرعشی بیانی شیوا داشت و در ابلاغ اسلام و احکام نورانی آن به مردم _ بویژه مردم دور افتاده _ به شدت احساس مسئولیت می کرد. با این که فقیه و مجتهد بود، گاهی ترجیح می داد که هجرت کند و با سخنرانی و تبلیغات، مسایل اسلامی را به مردم بیاموزد. بر همین اساس در دوران جوانی، بنا به دعوت بعضی از بستگانش که در آفریقای شرقی اقامت دارند، به آنجا سفر کرد و ماه ها در شهرهای مقدّشو، بمباسبه، دارالسلام زنگبار، جزیره مدّگشگر به تبلیغ پرداخت و در آن سامان، منشأ آثار و برکات معنوی و مادی فراوانی برای شیعیان آفریقا گردید؛ از جمله با تبلیغات سادات مرعشی و ایشان، چندین مسجد در آن دیار تأسیس شد.

بازگشت به نجف و هجرت به تهران

آیه الله سید محمود مرعشی پس از مدّتی اقامت در آفریقا، به نجف اشرف بازگشت و در حوزه علمیّه نجف به تدریس فقه و اصول و پرورش شاگرد ادامه داد. تا این که حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۶۵ ق. رحلت کرد. آن گاه ایشان به ایران هجرت نمود و چند سال در تهران به اقامه جماعت در مسجد امام زاده معصوم و رسیدگی به امور مسلمین، و تدریس و بحث های فقهی و اسلامی پرداخت و خدمات فقهی، فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی شایانی به عمل آورد.

(۶۴)

مرحوم حجه الاسلام شیخ محمد رازی درباره سفر ایشان به تهران

می نویسد:

«آیه الله سید محمود مرعشی رحمه الله در زمان ریاست آیه الله مجاهد سید ابوالقاسم کاشانی رحمه الله به تهران عزیمت نمود، و چندین سال به اقامه جماعت و هدایت مردم همت گماشت. سپس به عللی از آنجا به نجف اشرف مراجعت نمود.» (۶۵)

آیه الله سید محمود مرعشی در مسجد خود در تهران، با مردم ارتباط صمیمانه و بسیار با صفا داشت و مردم نیز او را دوست می داشتند و از محضرش کمال استفاده را می بردند. وقتی که از دنیا رفت، در مجالس ترحیم او شرکت نمودند؛ حتی نزد بستگان آن مرحوم آمده و پس از استجازه، مجلس بزرگداشت با شکوهی در مسجد ارک تهران برگزار کردند و سوگوارانه در آن شرکت نموده و احساسات پاک و خالصانه خود را ابراز داشتند.

هجرت به حوزه علمیه قم

آیه الله سید محمود مرعشی، پس از سفرهای تبلیغی و مراجعت به حوزه علمیه نجف، آهنگ هجرت به قم نمود. و این در وقتی بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی به قم آمده بود. (۶۶) و با ورود پر برکت ایشان به قم، حوزه نیز انسجام و رونق تازه ای یافته، زمینه های رشد و گسترش آن فراهم شده بود. از این رو نیاز شدیدی به حضور اساتید بزرگ و فقه های عالی مقام داشت. در چنین موقعیتی، آیه الله سید محمود مرعشی وارد قم شد و در قم اقامت گزید و جلسات درس خارج فقه و اصول تشکیل داد و طلاب بسیاری از محضر درس ایشان استفاده کردند.

ص: ۴۴

در حقیقت هجرت به قم، فصل تازه ای از زندگی آیه الله مرعشی بود، تا آنچه را از تجربیات علمی در حوزه نجف اندوخته بود، در حوزه علمیه قم به کار گیرد. لذا پس از ورود به قم، به درس و بحث و تربیت طلاب می پردازد.

هجرت به اهواز

سادات مرعشی شوشتری و تخرار و مردم متدین اهواز، در قم به محضر آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی رحمه الله رسیدند و از ایشان تقاضا کردند که برای اقامه جماعت و تبلیغ دین و رسیدگی به امور، عالمی را به اهواز اعزام کند. حتی ملتزم شدند که در بهترین نقطه اهواز، مسجد با شکوهی بسازند و ایشان در آنجا به اقامه جماعت و سایر امور بپردازد لذا آیت الله مرعشی با اصرار آیه الله العظمی بروجردی _ و پس از استخاره به قرآن _ دعوت آنان را اجابت کرد.

به این ترتیب ایشان از قم به اهواز هجرت نمود و در همان مسجد که بعدها به نام آیه الله مرعشی و از مساجد بزرگ و معروف اهواز شد، به اقامه جماعت و رسیدگی به امور دینی و اجتماعی مردم پرداخت و جلسات درس خارج فقه و اصول را نیز در آنجا برای طلاب مقیم اهواز تشکیل داد؛ ولی پس از سه سال و اندکی اقامت در اهواز، بر اثر کهولت سن و علل دیگر، به قم مراجعت کرد لذا به امر آیه الله العظمی بروجردی قدس سره، آیه الله حاج سید اسماعیل مرعشی، برادر زاده ایشان، رهسپار اهواز شد و در همان مسجد اقامه جماعت نمود. (۶۷)

آیت الله سید محمود مرعشی پس از مراجعت از اهواز تا سال ۱۴۰۸

هـ. ق، حدود ۳۰ سال در قم بود و مجدداً به تدریس خارج اصول و فقه اشتغال ورزید و طلاب و فضیله‌های بسیاری از محضر درس او استفاده کردند؛ این برنامه تقریباً تا آخر عمر ایشان ادامه داشت.

شمه‌ای از زهد و حالات معنوی و اخلاقی ایشان

الف) بندگی و ولایت و تواضع

ایشان به راستی عبد صالح خدا بود. بندگی و تواضع در برابر خدا و تواضع در برابر مؤمنان را در حدّ اعلا رعایت می‌کرد. اهل تهجد و نماز شب بود. از اشتغال به عبادت خدای یکتا و بی‌همتا لذت می‌برد و انس مخصوصی با خدا داشت. رابطه‌اش با خاندان رسالت و اهل بیت پیامبر علیهم السلام بسیار قوی و عاشقانه بود و خود را از خادمان کوچک آن خاندان بزرگ می‌دانست. خواندن زیارت عاشورا را ترک نمی‌کرد، جمعه‌ها بسیار مواظب بود که غسل جمعه را بجا آورد؛ حتی در حال نقاهت و ناتوانی، آن را ترک نمی‌کرد. به خواندن نماز جعفر طیار (با این که طولانی است) اصرار می‌ورزید، با دعا و مناجات مأنوس و همواره به یاد خدا بود.

شیفتگی او به خاندان رسالت در حدّ اعلا بود و همواره با آنها ارتباط معنوی و عرفانی داشت؛ متجاوز از هشتاد سال، دهه اول محرم را در خانه خود مجلس عزاداری بر پا می‌داشت و خود، خالصانه و عارفانه در آن مجالس شرکت می‌نمود و با اظهار ادب به عزاداران و شرکت‌کنندگان، احساسات پاک و بی‌شائبه‌اش را نشان می‌داد. شنیدن مصائب جان‌سوز امام حسین علیه السلام و شهیدان کربلا او را منقلب می‌کرد و سرشک غم از

چشمانش سرازیر می شد.

ایشان با آن که خود، در رتبه بالایی از علم و عمل قرار داشت، نسبت به همه شیعیان، بویژه طلاب، متواضع و فروتن بود و در حدّ توان از طلاب حمایت می کرد.

رابطه اش با حضرت ولیّ عصر _ عَجَلُ اللّهِ تَعَالَى فرجه الشّریف _ بسیار استوار و مخلصانه بود. همه روز صبح ها دعای عهد امام زمان _ عَجَلُ اللّهِ تَعَالَى فرجه الشّریف _ را می خواند و با آن بزرگوار رابطه معنوی و ملکوتی خالصانه ای داشت. کتاب شرح دعای ندبه او، که بسیار مشروح و متقن است، نشان دهنده عمق ارتباط او با عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و بخصوص امام زمان _ عَجَلُ اللّهِ تَعَالَى فرجه الشّریف _ است. مسأله ولایت علی و ائمه علیهم السلام ، در این کتاب به عربی اثبات شده است.

(ب) زهد و وارستگی

مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی، توجّه خاصی به طلباب علوم دینی داشت؛ به طوری که خانه مسکونی خود را در نجف اشرف فروخت و پول آن را بین طلبه ها تقسیم کرد. در سال آخر عمر، به فرزند بزرگ خود دستور داد تا کتاب های شخصی اش را به طلاب نیازمند بدهد، که این دستور هم اجرا شد.

ایشان، تا آخر عمر در قم، در خانه استیجاری زندگی می کرد و اصرار دوستان و بستگانش را برای خرید خانه نپذیرفت در حالی از دنیا رفت که از مال دنیا چیزی نیندوخته بود. با این که از سادات و علمای بزرگ و دارای موقعیت اجتماعی عظیم بود، ساده زیستی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود. با وجودی که در سال های آخر عمر بر اثر کهولت سن و

ص: ۴۷

ضعف مزاج، پاهایش قدرت حرکت نداشت، اما برای خود خادم نگرفت؛ ایشان به راستی، عالمی ربانی و زاهدی وارسته بود.

(ج) رابطه او با انقلاب اسلامی و امام خمینی قدس سره

حضرت آیه الله سید محمود مرعشی که در آستانه پیروزی انقلاب و پس از آن، بر اثر کهولت سن و ناتوانی مزاج، خانه نشین بود، به انقلاب اسلامی علاقه فراوان داشت. برای حضرت امام خمینی قدس سره و پیروزی انقلاب، همواره دعا می کرد و می فرمود:

«این انقلاب اسلامی که یک نوع زمینه سازی و انتظار فرج است، مقدمه ظهور حضرت ولیّ _ عصر عَجَل الله تعالی فرجه الشریف _ می باشد.»

امام خمینی نیز جویای حال او بودند و بارها نمایندگان از طرف خود، به عیادت آن مرحوم می فرستادند و از او تفقد و دلجویی می کردند.

او معتقد بود که اسلام باید اجرا شود و بدون تشکیل حکومت اسلامی، بسیاری از احکام آن اجرا نخواهد شد. لذا امید داشت تا با پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدّس حکومت اسلامی، احکام نورانی اسلام اجرا شده، کشور و ملت از منجلاّب گمراهی ها، که طاغوتیان و بیگانه پرستان عامل آن بودند، نجات یابند؛ چنانکه اجداد بزرگوارش در قرون گذشته در طبرستان (مازندران و...) حکومت علوی تشکیل دادند، می خواست حکومت علوی، سراسر ایران و جهان را فرا گیرد. (۶۸)

(د) تولّی و تبرّی

مسأله تولّی و تبرّی (دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان آنها)، بویژه تولّی و تبرّی با دوستان و دشمنان حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام و

دیگر امامان بر حق، از مهم ترین ارکان اسلام ناب و تشیع علوی است، زیارت عاشورا که بسیار به قرائت آن سفارش شده، نشانگر این واقعیت است. از این رو، آیه الله سید محمود مرعشی، همانند پدرش، مرحوم آیه الله سلطانعلی مرعشی، بر خواندن زیارت عاشورا مداومت داشت. در واقع ایشان با خواندن زیارت عاشورا، عشق و ارادت خود را به ولایت اهل بیت علیهم السلام، بخصوص حضرت سید الشهداء علیه السلام ابراز می داشت و از دشمنان آن بزرگواران بیزاری می جست.

حکایت رحلت

آیه الله سید محمود مرعشی، ۱۰۱ سال عمر کرد. در سال های آخر عمر بر اثر کهولت سن، هر دو پایش ناتوان شده بود و نمی توانست راه برود یا بایستد. همواره در خانه بود و فضلا و علما به محضرش رسیده، از او عیادت می کردند و گاهی از محضرش استفاده های علمی می نمودند. به علت این که همسر اول او، دختر آیه الله سید مرتضی کشمیری از دنیا رفته بود، در اواخر عمر، زوجه موقت ایشان انجام امور خانه را بر عهده داشت. از آن هنگام که ایشان بیمار و بستری شد تا آخر عمر، تحت سرپرستی فرزندان، بخصوص پسر عالی قدرش، آقای مهندس ابوالحسن مرعشی بود و همین فرزند نیز، مخارج پدر و عیالش را تأمین می کرد؛ برای آنها در قم و تهران خانه ای اجاره نمود. تا آخرین توان و در حد ایثار به آنها خدمت نمود و وسایل درمان و هزینه پزشک و دارو و سایر نیازهای پدر را فراهم کرد. و بحق خدمات شایان تقدیری نمود. روزهای آخر عمر که بستری بود، او را فرزند دیگرش، مرحوم حاج سید

مهدی مرعشی _ که در کرج سکونت داشت _ به کرج برد و در همان جا به پرستاری و درمان وی پرداخت.

سرانجام این مرد خدا و عاشق خاندان نبوت، پس از عمری طولانی و پربرکت، در بستر بیماری افتاده و تحت سرپرستی و پرستاری فرزنداناش مرحوم سید مهدی مرعشی و آقای مهندس ابوالحسن مرعشی قرار گرفت. ولی تقدیر الهی این بود که از دنیا به سوی عالم بقا کوچ کند. روح پاک او در کرج در خانه فرزندش به ملکوت اعلی پیوست.

بیکر مطهرش را با تجلیل و تشییع با شکوه به قم آوردند و پس از طواف در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام مرحوم آیه الله العظمی سید شهاب الدین حسینی مرعشی به همراه انبوه مردم و علما و طلاب، در صحن بزرگ، بر آن نماز گزارد. سپس در حجره شماره ۳۸ صحن بزرگ، نزدیک مقبره آیه الله شهید شیخ فضل الله نوری که در قسمت شرقی آن واقع شده، به خاک سپردند. (۶۹)

رحلت او در روز ۲۷ شوال المکرم سال ۱۴۰۸ هـ. ق برابر با خرداد سال ۱۳۶۷ ش. رخ داد. بنابراین با توجه به سال تولد او که سال ۱۳۰۷ هـ. ق بود، ۱۰۱ سال عمر کرد.

سلام و درود همه پیامبران، صالحان، شهدا و کزوبیان بر روح بلند او باد که پاک زاد و پاک زیست و پاک مرد.

نوشته لوح قبر

بر سنگ قبر او که در گوشه حجره مذکور، در دیوار نصب شده، چنین نوشته شده است:

ص: ۵۰

«هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ _ هذا مرقد العالم الجليل، والحبر النبيل، سيّد الفقهاء والا- صوليين، آيه الله العظمى الحاج السيّد محمود الحسيني المرعشي، الذي صرف عمره المبارك في خدمه العلم، والذي خرج على يديه ثلّة من العلماء الامثال في الحوزتين النجف الاشرف و قم المحروسه. توفي قدس سره في يوم ٢٧ شوال المكرم ١٤٠٨ هـ . ق.»

فرزندان

مرحوم آيه الله سيد محمود مرعشي قدس سره ، از همسر اصلي اش علويه مكرمّه، فاطمه خانم (ملقب به شمس السادات) دختر عالم ربّاني حضرت آيه الله سيد مرتضى كشميري، صاحب نه پسر و دو دختر شد.

پسران عبارتند از آقاين: حاج سيد مهدي، حاج سيد هادي، حاج سيد ابراهيم، سيد رضا، (معروف به سيد جمال الدين)، سيد صادق، سيد ابوالقاسم، سيد ابوالحسن، سيد عبدالرزاق و سيد ابوطالب.

مرحوم آقاي حاج سيد مهدي از تجار محترم بود و سيد ابوطالب از اساتيد دانشگاه (جندی شاپور) اهواز است.

بعضی از فرزندان ایشان در عراق به کسب و تجارت اشتغال دارند و یکی از آنها در آمریکا اهل تدریس و تحقیق است. جناب آقاي سيد ابوالحسن مرعشي، که شخصيتی خدمتگزار و فهيم و دلسوز است، مهندس برق و مدير عامل بخش توانير می باشد. چنان که اشاره شد، ایشان در رسيدگی به امور پدرشان، کمال سعی و تلاش را نمود و تا حد ايثار در خدمت پدر بود. به هر حال، فرزندان آن مرحوم، همه از نيکان

ص: ٥١

می باشند. در خانواده ای پرورش یافته اند که نور درخشان علم و سیادت (از جانب پدر و مادر) آنان را فرا گرفته است. (۷۰)

سلسله نسب خاندان مرعشی تا امام سجاد علیه السلام

خاندان محترم مرعشی از شاخه های مختلف به امام سجاد علیه السلام می رسند. یکی از شاخه های آن، سادات مرعشی محترم شوشتر است. چنان که در آغاز گفتیم، نخستین فرد از سادات مرعشی که به شوشتر آمد و سادات شوشتر همه به او منتهی می شوند، حضرت سید نجم الدین محمود مرعشی، عالم ربّانی خاندان مرعشی است. این سید بزرگوار با هفده واسطه به امام سجاد زین العابدین علیه السلام می رسد. از سوی دیگر سلسله نسب مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی با پانزده واسطه به سید نجم الدین می رسد که به ترتیب ذیل است:

«سید محمود بن سید سلطانعلی بن ابراهیم بن میرزا محمد بن ابوالفتح بن میرزا سید علی (سوم) بن اسحاق بن میرزا شاهمیر بن میرزا عبدالله بن میرزا سید علی (دوم) بن میر محمد باقر بن میر سید علی بن میر اسدالله صدر بن زین الدین بن محمد شاه بن مبارزالدین (مُنده) بن جمال الدین حسین بن میر نجم الدین محمود بن احمد بن تاج الدین حسین بن محمد بن علی بن احمد بن ایطالب بن ابراهیم بن یحیی بن حسین بن محمد بن ابی علی بن ابوالقاسم حمزه بن علی المرعشی بن عبدالله بن محمد سلیق بن حسن الدّکه بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین بن امام حسین بن علی بن ایطالب، علیهم السلام.» (۷۱)

ص: ۵۲

- ۱ _ محمد بندر ریگی، ترجمه «منجد الطلاب وقاموس اللغه»، واژه مرعش، ص ۱۹۵.
- ۲ _ بر گرفته از یادداشت های آیه الله سید اسماعیل مرعشی صاحب کتاب ارزشمند «اجماعیات فقه الشیعه»، (چهار جلد و یک دوره کامل فقه استدلالی است) و کتاب «عنوان الطاعه فی اقامه الجمعه و الجماعه».
- ۳ _ اقتباس از کتاب «گلستان پیغمبر، ص ۷۳»، حجه الاسلام سید مصطفی امام زاده موسوی جزائری، متوفای حدود سال ۱۳۸۱ هـ. ق؛ «نقباء البشر»، ج ۲، ص ۸۲۵ و «رجال الفكر و الادب فی النجف»، دکتر محمد هادی امینی، ج ۳، ص ۱۸۴.
- ۴ _ بر گرفته از یادداشت های حضرت آیه الله سید اسماعیل مرعشی، برادر زاده آیه الله سید محمود مرعشی.
- ۵ _ همان مدرک و «مستدرکات اعیان الشیعه»، ج ۴.
- ۶ _ اقتباس از کتاب «نجوم السیما»، علامه میرزا محمد مهدی کشمیری، ص ۲۳۶ و ۲۳۷. در این کتاب بیش از ده مورد از کرامات آیه الله سید مرتضی کشمیری قدس سره ذکر شده است.
- ۷ _ «اعیان الشیعه»، چاپ ارشاد، ج ۱۰، ص ۱۲۱.
- ۸ _ بر گرفته از یادداشت های آیه الله حاج سید اسماعیل مرعشی.
- ۹ _ همان مدرک؛ «رجال الفكر و الادب فی النجف»، ج ۳، ص ۱۸۵ و «گلستان پیغمبر»، ص ۸۱.
- ۱۰ _ بر گرفته از یادداشت های آیه الله سید اسماعیل مرعشی.
- ۱۱ _ اقتباس از «گنجینه دانشمندان»، ج ۲، ص ۲۶۰.
- ۱۲ _ حضرت آیه الله العظمی بروجردی در روز ۱۴ محرم سال ۱۳۶۴ قمری، برابر با ۹ دیماه ۱۳۲۳ ش. وارد قم شد و زعامت حوزه علمیه قم را بر عهده گرفت. ایشان پس از حدود شانزده سال اقامت در قم، در روز پنجشنبه ۱۳ شوال ۱۳۸۰ قمری برابر با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ ش. رحلت کرد.
- ۱۳ _ توضیح این که: به حکم آیه الله العظمی آقای بروجردی و پیشنهاد آیه الله سید محمود مرعشی و اهالی اهواز، برادرزاده ایشان، آیه الله سید اسماعیل مرعشی (صاحب

تألیفات از جمله کتاب ارزشمند «اجماعیات فقه الشّیعه» به جای ایشان به اهواز رفت و در همان مسجد حدود ۲۷ سال به اقامه نماز جماعت و جمعہ و رتق و فتق امور و تأسیس مدرسه علمیه و اداره آن مدرسه پرداخت.

۱۴ تا ۱۶ _ بر گرفته از یادداشت های آیه الله سید اسماعیل مرعشی (دامت برکاته).

۱۷ _ گلستان پیغمبر، ص ۴ و صفحه ضمیمه آن.

ص: ۵۴

ص ...

ج- ای عکس

حاج سید جواد قمی

ص: ۵۶

فقیه نامور قم، آیه الله حاج سید جواد قمی، عالم و مطاع این شهر، در اواخر قرن سیزدهم هجری بوده است، که نام و یاد و خدمات او به جهان علم و دانش همواره در یادها جاودانه خواهد ماند. اینک در این مقال کوتاه به ذکر شمه ای از آثار و مفاخرش می پردازیم.

ولادت

آیه الله حاج سید جواد قمی، که نام اصلی اش سید محمد تقی و به سید جواد مشهور بود، (۷۲) در سال ۱۲۴۰ ق، در قم در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد. البته سال ولادت ایشان در جایی به صراحت ذکر نگردیده؛ اما از آنجا که وفاتش، در ۶۳ سالگی (۱۳۰۳ ق) واقع شده، طبعاً ولادتش در ۱۲۴۰ ق باید بوده باشد. (۷۳)

ص: ۵۷

مادر ایشان، فرزند مرحوم آیه الله العظمی میرزای قمی (صاحب قوانین) (۷۴) و پدر بزرگوارش، مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا علی رضا طاهری قمی (فرزند سید محمد بن کمال الدین موسوی رضوی)، یکی از دانشمندان بزرگ و رؤسای شهر قم و از شاگردان مبرز میرزای قمی، صاحب قوانین (و داماد معظم له) و مورد عنایت و محبت مخصوص او بوده است. مرحوم میرزا محاکمات شهر قم را بدو ارجاع می داد. به همین سبب محضر او و بعدها فرزندش، حاج سید جواد، محلّ حلّ و فصل نزاع ها و رفع محاکمات بود و در اجرای احکام شرعی و اقامه معروف و نهی از منکر، از سرزنش دیگران نمی هراسیدند و در رفع ظلم از مردم می کوشیدند. وی در شوال ۱۲۴۸ ق بدرود زندگی گفت و در قبرستان شیخان کبیر قم، به خاک سپرده شد. (۷۵) آیه الله حاج سید جواد در هشت سالگی پدرش را از دست داد.

گفتنی است که آیه الله حاج سید جواد قمی از نوادگان عالم جلیل القدر ملا محمد طاهر قمی _ شیخ الاسلام قم _ است و اولاد و اعقابش در قم به خاندان «پیشوایی» شهرت دارند.

تحصیلات

مرحوم حاج سید جواد، پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی، دروس مقدماتی حوزه را در قم در حدود سال ۱۲۵۵ ق، به اتمام رساند و برای ادامه تحصیل به اصفهان، که در آن زمان مهد علم و دانش و از بزرگ ترین حوزه های علمیه جهان اسلام به شمار می رفت،

مهاجرت کرد و در درس اساتید بزرگ حوزه اصفهان مانند آیات عظام: سید محمد باقر شفتی معروف به حجه الاسلام و شیخ محمد تقی رازی (و شاید حاجی کلباسی و ملاعلی نوری، که قطب های علم و دانش در اصفهان بودند)، شرکت کرد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. (۷۶)

مهاجرت به نجف

حاج سید جواد، پس از وفات استادش، سید باقر شفتی، در سال ۱۲۶۰ق، به سوی نجف اشرف کوچ کرد و سالیان بسیار در درس های فقه و اصول آیات عظام: شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر و مدت کمی نیز در درس شیخ مرتضی انصاری حاضر شد و با استحکام بخشیدن به آموخته های خود به درجات عالی علم و اجتهاد نایل آمد. (۷۷)

اساتید

از آنچه گفته شد و در کتاب های تراجم بدان تصریح شده است، بر می آید که مرحوم حاج سید جواد قمی در درس اساتید ذیل حدود ۱۲ سال شرکت کرده است:

۱. سید محمد باقر شفتی، معروف به حجه الاسلام (۱۱۷۵ - ۱۲۶۰ق)، صاحب «مطالع الانوار».

۲. شیخ محمد تقی ایوانکی رازی، (۱۱۸۵ - ۱۲۴۸ق)، معروف به صاحب حاشیه «هدایه المسترشدین فی حاشیه معالم الدین».

۳. شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۰۲ - ۱۲۶۶ق)، نویسنده «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام».

۴. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق)، صاحب «فوائد الاصول»

ص: ۵۹

و «المتاجر» و غیره.

۵. شیخ محمد کزازی قمی (م ۱۲۷۸ ق): وی که احتمالاً از اساتید اولیه ایشان می باشد، استاد اجازه مرحوم حاج سید جواد بوده و تاریخ اجازه اش نیز سال ۱۲۶۹ ق است. (۷۸)

بازگشت به قم

مرحوم حاجی پس از وفات استادش صاحب جواهر، در حالی که مجتهدی مسلم بود، در سال ۱۲۶۶ ق، به قم بازگشت و ریاست علمی و مذهبی قم بدو انتقال یافت و تمام وقت خود را به تدریس، تألیف، اقامه جماعت و امر به معروف و نهی از منکر و ترویج احکام گذرانید. (۷۹)

هر چند از نام شاگردانش اطلاع دقیقی نداریم، اما مسلم آن است که علمای قمی معاصرش پیش از مهاجرت از قم، چندی در درس وی حاضر می شده اند؛ از جمله دو نفر از فرزندان، حاج میرزا زین العابدین و حاج سید عبدالحسین قمی، از شاگردان او بوده اند.

مناصب اجتماعی

او در قم بیشتر به رفع دعاوی و حلّ نزاع ها و امر به معروف و نهی از منکر می پرداخت. در حقیقت این دو ویژگی از خصوصیات ممتاز وی به شمار می رفت. در این زمینه، نقل سخن برخی از نویسندگان خالی از فایده نیست.

فاضل مراغی می نویسد:

«حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروّجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور، قلبی قوی داشت و در حفظ حدود

ص: ۶۰

شرعیه از هیچ نکته فرو نمی گذاشت.» (۸۰)

مرحوم محمد تقی بیک ارباب هم می نویسد:

«... جناب مستطاب قدوه الانام آقای حاج سید جواد _ سلمه الله _ که در مرافعه سرآمد اهل روزگار خود است، اگر چه در دادن احکام تأملی دارد، اما بعد از دادن، هرگز ناسخ و منسوخی از ایشان ملاحظه نشده است، تمام احکام ایشان مثل محکم آیات است.» (۸۱)

ویژگی های اخلاقی

سخاوت

آن فقیه بزرگ، ثروت و باغ ها و مزارع فراوانی داشت؛ (۸۲) اما ثروتش را در راه دستگیری از مستمندان و کمک به بینوایان مصروف می داشت و به جود و سخاوت معروف بود.

آیه الله ملا حبیب الله کاشانی می نویسد:

«حاج سید جواد قمی، عالمی فاضل و بخشنده و سخاوتمند بود و در روزگار قحطی و گرسنگی، تمام اموالش را بر فقیران و مستمندان بخشش نمود و رئیس بر علما بود...» (۸۳)

زهد و تعبد

یکی دیگر از فضایل اخلاقی و خصوصیات ممتازش، کثرت عبادت و تهجد و زهد و ورع بود.

فرزند بزرگوارش حاج میرزا زین العابدین هم می نویسد:

«... با این که مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین، و او را

ص: ۶۱

محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش، و مردی ورع و زاهد و کثیرالتهجد و البكاء بود، بسیاری از اوقات مناجات ابی حمزه ثمالی را در قنوت نماز وترش قرائت می نمود و او را کرامات باهراتی است...» (۸۴)

احیاگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر

دیگر از خصوصیات او، اقامه معروف و نهی از منکر بود و مانند پدرش، در رفع ظلم از مردم می کوشید و از ستمگران نمی هراسید و به این ویژگی اش، همه تصریح کرده اند.

ملا حبیب الله کاشانی در همین زمینه می نویسد:

«... او به ظالمان و حاکمان اعتنا نمی کرد و کارش، امر به معروف و نهی از منکر بود و من او را در قم ملاقات کردم...» (۸۵)

تواضع و فروتنی:

خصوصیت برجسته دیگر آن فقیه سترگ، فروتنی و تواضعش، به خصوص در تحصیل علم و دانش بود. او در این جهت ملاحظه نام و عنوان خود را نمی کرد و از همه کس، علم را اخذ می کرد.

آیه الله حاج سید مهدی روحانی، با اشاره به این ویژگی ایشان، از پدر و عمویش (آیه الله حاج میرزا ابوالحسن و آیه الله حاج میرزا محمود روحانی) نقل می کند:

«هنگامی که حاج سید صادق قمی، در سال ۱۲۹۸ ق، به قم آمد، مورد استقبال فراوان آقای حاج سید جواد قرار گرفت. معظم له در آن زمان، در قم ریاست تامه داشت و چون از مطالب شیخ انصاری چیز مهمی در دست نداشت و از طرفی حاج سید صادق، به

ص: ۶۲

تازگی وارد قم شده بود و چندان موقعیتی نداشت، مرحوم حاج سید جواد با ایشان مباحثه خصوصی قرار داده بود و در حقیقت از او استفاده می کرد. آن مرحوم وصیت کرد که مُهرم را تحویل حاج سید صادق بدهید و نماز بر جنازه ام را هم ایشان بخواند.» (۸۶)

تألیفات

از آن فقیه بزرگ، کتاب های متعددی در فقه، اصول، رجال و حدیث به جای مانده است که هر کدام شاهدهی بر اوج علم و دانش او است. تألیفات او عبارتند از:

۱. «مقالید الاحکام»: این کتاب دوره کامل فقه است. (۸۷) مؤلف بزرگوار، تألیف آن را به سال ۱۲۶۶ ق، در نجف اشرف آغاز کرده و در غدیر ۱۲۹۹ ق، در قم به پایان برده است. در بالای تمام صفحات این کتاب جمله مبارک «بسم الله و الحمد لله و الصلاه علی محمد و آله» دیده می شود (و این کثرت تعبّد معظم له را به رعایت مستحبات و آداب شرعی، نشان می دهد).

نسخه اصلی آن در سه جلد، با شماره های ۳۵۲۱، ۳۹۱۵ و ۴۶۴۵، در کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی نجفی موجود است. موضوعات این سه جلد بدین ترتیب به چاپ رسیده است: ج ۱: از طهارت تا خمس؛ ج ۲: از صوم تا پایان حج و ج ۳: از جهاد تا حدود و دیات.

۲. «الدّرہ الباهره فی احکام العتره الطاهره»: (۸۸) نسخه اصلی این کتاب در کتابخانه مرحوم آیه الله سید محمد حجت کوه کمری، در مدرسه حجّتیّه قم موجود است.

۳. «حاشیه بر قوانین الاصول»: نسخه اصلی آن در کتابخانه «جامعه امّ القری» در مدینه منوره موجود است.

۴. «کتاب الرجال». (۸۹)

۵. «ینایع الحکم»: این کتاب درباره توحید، نبوت، اثبات کفر اهل الحاد و بدعت و در اخبار و روایات است. (۹۰)

۶. مجموعه ۲۰ رساله در موضوعات مختلف فقه، اصول و رجال که نام آن ها معلوم نشده است. (۹۱)

فرزندان

آن فقیه بزرگوار فرزندان عالم و باتقوا تربیت و پرورش داد که عبارتند از:

۱. مرحوم آیه الله حاج سید زین العابدین رضوی حسینی قمی: وی عالمی بزرگ و فقیهی مشهور و از شاگردان آیات عظام: شیخ محمد طه نجف، میرزا حسین خلیلی، شیخ هادی تهرانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند خراسانی رحمهم الله بود. ایشان از سوی آخوند خراسانی، به عنوان یکی از پنج مجتهد طراز اول، برای نظارت بر قوانین مصوّب مجلس شورای ملی، به تهران آمد و پس از مدّتی، در ۱۳۲۷ ق بدرود حیات گفت. او در مدّت اقامت اندکش در تهران، مورد توجه بسیار خاص و عام قرار گرفت و به دلیل داشتن کمالات نفسانی و کثرت تقوایش، مورد اعتماد و رغبت و مرجعیت مردم بود. از آثار وی کتاب «البراهین الجلیه فی شرح القصیده العلویه»، شرح قصیده استادش شیخ محمد طه نجف است. (۹۲) یکی دیگر از کتاب هایش، حاشیه رجال ابوعلی

ص: ۶۴

۲. حاج سید عبدالحسین طاهری قمی: وی نیز از شاگردان آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی بود و در علم و عمل به مرتبه ای والا دست یافته بود. در سال ۱۳۳۷ ق، پس از هفده سال تحصیل در نجف، به قم بازگشت و پس از اندکی، در گذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد؛ (۹۴)

۳. مرحوم حاج میرزا علیرضا پیشوایی (۱۲۸۲ - ۱۳۶۷ ق): ایشان سومین فرزند حاج سید جواد و نماینده مردم قم در دوره سوم و پنجم قانونگذاری در مجلس شورای ملی در عصر مشروطیت بوده است. (۹۵)

وفات

سرانجام این مرجع فرزانه قم روز شنبه سوم ماه صفر الخیر سال ۱۳۰۳ ق، در ۶۳ سالگی بدرود حیات گفت. پس از نماز گزاردن آیه الله حاج سید صادق قمی بر پیکر پاکش، در قبرستان شیخان در بقعه محدث جلیل القدر، زکریا بن آدم اشعری، نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید. (۹۶)

محدث قمی، در اشاره به محل دفن و جلالت و شأن ایشان، می نویسد:

«ما بین قبر این دو بزرگوار، زکریابن آدم و ملامحمد طاهر قمی، قبر سید سند و رکن معتمد، فحل الفقهاء العظام و مروّج الشریعه و الاحکام، السّراج الوّهّاج، ذوالطبع الوقاد، سیّدنا الاجل، آقای حاجی سید جواد قمی صاحب تصانیف رایقه و فضایل و مناقب فایقه، در زمانی که این احقر کوچک بودم، آن بزرگوار از دنیا رحلت فرمود، و

جلالت و شأن و عظمت قدر آن بزرگوار بسیار است.» (۹۷)

پی نوشت ها:

- ۹۸ _ نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۳۷.
- ۹۹ _ همان.
- ۱۰۰ _ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۲۲۲.
- ۱۰۱ _ رجال قم، مقدس زاده، ص ۱۳۷.
- ۱۰۲ _ نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۳۷.
- ۱۰۳ _ بیان المفاخر، سید مصلح الدین مهدوی، ج ۱، ص ۲۹۷.
- ۱۰۴ _ الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۴۵.
- ۱۰۵ _ بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۹۷.
- ۱۰۶ _ المآثر و الآثار، ص ۱۵۳.
- ۱۰۷ _ تاریخ دارالایمان قم، ص ۳۰.
- ۱۰۸ _ ر.ک: تاریخ دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، ص ۷۰، ۷۴، ۸۲، ۸۳، ۹۳ و ۱۱۳.
- ۱۰۹ _ لباب الالقاب، ص ۷۷.
- ۱۱۰ _ تاریخ قم، ص ۲۵۵.
- ۱۱۱ _ لباب الالقاب، ص ۷۷.
- ۱۱۲ _ مجله مسجد، ناصر الدین انصاری، ش ۴۷، ص ۱۰۱.
- ۱۱۳ _ الذریعه، ج ۲، ص ۲.
- ۱۱۴ _ تاریخ قم، ج ۲، ص ۲۵۵ و رجال قم، ص ۹۸.
- ۱۱۵ _ مصفی المقال، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۱۱۶.

١١٦ _ الذريعه، ج ٢٥، ص ٢٨٨ و تاريخ قم، ص ٢٥٥.

١١٧ _ رجال قم، ص ٩٨ و تاريخ قم، ص ٢٥٥.

١١٨ _ نقيب البشر، ج ٢، ص ٨٠٠ و رجال قم، ص ١٣٩.

١١٩ _ تاريخ قم، ص ٢٥٥.

١٢٠ _ نقيب البشر، ج ٣، ص ١٠٣٥.

١٢١ _ گنجينه دانشوران، احمد رحيمي، ص ٢٠٩ و رجال قم، ص ١٣٧.

١٢٢ _ تاريخ قم، ص ٢٥٥ و رجال قم، ص ٩٨.

١٢٣ _ فوائد الرضويه، ص ٥٤٨.

ص: ٦٦

- ۱ _ بیان المفاخر در احوالات حجه الاسلام سید محمد باقر، سید مصلح الدین مهدوی، چاپ اصفهان، مسجد سید.
- * تاریخ دار الایمان قم. محمد تقی بیگ ارباب، به کوشش: سید حسین مدرسی طباطبایی، چاپ قم، ۱۳۵۳ ش.
- ۲ _ تاریخ قم، شیخ محمد حسین ناصر الشریعه، با مقدمه و پاورقی: علی دوانی، چاپ قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۵۰ ش.
- ۳ _ الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، چاپ بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- ۴ _ رجال قم، سید محمد مقدس زاده، چاپخانه مهر ایران، دی ماه ۱۳۳۵ ش.
- ۵ _ طرائف المقال فی علم الرجال، سید علی اصغر جاپلقلی بروجردی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، مکتبه آیت الله نجفی مرعشی.
- ۶ _ فوائد الرضویه فی تراجم علماء المذهب الجعفریه، حاج شیخ عباس قمی، تهران، انتشارات مرکزی.
- ۷ _ گنجینه دانشوران، احمد رحیمی، چاپخانه قم، ۱۳۳۹ ش.
- ۸ _ لباب الالقاب فی القاب الاطیاب، ملا حبیب الله کاشانی، چاپ قم.
- ۹ _ المآثر و الآثار، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تهران، کتابخانه سنایی.
- * مجله مسجد، ش ۴۸ _ سال ۱۳۷۸ ش مقاله «آیت الله سید صادق قمی» به قلم: ناصر الدین انصاری.
- ۱۰ _ مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مقدمه و فهرس: احمد منزوی، چاپ تهران.
- ۱۱ _ نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

ص ...

ج- ای عکس

حاج شیخ مهدی حائری تهرانی

ص: ۷۰

یکی از چهره های خدمتگذار حوزه های علمیه که عمر کوتاه ولی پربرکت خود را وقف خدمت به مردم، حلّ مشکلات نیازمندان و تأسیس مراکز خیریه نمود، آیت الله مهدی حائری تهرانی است. آن بزرگوار مصداق بارز این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«احبّ عباد الله الی الله انفعهم لعباده» (۱۲۴) محبوب ترین بندگان خدا نزد او، نافع ترین ایشان برای بندگانش است.»

همه افرادی که ایشان را می شناسند، عشق وافر و تلاش پیوسته او را برای خدمت به مردم می ستایند. در این نوشتار، با زندگی آن فقید آشنا می شویم.

پدر

پدر مرحوم حائری، آیت الله شیخ عباس حائری تهرانی است. او در

ص: ۷۱

سال ۱۲۹۸ق، در تهران به دنیا آمد. پدر شیخ عباس که از مردان خیراندیش و علاقه مند به روحانیت بود، او را تشویق کرد تا وارد سلک حوزویان شود.

وی دروس مقدمات علوم اسلامی را در مدرسه مروی تهران آموخت. بعدها برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و از محضر حضرات آیات: میرزا محمد تقی شیرازی، سید اسماعیل صدر، سید محمد فیروز آبادی، سید حسن صدر و آقا ضیاء عراقی استفاده کرد و از همه این بزرگان، اجازه اجتهاد دریافت داشت. (۱۲۵) وی سپس به قم رفت و مورد توجه و احترام آیت الله عبدالکریم حائری بود و در تأسیس حوزه قم با مرحوم حاج شیخ عبدالکریم همکاری کرد.

ایشان پس از چندی به تقاضای عده ای از بازاریان و متدینان تهران و با اجازه آیت الله حائری یزدی به تهران رفت و در مقابل «امام زاده زید» بازار تهران در مسجدی که به نام ایشان احداث شده بود، مشغول تدریس، تبلیغ و اقامه نماز جماعت شد. در تهران به طور منظم برای طبقات مختلف مردم جلساتی تشکیل می داد و در تقویت مبانی اعتقادی و مذهبی مردم، بخصوص جوانان، به جدّ می کوشید؛ حتی در دوران خفقان رضاخان _ که مانع تشکیل مجالس حضرت سید الشهداء علیه السلام می شدند. _ او در سحرهای محرم، جلسات روضه برقرار می کرد.

آن بزرگوار در ذیقعده ۱۳۶۰ ق (برابر با شهریور ۱۳۲۰ ش)، در اوج اختناق دوران پهلوی به رحمت ایزدی پیوست و علی رغم ممنوعیت هر گونه اجتماع، بازار تهران تعطیل شد و بیکر پاکش از منزل تا حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام، با شکوه خاصی تشییع و در آن حرم ملکوتی به

امانت سپرده شد. بعدها طبق وصیت ایشان به کربلا منتقل گردید و در جوار مرقد حضرت سیدالشهدا علیه السلام کنار درب قاضی الحاجات، در مقبره خصوصی دفن گردید. (۱۲۶)

از وی آثاری همچون: «الجواب الصائب عن شبهه ایمان ابی طالب»، «موائد الکریم لزوار عبدالعظیم»، «شرح زیارت عاشورا»، «شرح زیارت جامعه کبیره»، «اسرار الصلاه» و... به جای مانده است. (۱۲۷)

تولد و تحصیلات

خانواده حائری تهرانی در سال ۱۳۰۴ ش (۱۳۴۴ ق) مصادف با ولادت امام صادق علیه السلام در کربلا، صاحب فرزندى شدند و او را مهدی نام نهادند. این کودک تحت تربیت پدرش بود و نزد او مقدمات علوم را فرا گرفت.

سال های بعد در قم و تهران، تحصیلات خود را ادامه داد، تا این که در سن ۱۵ سالگی، پدر را از دست داد؛ ولی این غم سنگین، در عزم و اراده او برای ادامه تحصیل علوم اسلامی خللی وارد نیاورد.

در تهران از محضر اساتیدی همچون: آیت الله محمد حسین زاهد، آیت الله سید صدرالدین جزایری، آیت الله میرزا محمد باقر آشتیانی و آیت الله میرزا مهدی آشتیانی استفاده کرد.

ضمناً وی در طول این سال ها، با ورود به دانشکده الهیات و معارف اسلامی، موفق به اخذ لیسانس شد و بعدها در همین رشته دکترا گرفت. (۱۲۸)

حاج آقا مهدی حائری در سال ۱۳۲۷ ش، برای طی مدارج علمی و استفاده از محضر علمای حوزه علمیه قم، عازم این شهر مقدس شد و از درس این بزرگان بهره برد:

۱. استاد الفقهاء مرحوم آیت الله العظمی بروجردی.

۲. مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی.

۳. مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۴. مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری.

۵. مرحوم آیت الله العظمی اراکی.

۶. مرحوم آیت الله علامه طباطبایی.

۷. امام خمینی قدس سره .

ایشان همچنین در درس خصوصی تفسیر و فلسفه علامه طباطبایی، که برای جمع معدودی از فضلا تشکیل شده بود، شرکت داشت.

حاج آقا مهدی در سال ۱۳۳۵ ش، برای زیارت بارگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام و سایر امامان معصوم به عراق مسافرت کرد. در حوزه علمیه نجف اشرف، از حضرات آیات عظام: سید جمال گلپایگانی و سید عبدالهادی شیرازی اجازه اجتهاد دریافت نمود و از علامه حاج آقا بزرگ تهرانی نیز اجازه نقل روایت گرفت. (۱۲۹)

ایشان پس از چندی به قم بازگشت و مشغول مباحث علمی و خدمات اجتماعی شد.

مرحوم حائری تنها به مباحث علمی بسنده نکرد، بلکه در کنار بسیاری از فضلاى آن دو حوزه، به فعالیت های سیاسی و مبارزه با رژیم ستم شاهی هم می پرداخت؛ چنان که خود نوشته اند، جلساتی درباره «مبانی حکومت در اسلام و ریشه های انقلاب» تشکیل دادند و همچنین در چاپ و تکثیر اطلاعیه های حضرت امام نقش داشتند. در این جلسات که معمولاً شب های جمعه در منزل آقای حائری در قم برگزار می شد، فضلاى چون: شهید ربّانی شیرازی، شهید بهشتی، شهید قُدوسی و... شرکت می کردند. (۱۳۰)

همچنین مرحوم حائری، با امضای بیانیه ها و نامه هایی، که در سال های اولیه نهضت اسلامی، فضلاى حوزه منتشر می کردند، همراهی خویش را با حرکت ملت قهرمان ایران نشان می داد. نمونه های زیر، بخشی از فعالیت های سیاسی ایشان را نشان می دهد:

* امضای نامه ای خطاب به مرحوم آیت الله طالقانی و تقدیر از مبارزات ایشان در تاریخ ۶/۷/۱۳۴۲. (۱۳۱)

* امضای نامه ای خطاب به منصور، نخست وزیر وقت، جهت آزادی امام و جمعی از علما در اسفند ۱۳۴۲. (۱۳۲)

* بیانیه ای در اعتراض به بازداشت امام در تاریخ ۷/۸/۱۳۴۳. (۱۳۳)

* ارسال نامه به مراجع تقلید در مورد وظیفه مبلغان و وعّاظ نسبت به برخورد دولت وقت با امام امت، در دی ماه ۱۳۴۳. (۱۳۴)

* و همچنین صدور بیانیه ای در اعتراض به اهانت روزنامه اطلاعات به امام خمینی. (۱۳۵)

ایشان در سال ۱۳۵۵ ش، به دعوت جمعی از مردم متدین تهران، در مسجد ارک و سال های بعد، در مسجد الغدیر _ در خیابان میرداماد _ به فعالیت پرداخت؛ ظهرها در مسجد ارک و شب ها در مسجد الغدیر اقامه جماعت می نمود.

خدمات اجتماعی

آنچه حاج آقا مهدی حائری تهرانی را از دیگران متمایز می کند، دامنه وسیع فعالیت ایشان در امور خیر و بنیان گذاری مؤسسات خدماتی و فرهنگی و تأسیس اماکن و مراکز دینی است. چنان که دوستان و هم دوره های آن مرحوم گفته اند: «

وی از همان اوایل جوانی و زمان تحصیل، در اغلب کارهای اجتماعی و خدایسندانه شرکت داشت.»

در این نوشتار به رئوس کارهایی که با همت او انجام شد، اشاره می کنیم: (۱۳۶)

۱ _ تأسیس و تکمیل کتابخانه

او در تأسیس کتابخانه مدرسه حجتیه قم _ با دستور مرحوم آیت الله حجت _ و تهیه بالغ بر ۲۰ هزار جلد کتاب برای آن کتابخانه شرکت داشت.

و نیز در تأسیس کتابخانه های بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام*، کتابخانه ای در کنار دبیرستان دین و دانش قم، کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر علیه السلام (با همکاری مسجد جمکران در خیابان آذر قم)، کتابخانه حائری تهرانی در مدرسه علمیه حضرت بقیه الله علیه السلام در مشهد، کتابخانه

بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام در مشهد و چهارده کتابخانه کوچک در روستاهای اطراف شیراز و... زحمات فراوانی کشید.

۲_ فعالیت در امور مدارس علوم دینی

آیت الله حائری در تأسیس مدرسه فاطمیه قم، تجدید بنای مدرسه رضویه قم، تأسیس مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه امام باقر علیه السلام و مدرسه بقیه الله علیه السلام در مشهد مقدس و تجدید بنای مدرسه حاج شیخ فضل الله نوری در تهران و... حضور چشمگیری داشت.

۳_ تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی

آن مرحوم، بنیان گذار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران بود، که دارای ساختمانی بسیار بزرگ با امکانات مختلف است و خود، ریاست این دانشکده را تا آخر عمر بر عهده داشت.

از فعالیت های دیگر ایشان در این زمینه، موارد ذیل است:

احداث مجتمع فرهنگی _ آموزشی «آیین روشن»، چندین مدرسه غیر انتفاعی، مؤسسه دین و دانش، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، همکاری در تأسیس مدرسه دین و دانش قم و همچنین تأسیس انتشارات دارالفکر، دارالعلم، هجرت و انتشارات دینی که با همکاری دیگران انجام گرفت.

آیت الله حائری، در تأسیس مؤسسه «در راه حق» نیز همکاری داشت و بخشی از هزینه های این مرکز به وسیله ایشان، از سوی حضرت آیت الله العظمی خویی، تأمین می شد.

۴_ احداث مساجد

ص: ۷۷

آقای حائری، از ساخت مسجد نیز غافل نبود و لذا در احداث مسجد حضرت سجاد علیه السلام در تهران، مسجد ولی الله الاعظم علیه السلام در میدان آرژانتین تهران، مسجدی در شهرک غرب و... نیز حضور و فعالیت داشت.

۵_ تأسیس مراکز خیریه

آقای حائری برای حل مشکلات نیازمندان و محرومان اهتمام زیادی می ورزید و در این راستا مراکز متعددی را تأسیس، اداره و یا تأمین کرد که برخی از مراکز عبارتند از:

تأسیس بیمارستان امام سجاد علیه السلام در شهرک کاروان تهران، احداث ۵۰۰ واحد مسکونی برای استفاده افراد محروم در شرق تهران، ایجاد مرکز خیریه مسجد الغدیر، مؤسسه خیریه امام سجاد علیه السلام و بنیاد حمایت از بیماران جزامی در مسجد ارک، بنیاد ازدواج کوثر در مشهد، صندوق های قرض الحسنه متعدد و...

البته روشن است که همه این خدمات به مدد و توفیق الهی، و با همت و مساعدت مردان نیک اندیش و متدین، مخصوصاً دوستان و علاقه مندان در مسجد الغدیر و ارک انجام می شد که جا دارد از همه آنان تقدیر و تجلیل شود.

تألیفات و آثار

حاج آقا مهدی حائری، اگر چه عمده نیروی خود را صرف امور اجتماعی و رفاهی کرد، ولی از تألیف کتاب هایی که مفید برای عوام و خواص بود، غفلت نمی کرد. آثار آن بزرگوار به شرح ذیل است: (۱۳۷)

۱. «تاریخ علوم قرآن».
۲. «تاریخ فقه».
۳. «تاریخ ادیان».
۴. «تاریخ فلسفه».
۵. «تاریخ و سیر کتابخانه».
۶. یک دوره فقه برای تربیت معلّم و مبلّغ تهران.
۷. یک دوره اصول لفظیه و عقلیه برای تربیت معلّم و مبلّغ تهران.
۸. یک دوره فلسفه و حکمت نظری و عملی برای تربیت معلّم و مبلّغ تهران.
۹. یک دوره درس اخلاق نظری و عملی.
۱۰. یک دوره درس علوم قرآن.
۱۱. «بنیادهای اخلاق اسلامی» که همواره با اخلاق مرحوم شبر چاپ شده است.
۱۲. «شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت».
۱۳. «اصول عقاید و آفریدگار جهان».
۱۴. «راز خوشبختی».
۱۵. «پندهای معصومین علیهم السلام».
۱۶. «منتخب ادعیه و زیارات».
۱۷. «بشارات غیبی».
۱۸. «اخلاق از نظر قرآن».
۱۹. تقریرات دروس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی و همچنین مقالات متعدد در مجلات مکتب اسلام،

مکتب تشیع و معارف جعفری، از دیگر آثار مرحوم حائری است.

گفتنی است که اکثر کتاب های ایشان را بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، به چاپ رسانده است.

وفات

سرانجام آیت الله حائری تهرانی پس از سال ها تلاش خستگی ناپذیر و خدمت به جامعه اسلامی و به جای گذاشتن ده ها مرکز و بنیاد دینی و فرهنگی و رسیدگی مستمر به فقرا و ایتام، در اثر سکته قلبی، روز جمعه ۳۰ دی ماه ۱۳۷۹ (برابر با ۲۴ شوال ۱۴۲۱) در تهران دار فانی را وداع کرد و به جوار رحمت الهی شتافت. پیکر او در میان حزن و اندوه جمع کثیری از علاقه مندان و مردم متدین و علمای تهران تشییع شد.

حضرت آیت الله آقا سید رضی شیرازی _ دامت برکاته _، نوه میرزای بزرگ شیرازی از علمای بزرگ تهران، که سابقه دوستی طولانی با مرحوم حائری داشت، طبق وصیت او، بر جنازه وی در مسجد الغدیر، نماز گزارد و عصر همان روز جنازه ایشان را به قم انتقال دادند. در قم نیز با حضور علما و بزرگان و بعضی مراجع معظم، پس از تشییع باشکوهی از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و طواف حرم ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

جالب توجه است که زمان خاکسپاری ایشان، عصر روز ۲۵ شوال، مصادف با سالروز شهادت رئیس مذهب، حضرت صادق علیه السلام بود و ولادتش، همزمان با روز ولادت حضرت صادق علیه السلام بود.

همه کسانی که آن مرحوم را می شناختند و با او آشنایی داشتند، به روح بلند و صفای باطن و روحیه خدمتگزاری _ که خداوند در وی به ودیعت نهاده بود _ اذعان دارند.

آیت الله سید رضی شیرازی در این باره می فرمودند:

«حاج آقا مهدی را به صفای ضمیر، دیانت، حسن نیت و خدمت به مردم می شناختم. فقدانش در تهران ضایعه بزرگی بود و خلأ وسیعی به وجود آورد.» (۱۳۸)

حضرت آیت الله سبحانی هم از وی چنین یاد کردند:

«واقعاً یک انسان ارزنده ای بود؛ عواطفش مرز نداشت، انسانی وارسته و در اخلاص در درجه بالا بود. در خدمت کم نظیر بود و هیچ گاه به درخواست کسی، نه نمی گفت. اگر کسی به ایشان کاری را ارجاع می داد و توانایی انجامش را داشت، طرف را بی جواب رد نمی کرد.» (۱۳۹)

حضرت آیت الله گرامی نیز که سابقه دوستی طولانی با آن مرحوم داشته اند، فرمودند:

«آقای حائری یک امتیازات اخلاقی خیلی خوب داشت که درس است برای دیگران: اول این که، همواره شاکر خداوند بود و من از ایشان یک شکایت در طول عمر نشنیدم؛ دوم، اهل غیبت و بدگویی از کسی نبود؛ سوم این که، بسیار اهل توی و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام بود و چهارم این که، با دعا و اذکار و بعضی ختومات انس داشت و مقتید بود.» (۱۴۰)

* این کتابخانه هم اکنون در ابتدای خیابان صفائیه قم واقع است و با ساختمانی بزرگ و امکاناتی مناسب و با بیش از ده هزار جلد کتاب مرجع مورد استفاده محققان می باشد.

۱۴۱ _ تحف العقول، ص ۴۹.

۱۴۲ _ نباء البشر، ص ۹۹۰.

۱۴۳ _ شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، مهدی حائری تهرانی، ص ۴۱ _ ۳۹.

۱۴۴ _ نباء البشر، ص ۹۹۱.

۱۴۵ _ شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، ص ۴۲.

۱۴۶ _ همان، ص ۴۳.

۱۴۷ _ همان، ص ۵۳.

۱۴۸ _ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۹۹.

۱۴۹ _ همان، ص ۱۰۹.

۱۵۰ _ همان، ص ۱۰۴.

۱۵۱ _ همان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۱۵۲ _ همان، ج ۳، ص ۲۳۶.

۱۵۳ _ شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، ص ۵۳.

۱۵۴ _ همان، ص ۴۵.

۱۵۵ _ مصاحبه نگارنده با ایشان.

۱۵۶ _ مصاحبه نگارنده با ایشان.

۱۵۷ _ مصاحبه نگارنده با ایشان.

علامه سيد عبدالعزیز طباطبائی «آموزگار تحقیق» * * * مهدی سلیمانی آشتیانی

ص: ۸۳

ص ...

ج- ای عکس

علامه سید عبدالعزیز طباطبائی

ص: ۸۴

علامه محقق، آقا سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه الله نامی آشنا برای اهل قلم و تحقیق است. نام آن بزرگوار بر تارک پژوهش های علوم اسلامی چون ستاره ای می درخشد و یک عمر تلاش و کوشش و خوشه چینی از خرمن معارف بلند اهل بیت علیهم السلام را تداعی می کند. ایشان مرجع محققان و پشتوانه ای برای جویندگان زلال دانش در عصر ما بود. درب خانه اش به روی همه باز بود و با رویی گشاده به مشکلات و سؤالات افراد پاسخی شایسته می داد.

آیه الله سید محمد علی ابطحی اصفهانی در این باره فرموده اند:

«تا آقای سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه الله زنده بود، اهل تحقیق می دانستند در زیر آسمان شهری زندگی می کنند که می توانند در هر بعدی از ابعاد مختلف مسائل اسلامی مشغول تحقیق باشند، در هر موردی که با مشکل مواجه شوند، استاد راهنمایی در آن شهر در

ص: ۸۵

گوشه خانه اش نشسته که در هر لحظه از لحظات شب و روز مهیاست تا مشکل آنها را بدون هیچ منتی با یک تلفن حل کند.» (۱۵۸)

سخن از عالمی سخت کوش، محقق بلند همت، دانشمندی فرزانه یعنی علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبایی است. اگر چه زرشناسان او را نیک می شناسند و قدر می دانند، ولی برای آن که مجموعه حاضر از نام و یاد آن عزیز خالی نباشد، در این مجال به زندگی و آثار آن مرد بزرگ نگاهی گذرا خواهیم داشت.

در یکمین سال افول شمع وجود ایشان، به همت مؤسسه آل البیت علیهم السلام و به قلم جمعی از ارادتمندان یادنامه ای برای او در سه جلد به چاپ رسید که شرح یک عمر پژوهش محقق طباطبایی بود. آن یادنامه منبع عمده نگارنده در این مقاله است.

خاندان

بیت طباطبایی یزدی از خانواده های ریشه دار و شریف ایران هستند و مردان بزرگی را در دامن خود پرورش داده اند. اصل این خاندان از «کسنویه» یزد است و اولین کسی که از آنها به عراق هجرت کرد، فقیه و عالم نامی، مرحوم آیه الله العظمی سید محمد کاظم یزدی رحمه الله، است. ایشان از مراجع عالیقدر شیعه در قرن چهاردهم و از نظر جامعیت در فروع فقهی کم نظیر است. کتاب معروف او «عروه الوثقی»، تقریباً به وسیله همه مراجع بعد از خودش حاشیه خورده است. آن بزرگوار در عید مبعث ۱۳۲۸ ق در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوست. یکی از افراد

بیت طباطبایی _ که پسر عموی صاحب «عروه» می باشد. _ آقا سید اسماعیل طباطبایی است. او که دروس عالی حوزه را در نجف اشرف فرا گرفته بود و از فضیلتی حوزه به شمار می رفت، به دامادی صاحب «عروه» درآمد. فرزند سید اسماعیل، مرحوم آقا سید جواد طباطبایی، پدر محقق طباطبایی است. مادر سید عبدالعزیز نیز فرزند سیداحمد طباطبایی، پسر صاحب عروه است. لذا محقق طباطبایی هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، نواده صاحب عروه محسوب می شود. (۱۵۹)

پدر محقق طباطبایی، یعنی آقا سید جواد، از چهره های معروف علمای نجف اشرف بود.

آقا سید عبدالعزیز درباره پدر گرامی اش می گوید:

«ایشان از اهل علم، مشهور به تقوی و زهد بود... قسمت زیادی از وقت خود را مشغول نماز و نوافل بود و نصف آخر قرآن را حفظ داشت و هر روز قرائت می کرد.» (۱۶۰)

سید جواد طباطبایی در سال ۱۳۶۳ ق برای معالجه به ایران آمد و در تهران در گذشت و در جوار حرم مطهر حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام مدفون شد.

تولّد

در بیت طباطبایی یزدی در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۸ ق (چهارم آبان ۱۳۰۸ ش) کودکی پا به عرصه وجود گذاشت. او را سید عبد العزیز نام نهادند. بعد از دوران طفولیت به مکتب رفت و خط و قرآن و حساب و دیگر مقدمات را فرا گرفت. پس از آن به سلک طلاب علوم دینی درآمد و

ص: ۸۷

تحت إشراف پدر گرامی اش مراحل آغازین دانش را طی کرد. پانزده سال داشت که همراه پدر به ایران آمد و در همین سفر پدرش در گذشت. اگر چه از دست دادن سایه مهر پدری برای او سخت بود، ولی سید عبد العزیز خیلی زود به قم رفت و مدتی مشغول تحصیل بود و از درس مرحوم آیه الله حاج آقا رضا صدر استفاده کرد. سال بعد به نجف اشرف و جوار آستان مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام برگشت و در پرتو آن قبه نورانی مشغول کسب علم گردید.

اساتید

محقق طباطبایی رحمه الله سالیان متمادی از محضر بزرگان حوزه سترگ نجف بهره ها برد. بعضی از شخصیت هایی که وی از خرمن دانش آنها استفاده کرده است، عبارتند از:

۱ _ آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله (م ۱۴۱۳ ق)

۲ _ آیه الله العظمی سید عبد الهادی شیرازی رحمه الله (م ۱۳۸۲ ق)

۳ _ آیه الله العظمی سید عبد الا علی سبزواری رحمه الله (م ۱۴۱۴ ق)

۴ _ آیه الله سید علی علامه فانی رحمه الله (م ۱۴۰۹ ق)

۵ _ آیه الله سید هاشم حسینی طهرانی رحمه الله (م ۱۴۱۱ ق)

۶ _ آیه الله میرزا محمد علی اردوبادی رحمه الله (م ۱۳۸۰ ق)

۷ _ آیه الله شیخ مجتبی لنکرانی رحمه الله (م ۱۴۰۶ ق)

۸ _ آیه الله شیخ صدرا بادکوبه ای رحمه الله (م ۱۳۹۲ ق)

آقا عبد العزیز طباطبایی مراتب عالی فقه، اصول، کلام و فلسفه را از این بزرگان فرا گرفت؛ ولی آنچه از دوران جوانی مورد علاقه فراوانش

ص: ۸۸

بود، علم کتابشناسی و بررسی و احیای میراث کهن شیعه بود.

در سالهای تحصیل او در نجف، دو شخصیت فرزانه و استوانه استوار این رشته حاضر بودند: علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، صاحب اثر عظیم «الذریعه» و علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب گرانسنگ «الغدیر». این دو بزرگوار که از چهره های تابناک حوزه های علمیه به شمار می رفتند و خود کتابخانه ای سیّار از میراث شیعه بودند، در رشد و پرورش آقا سید عبدالعزیز بسیار تأثیر گذار بودند. از همان اوان تأسیس کتابخانه عمومی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف به وسیله مرزبان غیور حریم تشیع، علامه امینی رحمه الله، محقق طباطبایی در آنجا مشغول تحقیق و تدوین فهرست کتابخانه شد. این امر باعث انس و ارتباط مداوم با علامه امینی گردید. در همین سالها محقق طباطبایی برای شناسایی نُسخ خطی، کتابشناسی و سایر ظرایف و دقایق این رشته، با علامه عالیقدر حاج آقا بزرگ تهرانی رحمه الله مرادده مستمر داشت.

سید عبد العزیز از سه نفر از بزرگان اساتید خود نیز دارای اجازه نقل روایت بود که عبارتند از حضرات آیات: سید ابوالقاسم خویی؛ سید عبدالهادی شیرازی و علامه آقا بزرگ تهرانی رحمه الله.

مهاجرت به ایران و ادامه فعالیت های علمی

محقق طباطبایی در سال ۱۳۹۶ ق (۱۳۵۶ ش) به علت فشارهای رژیم عراق به ایرانی ها، به میهن آباء و اجدادی خویش مهاجرت کرد و در جوار نگین شهر قم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، اقامت گزید. حضور ایشان در حوزه مقدس قم برای فضلا و محققین بسیار مغتنم و نیک بود و

ص: ۸۹

خیلی زود شمع جمع اهل قلم گردید. اخلاق پاک و روحیه بی آرایش، سخاوت علمی، تواضع و محبت آن عزیز باعث ارادت و علاقه مضاعف شاگردانش به او می شد. حافظه بسیار خوب، اخلاص و عشق به نشر آثار اسلامی، تجربه عملی و معاشرت طولانی با اساتید و اهل فن، از محقق طباطبایی دانشمندی جامع پدید آورده بود، به طوری که هر کسی از محضرش بهره ای می برد. علاوه بر محققین و شاگردان، مؤسسات تحقیقاتی و علمی نیز از تجربه و تخصص او بی نیاز نبودند. مراکزی همچون: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، دایره المعارف بزرگ اسلامی و... با ایشان ارتباط داشتند و آثار زیادی با نظارت و همکاری مستقیم وی تحقیق و چاپ شد. بر اساس فهرستی که فرزند گرامی شان، آقای سید محمد طباطبایی، تهیه کرده اند، تعداد ۹۴ عنوان کتاب با استفاده از راهنمایی ها و یادداشت های محقق طباطبایی تحقیق شد که در مقدمه این آثار بدین نکته اشاره شده است. (۱۶۱)

علامه محقق طباطبایی همچنین در مجامع و همایش های علمی مختلفی شرکت می جست و در بسیاری از آنها مقالاتی نیز ارائه می نمود. از آن جمله به کنگره علامه شریف رضی در ۱۴۰۶ ق در تهران، کنگره هزاره شیخ مفید در ۱۴۱۳ ق، در قم، کنگره امام حسین علیه السلام در ۱۴۰۴ ق در لندن و کنگره امام علی علیه السلام در ۱۴۰۶ ق در لندن، می توان اشاره نمود.

محقق طباطبایی و فهرست نگاری

آقا عبدالعزیز طباطبایی را بدون شک باید از نامدارترین کتاب شناسان

و نسخه شناسان عصر اخیر به شمار آورد. از اوان نوجوانی علاقه وافری به فهرست نگاری و کتاب شناسی نشان می داد و چنان که خود فرموده اند، در سن هشت یا نه سالگی کُتب کتابخانه مدرسه سید رحمه الله را در نجف اشرف در دفتر کوچکی فهرست کردند. این دفتر اولین فهرستی است که ایشان تهیه نمود. (۱۶۲)

در دوران جوانی در ک محضر کتاب شناس شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی رحمه الله و ۲۵ سال ارتباط با وی، تبخر و تخصص ویژه ای به آقای طباطبایی بخشیده بود و شاید بتوان او را یادگار و وارث علمی صاحب «ذریعه» در قم دانست.

ایشان فهرست های زیادی را از نسخ خطی داخل و خارج کشور تهیه کرد که در بخش آثار به آنها اشاره خواهیم کرد.

محقق طباطبایی در مورد فهرست نگاری در ایران فرموده اند:

«در ایران، در کل بسیار خوب است؛ و من مکرراً گفته ام که هیچ کشور دیگری به اندازه ایران، فهرست تهیه و چاپ نکرده است.»

ایشان در مورد زبان فهرست ها گفته اند:

«به نظر من بهتر است که فهرست به زبان کتاب ها باشد؛ مثلاً کتب عربی به زبان عربی و کتاب های فارسی به زبان فارسی فهرست شوند.»

مرحوم طباطبایی درباره فهرست نگاری کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نیز ضمن تجلیل، فرموده اند:

«کار اشتباهی که انجام شده فهرست موضوعی است؛ زیرا کتابخانه ای را که دائماً در حال رشد است نمی توان به صورت

موضوعی فهرست کرد، بلکه باید کتاب‌ها را شماره‌ای فهرست کرد.» (۱۶۳)

پدر پیر پژوهش در نگاه هنرشناسان

همه کسانی که با محقق طباطبایی رحمه الله آشنایی داشتند به صفای روح او و خلوص و ارادت ایشان به مقام شامخ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و همچنین تبخر و تخصص او در کتاب‌شناسی شیعه، اذغان دارند.

استاد فرزانه حضرت آیه الله آقا موسی شبیری زنجانی _ دامت برکاته _ درباره آقا سید عبد العزیز می فرمودند:

«سه نکته در مورد ایشان قابل ذکر است: اول این که تسلط او بر کتاب‌شناسی اسلامی جای شک و شبهه نبود، به صورتی که اگر نگوییم بی نظیر، مسلّم کم نظیر بود؛ دوم این که اهل مسامحه و تعارف در تعبیر نبود و مطالبی که نوشته است با توجه به پشتوانه تحقیق ایشان قابل اعتماد و اعتنا است و سوم این که اگر می فهمید کسی اهل استفاده و تحقیق است، با عشق تمام و با سخاوت و سماحت به او کمک می کرد.» (۱۶۴)

علامه محمد تقی جعفری رحمه الله در مورد تواضع و فروتنی او فرموده اند:

«از محاسن با اهمیت شخصیت آن مرحوم، که متأسفانه تا حدودی کمیاب است، این بود که معمولاً در صدد ابراز معلومات و افری که اندوخته بود بر نمی آمد. اگر کسی روزها با آن بزرگوار همنشینی می کرد نمی توانست از کمیت معارفی که در درون داشت، اطلاع پیدا کند.» (۱۶۵)

ص: ۹۲

استاد محمد تقی دانش پژوه رحمه الله نیز چنین فرموده اند:

«هیچ آخوندی مثل او چنان پراطلاع ندیده بودم.» (۱۶۶)

و استاد عبدالحسین حائری نیز درباره میزان تسلط وی نوشته اند:

«در باب تسلط ایشان باید گفت که از مسلم ترین امور که جای شک در آن نیست، تسلط کامل ایشان بر میراث فرهنگی مخطوط اسلام و تشیع است.» (۱۶۷)

از خصوصیات بارز آن بزرگوار سماحت و سخاوت وی در کمک به پژوهشگران و شاگردان بود که همه کسانی که از او استفاده کرده اند، به این خصیصه اشاره می کنند. آقای صحتی سردرودی در این باره نوشته اند:

«هرگز فراموش نمی کنم آن شبی را که استاد برای معالجه می خواست چند صبحی به تهران رود و من بی خبر از همه جا، سر در کتاب و دفتر فرو برده بودم و می نوشتم که دیدم استاد خم شد و کلیدهای خانه را پیشم نهاد و گفت: ما عازم تهرانیم و در خانه کسی نیست. کتابخانه در اختیار شماست، هر وقتی از شبانه روز که خواستی می توانی بیایی و مطالعه کنی؛ و اگر هم خواستی می توانی به خانه خود تلفن بزنی و همین جا بمانی و شبانه روز به تحقیق پردازی.» (۱۶۸)

غروب آفتاب پژوهش

با وجود آن که علامه طباطبایی در اواخر عمر از ناراحتی قلبی رنج می برد، ولی کار و تلاش را رها نکرد و همچنان به فعالیت های علمی خود

ادامه می داد. تا این که روز دوشنبه ۶ ماه رمضان ۱۴۱۶ ق به علت نارسایی شدید قلبی در بخش CCU بیمارستان آیه الله العظمی گلپایگانی رحمه الله بستری شد و ساعت ۲ بامداد روز بعد، یعنی ۷ رمضان المبارک ۱۴۱۶ (۱۸ اسفند ماه ۱۳۷۴)، مرغ روح آن عزیز کالبد تن را رها نمود و به ملا اعلی پر کشید.

عصر همین روز پیکر پاک او در میان موج تألم، تأثر و ناباوری هزاران نفر از دوست داران و ارادتمندان و شاگردانش از مسجد امام حسن عسگری علیه السلام به سوی حرم حضرت معصومه علیها السلام تشییع شد. پس از اقامه نماز به وسیله حضرت آیه الله آقا موسی شبیری زنجانی _ دامت برکاته _، در جوار بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، در حجره ۱۴ صحن بزرگ به خاک سپرده شد. در واقع با دفن این محقق فرزانه، کتابخانه ای وسیع در گوشه ای از حرم مدفون گشت.

آثار و تألیفات

اگر چه چندین سال است که از فیض حضور آن محقق سخت کوش محروم شده ایم، ولی آثار جاوید او همواره عطر وجودش را در دل و جان مؤمنان زنده خواهد ساخت. فهرست مختصر تألیفات و نوشته های ایشان بر اساس مقاله «خزان در گلشن تحقیق» (۱۶۹)، اثر فاضل ارجمند جناب صدرایی خویی _ که خود از ارادتمندان و شاگردان محقق طباطبایی است. _ به شرح ذیل می باشد.

آثار ایشان را می توان به هفت بخش تقسیم کرد:

الف) آثاری که در تکمیل تألیفات استادشان علامه تهرانی تألیف نمودند

ص: ۹۴

مثل «مستدرک الذریعه»، «اضواء علی الذریعه»، «مهذب الذریعه»، «معجم اعلام الشیعه»، «تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعه» و «تنظیم و تصحیح نقباء البشر».

ب) آثاری که در تکمیل تألیفات استادشان علامه امینی تألیف نمودند

مانند «علی ضفاف الغدیر» در تکمله الغدیر و «انباء السماء برزیه کربلا» در تکمیل سیرتنا و سنتنا.

ج) تحقیق و تصحیح آثار بزرگان

مانند «فهرست منتجب الدین»، «الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی»، «عقدالدرر فی اخبار المهدي المنتظر»، «مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام از ابن ابی دنیا»، «مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام از احمد بن حنبل»، «ترجمه امیرالمؤمنین علیه السلام از تاریخ دمشق»، «ترجمه امام حسن و امام حسین علیهما السلام از طبقات ابن سعد» و...

د) فهرست نسخ خطی

مانند «فهرست کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف»، «فهرست نسخ خطی آستان قدس رضوی»، «فهرست نسخ کتابخانه علامه طباطبایی در شیراز»، «فهرست نسخ کتابخانه سید محمد علی قاضی طباطبایی در تبریز»، «فهرست نسخ کتابخانه فراز عبدالقادر گیلانی در بغداد»، «فهرست نسخ کتابخانه ثقه الاسلام در تبریز» و...

ه) کتابنامه ها

از جمله «اهل البیت فی مکتبه العربیه»، «الغدیر فی التراث الاسلامی»، «حیاه الشیخ المفید»، «مکتبه العلامه الحلی»، «فی رحاب نهج البلاغه»، «مخطوطات اللغه العربیه»، «فهرست تصانیف کراچکی» و...

ص: ۹۵

و) یادداشت ها و مطالب منتخب از کتابخانه ها که در سفرهای ایشان تنظیم شده است

مانند «نتایج الاسفار»، «قید الاوابد و جمع الشوارد»، «فهرست نسخه های منتخبه از کتابخانه های ترکیه»، «فهرست نسخ خطی منتخب از حجاز»، «فهرست نسخ منتخب از کتابخانه های تبریز» و...

ز) سایر آثار

مثل «الحسین علیه السلام والسنه»، «المهدی علیه السلام فی السنه النبویه»، «حیاه الشیخ یوسف بحرانی»، «شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی» و....

علاوه بر آثار مذکور، مقالات متعددی نیز از آن فقید در مجله وزین «تراثنا» به چاپ رسیده است. برای شناخت دقیق و تفصیلی آثار ایشان می توان به جلد اول یادنامه مراجعه نمود.

پی نوشت ها:

۱۷۰ _ المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویه الاولی، ج ۳، ص ۱۱۷۸.

۱۷۱ _ الغدیر فی التراث الاسلامی، ص ۲۳۳.

۱۷۲ _ المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویه الاولی، ج ۱، ص ۳۵۰ _ ۳۴۸.

۱۷۳ _ همان، ج ۳، ص ۱۱۳۵ _ ۱۰۹۰.

۱۷۴ _ همان، ص ۱۲۲۳.

۱۷۵ _ همان، ص ۱۲۲۳ _ ۱۲۱۹.

۱۷۶ _ مصاحبه نگارنده با معظم له.

۱۷۷ _ المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویه الاولی، ج ۳، ص ۱۰۳۰.

۱۷۸ _ همان، ص ۱۰۳۶.

۱۷۹ _ همان، ص ۱۰۳۹.

۱۸۰ _ «پدر پیر پژوهش زنده است» محمد صحتی سردرودی، هفته نامه گلستان قرآن، ش ۶، ص ۳۵.

۱۸۱ _ «خزان در گلشن تحقیق» علی صدرائی خوئی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۱۲ _ ۱۱.

احمد بن حمزه بن يَسَع اشعري قمى «واله ولايت» * * * ابوالحسن ربّانى سبزوارى

ص: ۹۷

ص ...

ج_ای عکس

احمد بن حمزه بن یسع اشعری قمی

ص: ۹۸

در این نوشتار برآنیم با یکی دیگر از ستارگان پرفروغ حریم اهل بیت علیهم السلام آشنا شویم که عاشقانه و مجدانه، عمرش را در طریق گردآوری و حفظ و نقل احادیث آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم سپری کرد.

نام و شهرت و ولادت

در اواخر سده دوم هجری (۱۸۲) در شهر قم حمزه بن یسع* بن عبدالله اشعری قمی، صاحب فرزندى شد که او را احمد نام نهاد.

ظاهراً چون این کودک در شهر قم و در خاندان اشعری متولد شده، به اشعری قمی مشهور گشته است. البته تاریخ دقیق و بی ابهام ولادت این محدث بزرگ، معلوم نیست.

ص: ۹۹

احمد بن حمزه، در خاندانی پا به عرصه گیتی نهاد که بیشتر افراد آن، از یاران امامان بزرگوار شیعه و از محدّثان فرزانه و نامور بودند؛ پدرش حمزه بن یسع قمی، یکی از راویان برجسته و مورد عنایت نخبگان تراجم بوده و از یاران امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام به شمار می آمده است. (۱۸۳) از دیدگاه بعضی از نقادان دانش تراجم، جناب حمزه از وجاهت بلندی برخوردار بوده است. (۱۸۴)

یکی از برادران احمد، به نام محمد بن حمزه، نیز در سلسله راویان اخبار اهل بیت علیهم السلام قرار دارد. کنیه احمد را ابو طاهر نوشته اند. علامه حلّی درباره او چنین می نگارد: محمد بن حمزه و ابوطاهر اشعری از چهره های موجه و از یاران امام هادی علیه السلام هستند. (۱۸۵)

جدّ احمد، یسع بن عبدالله، هم که در مسیر روشن تشیّع گام برمی داشت، از اصحاب حضرت صادق علیه السلام به شمار می رود و روایاتی از آن سرچشمه دانش نقل کرده است. (۱۸۶)

از طرف دیگر، عموی او به نام سهل بن یسع اشعری قمی نیز از راویان پرآوازه و برجسته و موجه خاندان اشعری است که از حضرت کاظم و حضرت رضا علیهما السلام روایاتی را نقل کرده است. اکثر رجال نویسان شیعه از او به نیکی یاد کرده اند. (۱۸۷)

صحابی امام

از براینده سخنان تمام رجال نویسان معروف، این نکته قطعی می نماید که جناب احمد بن حمزه، در شمار یاران امام هادی علیه السلام بوده است.

شیخ طوسی در کتاب ارزشمند خود، او را در سلسله روایتگران و

یاران حضرت امام هادی علیه السلام به شمار آورده است. (۱۸۸)

مرحوم آیه الله خوبی در «معجم الرجال» و علامه شوشتری در «قاموس الرجال» نیز تصریح داشته اند که احمد بن حمزه، از اصحاب امام دهم شیعیان بوده است. (۱۸۹)

شخصیت و منزلت احمد بن حمزه

از آنچه گذشت، به خوبی معلوم می گردد که احمد بن حمزه محدثی ارجمند و گرانقدر بوده است. درستی این سخن هنگامی آشکار می شود که حجت خدا، حضرت امام زمان علیه السلام، او را مورد تأیید و عنایت خویش قرار داده است؛ چنان که شیخ کشتی و شیخ طوسی چنین نقل کرده اند:

ابو محمد رازی گفت: من و احمد بن محمد بن خالد برقی، در عسکر_ سامراء_ بودیم. در این هنگام، فرستاده ای از طرف امام عصر علیه السلام به سوی ما آمد و گفت: احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن حمزه بن یسع، موثق و موثق و موثق اند. (۱۹۰)

همه ترجمه نویسان، این روایت را نقل کرده و معتقدند که این حدیث، منزلت بلند احمد بن حمزه را آشکار می سازد.

همچنین از قراین تاریخی و احادیث شیعه بر می آید که احمد بن حمزه در ارتباط با نماینده حضرت ولی عصر علیه السلام در غیبت صغرا، بوده است. شیخ طوسی در این زمینه، اذعان دارد که:

«برای گروهی از بزرگان توقیعات و نامه هایی از ناحیه حضرت حجت علیه السلام به وسیله سفیران ویژه آن حضرت می رسید، که از آن

ص: ۱۰۱

گروه‌ند: محمد بن جعفر اسدی، احمد بن اسحاق قمی، ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن حمزه بن یسع» (۱۹۱)

از این کلام شیخ طوسی چند نکته روشن می‌شود: اولاً- او و جمعی از بزرگان و عالمان آن روزگار، مورد تأیید امام علیه السلام و از چهره‌های شاخص و موجه بوده‌اند؛ ثانیاً، مردم در فراگیری مسائل دینی به آنها رجوع می‌کرده‌اند و ثالثاً، احمد بن حمزه، در دوران غیبت صغرا در قید حیات بوده است.

نیز از پاره‌ای روایات _ که در آخر مقاله ذکر می‌شود _ به دست می‌آید که او وکیل امام هادی علیه السلام در شهر قم بوده و وجوهات شرعی را به امام می‌رسانده است.

از طرف دیگر، از آنجا که امام علیه السلام او را در ردیف بزرگانی همچون احمد بن اسحاق قمی، برجسته‌ترین روایتگر شیعه، قرار داده است، نشانه دیگری از جلالت شأن و فرهیختگی این محدث نامور قمی است.

علاوه بر این، تمامی رجال شناسان، نیز از آغاز تا فرجام، احمد بن حمزه را به عنوان محدثی مورد اعتماد و موجه یاد کرده‌اند. در اینجا به سخنان چند تن از آنها بسنده می‌کنیم.

نجاشی در میراث مکتوب و ارزشمند خود می‌گوید:

احمد بن حمزه، چهره‌ای بسیار بسیار موجه و بلند مرتبه است. (۱۹۲)

علامه حلی می‌گوید:

احمد بن حمزه چهره برجسته است. (۱۹۳)

سخن آخر در این زمینه، از شیخ طوسی است که چنین می‌نگارد:

ص: ۱۰۲

احمد بن حمزه بن یسع قمی، مورد اعتماد و از جاهت بلندی برخوردار است. (۱۹۴)

استادان

احمد بن حمزه، به عنوان یک محدّث و ولایت مدار در تکاپوی شنیدن و گردآوری سخنان اهل بیت، تلاش مقدّسی را آغاز کرد. ایشان برای فراگیری حدیث و شنیدن کلمات امام خود، حتی از قم به سامراء هجرت می کنند. با وجود آن که در آن عصر دو تن از امامان بزرگوار شیعه، حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام در این شهر به حالت تبعید و تحت نظر حکومت ستم پیشه زمان، زندگی می کردند، اما او موفق به ملاقات با امام هادی علیه السلام می شود و از محضر نورانی و دریای مّوّاج دانش آن حضرت، بهره گرفته، بسیاری از مشکلات علمی و مسائل شرعی خویش را بدین گونه حل می نماید. (۱۹۵) از این رو می بینیم ایشان روایات بسیاری از امام هادی علیه السلام نقل می کند و گاه، روایات او به صورت پرسش و پاسخ می باشد.

بعد از وجود مقدس امام علیه السلام، در محضر بزرگان دانش، که هر یک استوانه ای در فقه و حدیث و تقوا بودند، حاضر شد و از خرمن دانش آنان خوشه ها چید. از میان استادان این محدّث بزرگ، می توان افراد ذیل را نام برد:

۱. ابان بن عثمان؛ ۲. حسین بن مختار؛ ۳. یاسر خادم قمی؛ ۴. محمد بن خَلَف؛ ۵. زکریّا بن آدم قمی؛ ۶. محمد بن خالد برقی قمی؛ ۷. مرزبان بن عمران قمی.

ص: ۱۰۳

همان طور که ملاحظه می شود، بعضی از این راویان، در شمار بزرگان حدیث هستند. (۱۹۶)

دانش آموختگان از محضر استاد

احمد بن حمزه، با تلاش و جدّیت و تحمل رنج سفر، توانست به درجات بلندی از موقعیت علمی برسد؛ به گونه ای که گروهی از شیفتگان روایات اهل بیت، پروانه وار به گرد شمع وجود او جمع شده و از این سرچشمه زلال بهره ها بردند. در اینجا نام جمعی از این دانش آموختگان را ذکر می کنیم:

۱. محمد بن احمد بن یحیی؛ ۲. علی بن مهزیار اهوازی؛ ۳. محمد بن عیسی عبیدی؛ ۴. حسین بن سعید اهوازی؛ ۵. عبدالله بن جعفر حمیری قمی؛ ۶. سعد بن عبدالله قمی. (۱۹۷)

بر اهل نظر پوشیده نیست که وجود افرادی مانند علی بن مهزیار و عبدالله بن جعفر و سعد بن عبدالله، در میان شاگردان احمد بن حمزه نشانه شخصیت بلند مرتبه او است.

اثر قلمی

با وجود آن که، از این محدّث دانشمند اخبار زیادی در منابع اصیل روایتی شیعه، نقل شده است، اما گویا ایشان به جز کتاب «النوادر» که تمام بزرگان به ایشان نسبت داده اند، کتاب دیگری نداشته است. از این کتاب شیخ نجاشی و آقا بزرگ تهرانی در کتاب گرانسنگ خود، نام برده اند. (۱۹۸)

ص: ۱۰۴

احمد بن حمزه اشعری قمی بعد از تلاش های بی وقفه و مستمرّ خویش در راه روشن و سعادت آفرین مذهب اهل بیت، تا آخرین لحظه از عمر با برکت خود از نشر حدیث و ترویج مکتب ناب تشیع دست نکشید؛ ولی چنان که سرنوشت محتوم هر انسانی هجرت از این جهان مادی است، او نیز روزی جان به جان آفرین تسلیم کرد و روح مقدّس او به سوی بهشت پرکشید. این که در کدامین سال و کدامین سرزمین از دنیا رفت، نمی توان قاطعانه اظهار نظر کرد؛ گو این که ظاهراً او در نیمه دوم سده سوم هجری رحلت کرد و امکان دارد او هم مانند دهها و صدها محدّث قمی، در این شهر دانش پرور آرمیده باشد.

گزیده ای از روایات

این بزرگوار روایات فراوانی نقل کرده است که برخی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم.

زکات به شیعیان

عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن حمزه قمی روایت می کند که:

از امام هادی علیه السلام پرسیدم: مردی از شیعیان شما، قوم و قبیله ای دارد که همه آنان از شیعیان شما به شمار می روند؛ آیا می شود تمام زکات مال را به آنها داد؟ امام در پاسخ فرمود: بله. (۱۹۹)

ذبیحه مخالفان تشیع

احمد بن حمزه از زکریا بن آدم روایت می کند که امام هادی علیه السلام فرمود:

ص: ۱۰۵

من تو را نهی می کنم از ذبیحه هر کسی که مخالف و معاند با عقاید شما شیعیان است، مگر در هنگام ضرورت و ناچاری.
(۲۰۰)**

وضوی پیامبر اسلام

احمد بن حمزه از ابان بن عثمان و او از حضرت امام باقر علیه السلام نقل می کند:

امام علیه السلام روزی به ابان فرمود: آیا برای تو بگویم که رسول خدا چگونه وضو می گرفتند؟ در این هنگام امام علیه السلام با کف دست خود مقداری آب برداشت و به صورت خود ریخت. دوباره مقداری آب برداشت و بر دست راست خود ریخت و بعد با مقداری آب دست چپ را شست. سپس سر و پاهای خود را مسح کرد و در مسح پاها، دست ها را بر روی پاها کشیدند و فرمودند: اینجا کعب است. (۲۰۱)

وکالت در اخذ اموال

علی بن مهزیار از احمد بن حمزه نقل می کند:

به حضرت امام هادی علیه السلام گفتم: در شهر ما چه بسا افرادی اموالی برای آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم وصیت می کنند و آن اموال را نزد من می آورند. من دوست دارم آن اموال را با اذن شما، به خدمت شما بیاورم. امام فرمود: نزد من نیاور و خود را در معرض خطر دشمنان قرار مده. (۲۰۲)

رفتار با مخالفان

احمد بن حمزه با واسطه از امام باقر علیه السلام روایت می کند:

در روزگاری که حکومت در دست بچه ها (و افراد کم سن و سال)

ص: ۱۰۶

است، با مخالفان ما معاشرت کنید؛ اما در دل با آنان مخالفت ورزید. (۲۰۳)***

صید با سگ شکاری

با واسطه از محمد بن مسلم روایت می کند که:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: هنگامی که گروهی از شکارچیان به شکار می روند، و در حالی که سگ شکاری برای یکی از آنان است؛ در صورتی که صاحب سگ، او را به سوی شکار بفرستد، ولی یکی دیگر از شکارچیان نام خدا را بر زبان جاری می کند؛ آیا در این صورت، شکار حلال است؟ امام فرمود: باید صاحب سگ، نام خدا را بر زبان جاری کند تا شکار حلال شود و الا حرام خواهد بود. (۲۰۴)

شهادت دادن زنازاده

همچنین با واسطه از ابو بصیر روایت می کند که:

از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم: آیا شهادت فرزند زنا قبول است؟ امام در پاسخ فرمود: نه.

به امام گفتم: «حکَم»*** گمان می کند که شهادت دادن او در محضر قاضی جایز است. امام حکَم را نفرین کرد و فرمود: بارخدایا! گناهانِ حکَم را نبخش. (۲۰۵)

ص: ۱۰۷

پی نوشت ها:

* «يَسَّع» نام یکی از قبایل معروف یمن است. در قرآن نام «الیاس» و «يَسَّع» ذکر شده است و در «تاج العروس» آمده: «يَسَّع» اسم پیامبری از فرزندان حضرت هارون، برادر موسی علیه السلام، است. (تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۰۲).

** قال ابوالحسن عليه السلام: انِّي انْهَاكَ عَنْ ذَبِيحِهِ كُلِّ مَنْ كَانَ عَلَى خِلافِ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ وَاصْحَابِكَ أَلَا فِي وَقْتِ الضَّرُورَةِ إِلَيْهِ.

*** خالطوهم بالبرّانية و خالفوهم بالجوانية اذا كانتِ الأَمْرَةُ صِبيائيّة.

**** حَكَمَ بن عُمَيْنَه، زیدی مذهب و از فقهاء اهل سنت بود.

۱. رجال نجاشی، جامعه مدرسین قم، ص ۹۰، شماره ۲۲۴؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۹؛ رجال ابن داود، ص ۳۷؛ الرجال تفرشی، ص ۲۱؛ مجمع الرجال، عنایت الله قهپایی، ج ۱، ص ۱۱۲؛ بهجه الآمال، ج ۲، ص ۵۹؛ الجامع فی الرجال، ص ۱۱۳؛ قاموس الرجال، جامعه مدرسین قم، ج ۱، ص ۴۵۹؛ الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۲۰؛ تهذیب المقال، سید محمد ابطحی اصفهانی، ج ۳، ص ۳۲۹؛ رجال بو علی حائری، مؤسسه آل البیت، ج ۱، ص ۲۶۱؛ معجم الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۶۰؛ جامع الروات، ج ۱، ص ۴۹؛ خلاصه الاقوال، علامه حلّی، ص ۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۲۷؛ معجم الثقات، ص ۸ و غیبه الطوسی، نینوا، ص ۲۵۸.

۲. رجال شیخ طوسی، ص ۱۷۸ و ۳۴۷.

۳. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۷۶.

۴. خلاصه الاقوال، ص ۱۸۷؛ مجمع الرجال، ج ۵، ص ۲۰۳ و تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۱۵.

۵. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۲۹.

۶. رجال نجاشی، داوری، ص ۱۳۲؛ رجال طوسی، ص ۳۳۷ و لمعه دمشقیه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۱۴۱.

۷. رجال طوسی، ص ۴۰۹.

۸. معجم الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶ و قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۵۹.

۹. رجال کشی، مؤسسه آل البیت، ج ۲، ص ۸۳۱؛ غیبه شیخ طوسی، ص ۲۵۸ و بحار الانوار، بیروت، ج ۵۱، ص ۳۶۳.

۱۰. غیبه طوسی، ص ۲۵۸.

۱۱. رجال نجاشی ص ۲۲۹.

١٢. خلاصه علامه، ص ١٤.

١٣. رجال طوسی، ص ٤٠٩.

ص: ١٠٨

١٤. فروع كافي، ج ٣، ص ٥٥٢ و تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ٨٠.
١٥. جامع الروات، ج ١، ص ٤٩؛ الجامع في الرجال، ص ١١٣ و معجم الرجال، ج ٢، ص ١٠٦.
١٦. جامع الروات، ج ١، ص ٤٩ و معجم الرجال، ج ٢، ص ١٠٦.
١٧. الذريعة، ج ٢٤، ص ٣٢٠؛ رجال نجاشي، داوري، قم، ص ٦٦ و تنقيح المقال، ج ١، ص ٦٠.
١٨. من لا يحضره الفقيه، مكتبه صدوق، ج ٤، ص ٢٣٩.
١٩. تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ٨٠، حديث ٣٣
٢٠. همان، ج ١، ص ٧٨، حديث ٣٩.
٢١. همان، ج ٧، ص ٥٨، حديث ٣.
٢٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٢٠، حديث ٢٠.
٢٣. تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ٣٢، حديث ١٠٢.
٢٤. همان، ج ٦، ص ٢٧٦، حديث ١٠٢.

حاج شیخ محمد علی حایری قمی «استاد دانشوران» * * * ناصر الدین انصاری

ص: ۱۱۱

ص ...

ج- ای عکس

آیت الله

حاج شیخ محمد علی حایری قمی

ص: ۱۱۲

از دیر باز فقیهان و محدثان شهر قم در حفظ معارف اهل بیت علیهم السلام و تعمیق باورهای دینی مردم شیعه سهمی به سزا داشته اند و در این راه، هر گونه رنجی را به جان خریده اند. یکی از آنان، که برای گسترش علوم اهل بیت علیهم السلام سر از پای نمی شناخت، مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی است، که در این مقال به اجمال، زندگی اش را بررسی می کنیم.

ولادت و تحصیلات

آیه الله حایری قمی، در سال ۱۲۹۱ ق. (۲۰۶) در قم زاده شد. در ایام نوجوانی خواندن و نوشتن و قرآن مجید را در مکتب خانه فرا گرفت؛ سپس به آموختن علوم دینی روی آورد و در محضر علمای بزرگ قم، ادبیات و سطوح فقه، اصول و حدیث را به خوبی فرا گرفت.

ص: ۱۱۳

اساتید وی در قم، عبارتند از آیات عظام:

۱. حاج میرزا محمد ارباب قمی (۱۲۷۳-۱۳۴۱ ق)، صاحب «اربعین الحسینیه» و «تشید البنیان».

۲. حاج سید صادق قمی (۱۲۵۳-۱۳۳۸ ق)، صاحب «کتاب الزکاه».

۳. شیخ محمد حسن نادى قمی (م: ۱۳۱۷ ق).

۴. شیخ محمد حسن وزوایی قمی (م: ۱۳۱۰ ق).

۵. شیخ محمد حسین پایین شهری قمی (معروف به متکلم).

۶. میرزا ابو القاسم طباطبایی قمی (م: ۱۳۳۳ ق)، برادر آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی.

۷. ملا علی اکبر قمی (م: حدود ۱۳۱۴ ق).

شوق آموختن و ترک وطن

روح جستجوگر و اشتیاق فراوان آیه الله حایری به آموختن، موجب شد که ایشان مسافرت های متعددی به مراکز علم و دانش کند. از این رو به شهرهای تهران، نجف، سامرا و کربلا هجرت کرد و از اساتید معروف و مبرز آن سامان بهره گرفت. در این قسمت، به ترتیب در شهرهایی که ایشان رحل اقامت افکند، اشاره می کنیم.

الف) تهران:

مرحوم آیه الله حایری قمی، در حدود سال ۱۳۱۳ ق، رهسپار تهران شد و از محضر آیات عظام: حاج میرزا محمد حسن آشتیانی (م: ۱۳۱۹ ق) و مرحوم میرزا ابوطالب زنجانی (م: ۱۳۲۹ ق)، سطوح عالی فقه و اصول را به خوبی فرا گرفت. (۲۰۷)

ص: ۱۱۴

ب) نجف:

ایشان پس از ۵ سال اقامت در تهران، در سال ۱۳۲۸ ق، راهی نجف شد و در درس های اساطین حوزه علمیه نجف شرکت جست و به تقریر درس آنان پرداخت. اساتید ایشان در نجف عبارتند از آیات عظام:

۱. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق)، صاحب کتاب های «حاشیه بر رسائل»، «کفایه الاصول» و «شرح تبصره المتعلمین».

۲. حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق)، صاحب کتاب های «مصباح الفقیه فی شرح شرایع الاسلام» و «حاشیه المکاسب».

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (م ۱۳۳۷ ق)، صاحب کتاب های «منجزات المریض»، «صلاه الاحتیاط» و «عروه الوثقی».

۴. شیخ هادی بن محمد امین تهرانی (م ۱۳۲۱ ق)، صاحب کتاب های «محججه العلماء»، «تفسیر آیه النور» و «ودایع النبوه».

او در میان اساتید خود، بیشتر دلبسته آخوند خراسانی بود. لذا بیشترین استفاده را از محضر شریف وی برد و تقریرات درس اصول (قطع و ظن، براءت و استصحاب) وی را به زیبایی به رشته تحریر درآورد. (۲۰۸)

ج) سامرا:

آیه الله حایری قمی پس از شش سال اقامت در نجف، در سال ۱۳۲۴ ق، همزمان با اوج گیری نهضت مشروطه، رهسپار سامرا گردید تا از محضر آیه الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی بهره مند شود. در سامرا مورد اکرام و احترام بسیار میرزا قرار گرفت و ضمن شرکت در مجلس درس استاد، خود به تدریس سطوح پرداخت.

ص: ۱۱۵

با شروع جنگ جهانی اول، که سامرا محل تجمع لشکر عثمانی و پادگان نظامی گردید، درس های حوزه تعطیل شد و میرزای شیرازی به کربلا- مهاجرت نمود. به این علت، آیه الله حایری به کاظمین کوچ کرد و مدت ها از محضر آیه الله سید حسن صدر کاظمی (م ۱۳۵۴ ق) بهره برد؛ (۲۰۹) اما پس از مدتی، بنا به دعوت استادش، به کربلا هجرت کرد. (۲۱۰)

(د) کربلا:

آیه الله حایری در سال ۱۳۳۶ ق، به کربلا هجرت کرد و از آنجا که بسیار مورد توجه و اطمینان میرزای شیرازی بود، مرحوم میرزای دوم، احتیاطات خویش را بدو ارجاع نمود. (۲۱۱)

پس از وفات استاد بزرگوارش در سال ۱۳۳۸ ق، در صحن حرم مطهر امام حسین علیه السلام، به جای میرزای شیرازی به اقامه جماعت پرداخت و به این ترتیب در حوزه های علمی شیعه، شهرت یافت. (۲۱۲)

وی علاوه بر اقامه جماعت، به تدریس و تألیف و وعظ و ارشاد هم اشتغال داشت و از علمای بزرگ کربلا به شمار می رفت. (۲۱۳)

بازگشت به قم

آیه الله حایری قمی، در سال ۱۳۴۹ ق که پنجاه ساله بود، به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام، به سوی ایران حرکت کرد. در مشهد مقدس، چندی نزد مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی میهمان بود.

مرحوم طباطبایی قمی، وی را به بازگشت به زادگاهش _ که در آن زمان دارای حوزه ای باشکوه و آبرومند گردیده و از طرفی با توطئه های

ص: ۱۱۶

گوناگون رژیم پهلوی برای تضعیف و نابودی آن، رو به رو بود. _ بسیار ترغیب نمود. این عوامل باعث شد که ایشان در همان سال، به قم بازگردد و به درخواست زعیم حوزه، آیه الله العظمی حایری یزدی، در قم ماندگار شود و به خدمات دینی بپردازد. (۲۱۴)

تدریس

برنامه مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی از همان اوان ورود به قم، این بود که شب ها به اقامه نماز در مدرسه فیضیه و پس از نماز به تدریس خارج فقه و اصول می پرداخت.

در این زمینه سید علی رضا ریحان یزدی می نویسد:

«... معظم له از علمای نجف اشرفند و به تازگی به وطن اصلی خود مراجعت کرده اند. شب ها بعد از نماز، در مدرسه فیضیه، مجلس درسشان منعقد می شود و تخصص جناب ایشان، در علم اصول است.» (۲۱۵)

علامه تهرانی هم می فرماید:

«... وی شأن و جایگاهی بلند در حوزه داشت و طلاب به وی، علاقه فراوان و به درس و بحثش، شوق بسیار داشتند...» (۲۱۶)

مرحوم ناصر الشریعه هم می نویسد:

«... وی از بزرگان علما و مدرسین این سرزمین بود... جماعتی زیاد به درس و نماز او حاضر می شدند...» (۲۱۷)

ص: ۱۱۷

برخی از شاگردان آن فقیه بزرگ، که در «آینه دانشوران» آمده است، عبارتند از حضرات آیات:

۱. شیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی.
۲. شیخ مرتضی انصاری قمی (۱۳۲۲_۱۳۹۱ ق).
۳. حاج سید سجاد علوی گرگانی (۱۳۲۲_۱۴۰۷ ق).
۴. شیخ محمد فکور یزدی.
۵. شیخ محمد باقر شریعتی اصفهانی.
۶. سید مرتضی علوی فریدنی.
۷. سید مهدی هاشمی شاهرودی.
۸. شیخ عباس صفایی حایری قمی، فرزند معظم له، (۱۳۳۲ _ ۱۳۹۹ ق).
۹. میرزا عباس مستقیم قمی.
۱۰. شیخ یحیی فاضل همدانی.
۱۱. میرزا علی اصغر شفیعی همدانی.
۱۲. میرزا محسن ضیایی همدانی.
۱۳. شیخ محمد باقر سعیدی رانکوهی.
۱۴. شیخ عبد الرحیم تنکابنی.
۱۵. شیخ ابو القاسم فروغی شاهرودی.
۱۶. شیخ محمد رفیعی طالقانی.
۱۷. سید حسین بحرینی.
۱۸. سید محمد ابو هاشم رشتی.

۱۹. سید شفیع واحدی رشتی.

۲۰. شیخ محمد تقی لنگرودی املشی.

۲۱. آقا محمد کاجی همدانی.

۲۲. سید محمد باقر سلطانی طباطبایی (۱۳۳۲_۱۴۱۸ ق).

تألیفات

آن فقیه بزرگ، به جز تدریس و تربیت شاگردان، دارای تألیفات بسیاری در فقه و اصول است که عبارتند از:

۱. «مختارات الاصول» یک دوره اصول به سبک جدید است و در دو جلد به چاپ رسیده است. (۲۱۸)

۲. «حاشیه بر کفایه» (دو جلد و مطبوع سال ۱۳۴۴ ق). این حاشیه بر آمده از درس اصول میرزای شیرازی و آخوند خراسانی است. (۲۱۹)

۳. «ردّ بر وهابیت» (چاپ شده). (۲۲۰)

۴. «تقریرات درس اصول آخوند خراسانی» (اصول عملیه). (۲۲۱)

۵. «اجتهاد و تقلید» این کتاب همراه با «مختارات الاصول» به چاپ رسیده است. (۲۲۲)

۶. «تعادل و تراجیح» که همراه با «مختارات الاصول» به چاپ رسیده است. (۲۲۳)

۷. «رساله در بطلان ترتّب». (۲۲۴)

۸. «کتاب الطهاره». (۲۲۵)

۹. «کتاب الصلاه». (۲۲۶)

۱۰. «کتاب الزکاه». (۲۲۷)

۱۱. «کتاب الخمس» (۲۲۸).

۱۲. «شرح استدلالی تبصره المتعلمین»؛ (۲۲۹) که ظاهراً همان کتاب های فقهی بالا باشد.

۱۳. «رساله فی الرضاع» که اتمام آن، در سامرا، در سال ۱۳۲۶ ق. بوده است. (۲۳۰)

۱۴. «رساله فی العداله» (۲۳۱)

۱۵. «رساله فی الوقف» (۲۳۲)

۱۶. «رساله فی العصمه»: این نوشتار، پیرامون عصمت امامان بوده و آن را در ۱۳۴۳ ق، تالیف کرده است. (۲۳۳)

این قبیل کتاب ها باعث شد تا آن مرحوم، پس از وفات آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حایری از سوی برخی، به عنوان مجتهد اعلم مورد توجه و عنایت قرار گیرد (۲۳۴) و چشم های حوزه علمیه برای زعامت حوزه و مرجعیت شیعه، به سوی وی متوجه شود؛ اما افسوس که اجل بدو مهلت نداد و چندی پس از درگذشت آیه الله حایری، او هم بدرود زندگی گفت. (۲۳۵)

از مرحوم آیه الله حایری قمی، به جز تألیفات و شاگردان فراوان، آثار دیگری هم بر جای مانده است؛ از جمله: «مسجد نو» در مقابل قبرستان شیخان کبیر قم. این مسجد که اخیراً به صورت زیبایی تجدید بنا شده است، در یکی از نقاط پر رفت و آمد، نزدیک حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرار گرفته و همواره آکنده از نمازگزاران مقیم و مسافر است.

ص: ۱۲۰

معظم له، عالمی عامل بود و مصداق کامل توقیع شریف «و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولاه فللعوام ان يقلدوه» به شمار می آمد. از حیث مقام علم و دانش، زهد و تقوا در مرتبه ای بلند قرار داشت (۲۳۶) و از ریاست و مرجعیت دوری می جست. لذا از حاشیه بر کتاب های فتوایی خودداری کرد و با این که گروهی بسیار به او روی آوردند، اما خود را در معرض تقلید مردم قرار نداد. (۲۳۷)

او به فرزندش می فرمود:

فرزندم! آیه ای در قرآن است که کمرشکن است و آن، آیه مبارکه «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض ولا فساداً والعاقبة للمتقين رحمهم الله می باشد که خداوند متعال، آخرت را برای کسانی قرار داده که فکر و خیال ریاست و بزرگی را در سر نداشته باشند.

وفات

آیه الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی، پس از درگذشت زعیم حوزه علمیه آیه الله حاج شیخ عبد الکریم، بیش از سه سال زنده نماند و در این مدت هم، مبتلا به کسالت قلبی و بیماری استسقاء بود تا این که در ۶۷ سالگی، در دوشنبه، ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۵۸ ق (برابر با ۱۳۱۸ ش) دار فانی را بدرود گفت.

به دنبال اعلام خبر وفاتش، تمام شهر و حوزه علمیه تعطیل شد و پیکر او به صورت باشکوهی تشییع شد. جسد مطهر آن فقیه ربانی، در مسجد

بالاسر حرم حضرت معصومه علیهاالسلام، در جانب بالای سر آیه الله حایری، به خاک سپرده شد. مجالس بزرگداشت وی، نخست از سوی آیه الله حجت و سپس از طرف آیه الله صدر و سومین روز، از جانب آیه الله سید محمد تقی خوانساری برگزار شد و آن گاه طبقات و اصناف دیگر ختم های متعدد گرفتند. (۲۳۸)

همان گونه که زندگی آن مرد بزرگ موجب برکت برای حوزه علمیه بود، وفاتش نیز برکاتی را فراهم آورد؛ زیرا قرار بود در همان ایام وفات ایشان از سوی رژیم طاغوتی رضاخان، از طلبان حوزه علمیه قم، امتحان گرفته شود تا به بهانه امتحان، حوزه علمیه از میان برداشته شود؛ اما با درگذشت آن مرحوم، امتحان دولت در آن سال به تأخیر افتاد و در سال های بعد هم، به کلی بساط امتحان برچیده شد. (۲۳۹)

بازماندگان

از آن فقیه بزرگ، فرزندان بر جای ماند که مشهورترین آنها مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس صفایی حایری (۱۳۲۲- یکشنبه ۴ ذی الحججه الحرام ۱۳۹۸ ق)، از علمای قم است. وی در سامرا متولد شد و تحصیلات خویش را نزد پدر بزرگوارش و آیه الله العظمی حایری فرا گرفت و پس از وفات پدرش، به جای آن مرحوم در مسجد نو، اقامه جماعت نمود و کتاب های بسیار به رشته تحریر درآورد و در ضمن به تدریس فقه و اصول مشغول بود؛ از جمله کتاب هایش:

۱. تاریخ مجاهدات پیامبر اکرم؛ ۲. تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر؛ ۳. تاریخ امیرالمؤمنین؛ ۴. تاریخ حضرت سید الشهداء علیه السلام، (در ۲

ص: ۱۲۲

از کتاب های غیر چاپی ایشان هم می توان از: «حاشیه بر عروه»، «کتاب الطهاره»، «کتاب الصلاه»، «کتاب الخمس» و «اصول الفقه» نام برد.

فرزند دیگر ایشان، مرحوم استاد حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی صفایی حایری بود که از شاعران و فضیلاب مشهور حوزه علمیه قم به شمار می رفت. وی نیز از شاگردان پدر بزرگوارش بود و کتاب های بسیاری نگاشت و طلاب فراوانی را پرورش داد.

وی در ۴۸ سالگی، در ۲۹ ربیع الاول ۱۴۲۰ در راه زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در اثر تصادف، بدرود حیات گفت. (۲۴۱)*

پی نوشت ها:

* ر.ک: ستارگان حرم، ج ۱۰، زندگینامه مرحوم علی صفایی حایری.

۲۴۲ _ الذریعه، ج ۶، ص ۱۸۷ و آینه دانشوران، ص ۷۸ (و یا متولد سال ۱۲۹۹ ق. ر.ک: آثارالحجه، ج ۱، ص ۱۱۶ و رجال قم، ص ۱۵۳).

۲۴۳ و ۲۴۴ _ نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.

۲۴۵ _ الذریعه، ج ۲۰، ص ۱۶۷.

۲۴۶ و ۲۴۷ _ آثارالحجه، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲۴۸ _ تاریخ قم، ص ۲۸۲.

۲۴۹ و ۲۵۰ _ نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.

۲۵۱ _ آینه دانشوران، ص ۷۹.

۲۵۲ _ نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.

۲۵۳ _ تاریخ قم، ص ۲۸۳.

۲۵۴ _ الذریعه، ج ۲۰، ص ۱۶۷.

۲۵۵ _ همان، ج ۶، ص ۱۸۸.

٢٥٦ _ نقباء البشر، ج ٤، ص ١٣٦٨.

٢٥٧ _ همان، ج ٤، ص ١٣٦٩.

٢٥٨ و ٢٥٩ _ الذريعة، ج ٢٠، ص ١٦٧.

ص: ١٢٣

۲۶۰ _ مع علماء النجف، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲۶۱ تا ۲۲ _ همان، به نقل از نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.

۲۶۲ _ نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.

۲۶۳ _ رجال قم، ص ۱۵۳ و تاریخ قم، ص ۲۸۳.

۲۶۴ _ الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

۲۶۵ و ۲۶۶ _ نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.

۲۶۷ _ الذریعه، ج ۱۵، ص ۲۷۳.

۲۶۸ _ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲۶۹ و ۲۷۰ _ آثارالحجه، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲۷۱ _ میراث اسلامی ایران، ج ۱۰، ص ۱۲۷.

۲۷۲ و ۲۷۳ _ آثارالحجه، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲۷۴ _ همان، ج ۲، ص ۵۵؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۱۸۹؛ آینه دانشوران، ص ۲۵۳ و رجال قم، ص ۱۲۵.

۲۷۵ _ مجله آینه پژوهش، ش ۵۹، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

منابع:

۱. آثار الحججه یا تاریخ و دائره المعارف حوزه علمیه قم، محمد شریف رازی، قم، کتابفروشی برقی، ۱۳۳۲ ش، ج ۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، پاورقی و اضافات: ناصر باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۲ ش، ص ۷۸ و ۷۹.

۳. الاجازه الکبیره، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، تدوین: محمد سمایی حایری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ص ۲۰۶.

۴. تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشریعه، پاورقی و اضافات: علی دوانی، قم، دارالفکر، ۱۳۴۲ ش، ص ۲۸۲.

۵. الذریعه الی تصانیف الشیعه، علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق. (مجلدات مختلف)

۶. رجال قم، سید محمد مقدس زاده، تهران، چاپخانه مهر ایران، ۱۳۳۵ ش، ص ۱۵۳.

۷. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ ش، ج ۱، ص ۳۳۵.

۸. مع علماء النجف، سید محمد غروی، بیروت، دارالثقلین، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۴۳۷.

۹. معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام. محمد هادی امینی نجفی، ج ۳،

ص: ۱۲۴

ص ۱۰۱۴.

۱۰. معجم المؤلفين العراقيين، كودكيس عواد، ج ۳، ص ۲۱۷.

۱۱. معجم المطبوعات النجفيه، محمد هادي اميني نجفي، ص ۱۴۵ و ۲۸۶

۱۲. نقباء البشر في القرن الرابع عشر، شيخ آقا بزرگ تهراني، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۳۶۸.

ص: ۱۲۵

ص ...

ج-ای عکس

آیت الله

حاج میرزا علی احمدی میانجی

ص: ۱۲۸

مرحوم آخوند ملاعلی، جد دوم آیت الله احمدی میانجی به شمار می آید. او در روستای جهندنیر، از توابع شمالی شهرستان میانه دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همان جا سپری کرد. سپس جهت تحصیل علوم دینی، راهی حوزه علمیه تبریز شد. با فقر و تنگدستی شدید به تحصیلات حوزوی پرداخت. چون خط خوشی داشت، به ناچار با خطاطی و استنساخ متون درسی حوزه، بخشی از نیازهای مادی خود را تأمین می ساخت. وی با وجود مشکلات مادی، تا حدودی توانست به مراتب خوبی از علوم اسلامی دست یابد؛ چنان که در رشته هایی مانند: ادبیات عرب، معانی و بیان، فقه و اصول زحمات زیادی کشید و در بُعد

اعتقادی به کتاب «عده الداعی و نجاح الساعی» علامه حلی حاشیه زد و درباره امامت نیز جزوه های نوشت.

او مدتی بعد به زادگاه خود بازگشت و در منطقه گرمرود و روستاهای آن، به تبلیغ دین و خدمت به مردم پرداخت. تا این که یک سال به دلایل نامعلومی به منطقه «اوج تپه» از توابع غربی شهرستان میانه به روستای «پورسخلو» رفت. رفتار و کردار و فعالیت های وی، با استقبال و پسند مردم آن روستا مواجه شد و به درخواست آنان، مرحوم ملاعلی برای همیشه در آن روستا ماندگار گردید و همت خود را در جهت رسیدگی به امور مذهبی و رفع مشکلات روزمره مردم معطوف ساخت.

او در رفتار و کردار و در عبادت و بندگی سرمشق بود؛ چنان که مردم منطقه به شدت تحت تأثیر این بُعد از شخصیت وی قرار گرفتند و پس از درگذشت آن عالم ربانی، محل عبادت و سکونت او را مورد تبرک و نذر و نیاز خود قرار دادند.

از وی دست نوشته هایی ارزشمند به صورت استنساخ از کتاب «شرح لمعه»، «شرایع الاسلام» و قسمتی از «تفسیر صافی» به جای مانده است.

مرحوم ملاعلی، دو فرزند پسر به نام های محمود و احمد داشت، که هر دو راه پدر را پیش گرفتند و به تحصیل علم و دانش روی آوردند و در تبلیغ دین و هدایت مردم منطقه، نقش به سزایی داشتند.

حجه الاسلام و المسلمین شیخ احمد فرزند کوچک پدر (جدّ اول آیت الله احمدی میانجی)، بیش از برادر بزرگش محمود به فراگیری علوم اسلامی علاقه نشان داد. لذا به آموخته های خود در خدمت پدر بسنده نکرد و به حوزه علمیه تبریز هجرت نمود. با تلاش پی گیر خود به مراتب

بالایی از علوم و فضایل اخلاقی رسید؛ به طوری که پس از بازگشت به روستای خود، مردم میانه از وی خواستند که بدانجا هجرت کند؛ اما او به دلایلی منطقه و زادگاه خود را مقدم داشت و در آنجا، علاوه بر رسیدگی به امور مذهبی، سیاسی و اجتماعی مردم، به کشاورزی نیز اشتغال داشت. او پس از سال‌ها تلاش و خدمت در سال ۱۳۳۶ ه. ق درگذشت. (۲۷۶)

پدر و مادر

ثقه الاسلام ملاحسینعلی احمدی (فرزند حجه الاسلام شیخ احمد)، پدر آیت الله احمدی میانجی است. او در همان روستای پورسخلو به دنیا آمد. پس از دوران کودکی با تشویق و همت پدر در سال ۱۳۳۱ ق، رهسپار حوزه علمیه تبریز شد. حدود پنج سال در آن مرکز علمی به تحصیل پرداخت و از محضرت اساتیدی مانند آیت الله آقا میرزا خلیل مجتهد تا سطح شرح لمعه فیض برد. همزمان با درگذشت پدر که مصادف با سال ۱۳۳۶ بود، به منطقه بازگشت و به جای پدر مسئولیت رهبری و هدایت مردم را بر دوش گرفت. چون از روحیه اجتماعی خوبی برخوردار بود، در مدت کوتاهی توانست به امور تبلیغی، فرهنگی و مذهبی توسعه و کارایی بیشتر و بهتر بدهد. قدرت و نفوذ معنوی وی در منطقه به قدری چشمگیر بود که افراد شرور و خوانین از برخوردهای صریح و ظلم ستیز او در هراس و اضطراب بودند و هرگز نمی توانستند پای خود را از گلیم خویش بیشتر دراز کنند؛ چنان که نقش تاریخی وی در غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۵ ش، در جهت هدایت مردم و مبارزه آنان با مسلک کمونیستی بر

ص: ۱۳۱

آیت الله احمدی میانجی، در یادداشت های پراکنده خود ویژگی های اخلاقی و فعالیت های اجتماعی پدر را چنین بیان می کند:

«... مادرم از فرزندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و مرحوم پدرم طبق نوشته خودش، که در آخر جلد دوم «شرح لمعه» آمده، در سال ۱۳۳۵ ق «شرح لمعه» می خوانده است و در سال ۱۳۳۶ ق. که قحطی بزرگ اتفاق افتاد و پدرم ترک تحصیل نموده و مشغول تبلیغ و خدمت در محل شده است. پدرم خود زارع بود و کشاورزی داشت. خود در باغ ها در آبیاری کردن و حفر چشمه ها و درختکاری، و وقت خرمن کوبیدن گندم، کار می کرد و هر سال زکات و خمس می داد.

در ایام ماه رمضان و محرم منبر می رفت و در طول سال به کارهای شرعی مردم، تبلیغ احکام، رفع منازعات و اصلاح بین الناس می پرداخت. به حضرت امام حسین علیه السلام علاقه خاصی داشت. گاهی تنها برای خودش روزه می خواند و گریه می کرد. حتی در صحرا و در باغ، هنگام کار کردن، و در مجالس مختلف که برای مردم صحبت می نمود، در آخر روزه می خواند.

من در ایشان حرص بر دنیا، و حسد به هم نوع ندیدم؛ بلکه بر عکس، خدمت به هم نوع و احترام را لازم می دید و در رفع حوایج مردم کوشش می کرد...»

او در اواخر عمر، به شهر میانه رفته و در همانجا ماندگار شد. بعد از اندکی در سال ۱۳۵۱ ش، چشم از جهان فرو بست. پیکر این عالم پر تلاش به شهر قم انتقال داده شد و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

آیت الله علی احمدی میانجی، چهارم محرم الحرام ۱۳۴۵ ه. ق (۱۳۰۶ ش) در روستای پورسخلو دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم کاملاً تربیت اسلامی یافت. وی آموزش کتاب های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشآت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود.

استاد دلسوز

سال ۱۳۵۸ ه. ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می داند، تعلیم و تربیت کند.

این روحانی ربّانی، مرحوم حضرت آیت الله آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت الله آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود. (۲۷۸) او با مشورت و هدایت آیت الله حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند.

ص: ۱۳۳

لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت الله احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

آیت الله احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب ها در منزل استاد به سر می برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت الله حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.

استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. آیت الله میانجی با اشاره به همین زحمات استاد می نویسد:

«... انصافاً ایشان در راه تحصیل حقیر، بسیار زحمت کشیده اند. جزاه الله خیراً...»

بنا به نوشته آیت الله احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می کرد. بعد چند حدیث یاد می داد و سپس درس روز گذشته را می پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می کرد.

او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت الله آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجه الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در

مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید.

دومین راهنما

آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی دومین استاد وی در میانه به شمار می آید. حاج شیخ لطفعلی، برادرزاده آیت الله میرزا رضی زنوزی تبریزی است. در نجف اشرف از محضر آیات عظام: نایینی، ایروانی و کاشف الغطا استفاده شایان برد و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی نیز هم بحث و هم درس شد. وی مجتهدی مسلم و از علمای بزرگ تبریز محسوب می شد؛ اما به دلیل آن که در شهر میانه ساکن بود، قدر و منزلت وی در محافل علمی شناخته نشد. ضمناً ایشان در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می کرد. (۲۷۹)

به هر حال ایشان نیز با مشاهده استعداد و ضمیر پاک آیت الله احمدی به گوهر وجودی او پی برد. لذا برای جلوگیری از ضایع شدن استعداد شاگردش، توقف بیش از پنج سال در حوزه میانه را به صلاح وی ندانست. بدین جهت به آیت الله احمدی پیشنهاد کرد که هر چه زودتر به یکی از حوزه های قوی و مهم هجرت کند. آیت الله احمدی، این پیشنهاد را چندان جدی نگرفت؛ ولی آیت الله زنوزی که موضوع را همچنان پی گیری می کرد، با مساعدت آیت الله حجتی، وی را به این مهم ملزم ساخت. نامه ای به علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان)، که در تبریز بود، نوشت و از ایشان خواست تا مقدمات تحصیلات سطوح عالی را در آن شهر برای آیت الله احمدی فراهم کند. بدین ترتیب آیت الله احمدی،

ص: ۱۳۵

در سال ۱۳۲۳ ه. ش بنا به اصرار آیت الله زنوزی، عازم حوزه تبریز شد و در مدرسه «حسن پاشا» ساکن گردید. ایشان خود در این باره نقل می کرد:

«... بعد از استقرار در مدرسه، خواستم به خدمت علامه طباطبایی برسم و نامه را تقدیم کنم. لذا از طلاب و اساتید و سایر علمای شهر، آدرس منزل ایشان را خواستم؛ اما هیچ کس ایشان را نمی شناختند و می گفتند ما تا به حال یک همچون اسمی و شخصی را نشنیده و ندیده ایم. به مدارس دیگر مانند طالبیه رفتم، آنها هم چنین گفتند. چند روز به همین سبب معطل شدم تا این که بالا-خره پس از مدتی با مشقت بسیار آدرس منزل ایشان را به دست آوردم. فوری به خدمتشان رسیدم و نامه را تحویل دادم. ایشان مرا مورد لطف قرار داد و به آیت الله میرزا رضی زنوزی که در آن ایام از مدرسین بزرگ حوزه تبریز بود، معرفی کرد...» (۲۸۰)

آیت الله احمدی، در مدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت الله میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد.

تشریف به قم

آیت الله احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بار یافت. بعد در یکی از حجره های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت الله سید حسین قاضی آموخت. (۲۸۱) و بخش دیگری از آن

ص: ۱۳۶

را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.

آیت الله احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملک یاد گرفت. (۲۸۲) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد (۲۸۳) و علامه طباطبایی رحمه الله بهره می جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره ها برد.

آیت الله احمدی درباره آشنایی خود با علامه نقل می کرد:

«اوائل، با این که از طریق مرحوم آیت الله زنوزی به ایشان معرفی شده بودم، اما چندان توجهی به من نمی کردند تا این که بعداً مانوس شدیم و رفت و آمدم به خدمت ایشان زیاد شد و معظم له نیز به بنده لطف داشتند. ولی همیشه در ذهنم بود که چرا آقای طباطبایی در اوایل این طور برخورد می کردند؟ یک روز که فرصتی پیش آمد، این سؤال را با ایشان در میان گذاشتم، فرمودند: اول تصورم این بود که می خواهید بی جهت وقت مرا بگیرید و عمر خودتان را هم ضایع کنید. این بود که نمی خواستم این طور بشود. اما بعد دریافتم این طور نیست. لذا نظرم عوض شد...» (۲۸۴)

آیت الله احمدی، در بُعد اخلاقی به شدت تحت تأثیر شخصیت علامه طباطبایی بود و گاه از ایشان نکات اخلاقی ظریفی را نقل می کرد و

ص: ۱۳۷

به متانت، وقار و ادب استاد عنایت خاص داشت. نمونه هایی را در این رابطه بیان می نمود که در بخش های آینده به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

تشکیل محفل تفسیری

او در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسوی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت الله احمدی تأسف می خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می فرمود:

به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه ای از قرآن، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.

گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می دادند که در نهایت جمع بندی بحث ها را مشکل می کرد. در این مورد آیت الله احمدی نقل می کرد:

«من هنگام جمع بندی جلسه به شوخی می گفتم: یک فایده

جلسه تفسیر ما این است که با این اشکالات و مباحثات، آیات محکمه خداوند، متشابه می شود؛ چون آقایان آن قدر دقت و موشکافی می کردند که آن احتمال و نظری که انسان هنگام مطالعه داشت، از او گرفته می شد.»

اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی یافتند و شخصیت های دیگری می آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت الله احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت الله احمدی، یادداشت هایی از این جلسات به جای مانده است.

مدرس فقه و معلم اخلاق

وی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس های پیشین را به طلاب و فضیلاب پایین تر از خود می آموخت. آیت الله احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده ای تدریس می نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت الله قدوسی در مدرسه حقانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می شد.

علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی

ص: ۱۳۹

داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی ها، دعوت می شد و برای طلاب و فضلا در سطح های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه ای توأم بود، ارائه می داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.

در خدمت امام و انقلاب

سال ۱۳۴۱، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت الله احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح الله خمینی و سایر مراجع معظم می رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم میانه می شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان های نهضت اسلامی گام های مؤثر و بلندی برداشت.

آیت الله احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می کرد به دور از احساسات و افراط کاری ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می نمود.

عید نوروز و خرداد سال ۱۳۴۲، که به فرمان حضرت امام خمینی، در

سرتاسر کشور عزای عمومی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایت های رژیم پردازد، آیت الله احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد همانگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت، چنانکه در یکی از گزارش های اسناد ساواک آمده است:

شهربانی کل اطلاعات

آقای میرزا علی احمدی _ یکی از وعاظان مبرز و سخنور این شهرستان شمار می رود که به تازگی برای عزاداری از قم وارد شده بود، پیوسته اعمال و رفتار و مراوده وی زیر نظر مأمورین مربوطه قرار و در نتیجه معلوم گردید، نامبرده از طرفداران آیت الله خمینی بوده که برای انجام مأموریت وارد شده تا این که با تبانی و تشریک مساعی آقایان امام جمعه و فرماندار، اخیراً از میانه خارج، به قم یا به کرج عزیمت نموده است.

۵ / ۱۱ / ۱۳۴۲۹ / ۳ / ۲۰

سروان سمیعی رئیس شهربانی میانه (۲۸۵)

پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، که منجر به دستگیری حضرت امام خمینی شد و دولت، ایشان را به اصطلاح به اعدام محکوم کرد، مراجع بزرگ و علمای اعلام به عنوان اعتراض، از استان ها و شهرستان های مختلف کشور به سمت تهران سرازیر شدند و به تحصن نشستند. به دنبال آن، آیت الله احمدی نیز از قم به تهران آمد و به جمع علمای مهاجر و متحصن پیوست. این حرکت، در آن فضای اختناق، نسبت به

ص: ۱۴۱

شخصیت های درجه دو و سه، کار بسیار خطرناکی به شمار می رفت و شجاعت بیشتر می طلبید.

وقتی نهضت پرشکوه اسلامی در آبان سال ۱۳۵۶، با شهادت حاج آقا مصطفی خمینی به اوج خود رسیده بود، او نیز در این مقطع به صحنه آمد و به مبارزات خود عمق بیشتری بخشید. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، همواره در مراحل مختلف انقلاب اسلامی، بخصوص با صدور اطلاعیه ها و بیانیه های روشنگرانه خود، در جهت بیداری افکار عمومی و پشتیبانی از نهضت الهی امام خمینی قدس سره سهم به سزایی داشته است. در این میان از جمله اعلامیه تاریخی جامعه مدرسین در مورد خلع سلطنت از شاه بود که امضای این عالم مجاهد را نیز در آن مشاهده می کنیم. (۲۸۶)

ایشان که عرصه مبارزه را بسیار فراتر از حد صدور اعلامیه ها می دید، در شهر خود، «میانه» نیز از ستیز با طاغوت غفلت نمی ورزید و در سنگر انجمن دین و دانش، مدرسه علمیه و مسجد آقا یارسلطان، به ایفای نقش می پرداخت؛ چنان که در بخشی از صورتجلسه «شورای هماهنگی تأمین شهرستان میانه» مورخه ۱۷ / ۹ / ۱۳۵۶ که با حضور فرماندار، رئیس شهربانی، فرماندهان پادگان و ژاندارمری، جهت زمینه سازی برای دستگیری ایشان و روحانی مبارز شهر حاج سید سجاد حججی، تشکیل شده بود، چنین آمده است:

«... ۲ _ آقای میرزا علی احمدی که از قم آمده و در منزل برادرش سکونت دارد که نامبرده در دین و دانش و مساجد، تبلیغات وسیعی را بر علیه رژیم و قانون اساسی و تخریب و آتش سوزی اماکن عمومی شروع و ادامه می دهد و همه مردم را به عناوین

ص: ۱۴۲

مختلف جمع نموده؛ مخصوصاً دانش آموزان و جوانان را به تظاهرات و قیام مسلحانه ترغیب و تحریک می نماید و توسط همین اشخاص بارها وسایل موتوری نیروهای انتظامی تخریب و مأمورین به وسیله پرتاب سنگ مجروح که نامبردگان دستگیر و توسط مأمورین اعزامی بدرقه و معرفی می شدند...»

در پی این نشست، بلافاصله حکم دستگیری آیت الله احمدی به جرم (به اصطلاح) اخلال در نظم و امنیت و ایجاد اغتشاش در منطقه، صادر شد. ساعت ۳ بامداد روز شنبه، هشتم محرم سال ۱۳۵۷ مزدوران ساواک مغول وار به منزل وی هجوم بردند، در حیاط و پنجره ها را شکسته و وارد اتاق خواب شدند. ایشان را با لباس خواب و با اهانت و جسارت و ضرب و شتم به وسیله قنடاق تفنگ به کوچه کشاندند و در سرمای آذر ۵۷، با خودروی ارتش او را به پاسگاه ژاندارمری انتقال دادند. با فاصله اندکی، روحانی مبارز، حاج سید سجاد حججی را نیز با همان وضع دستگیر می نمایند و هر دو را به صورت اهانت آمیزی با خودروی روباز ارتشی روانه تبریز کردند که شرح و تفصیل آن در این مختصر نمی گنجد. (۲۸۷)

همچنان در صحنه

این عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی ناپذیر خود در عرصه های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست؛ چنان که حضرت امام خمینی قدس سره طی سه حکم جداگانه در تاریخ های: ۱۹ فروردین، ۷ تیر و ۷

ص: ۱۴۳

شهریور ۱۳۵۸ وی را به عنوان قاضی شرع، مسؤول رسیدگی به امور دادگاه ها و ساماندهی اوضاع جاری مناطق و برای رفع مشکلات و ایجاد وحدت میان اقشار مختلف به ترتیب در شهرهای: «ملایر و حومه»، «میانه و شهرهای اطراف» و «مشکین شهر و حومه» منصوب کردند. به عنوان نمونه، متن یکی از این احکام را در ذیل می آوریم:

بسمه تعالی

جناب حجه الاسلام آقای احمدی میانجی دامت افاضاته

مقتضی است جنابعالی مسافرتی به شهر ملایر و شهرهای دیگر آن ناحیه نموده و نسبت به کار کمیته ها و اصلاح امور آنها و هم چنین اصلاح و تنظیم سایر امور اقدام لازم را بنمایید و چنانچه لازم بود متصدی مقام قضاوت شرعیه بشوید و ضمناً مردم آن ناحیه را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده و از اختلاف و تفرقه بر حذر دارید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم و السلام علیکم و رحمه الله

روح الله الموسوی الخمینی (۲۸۸)

علاوه بر آن، وی طی حکم های متعدد از سوی «دفتر عملیاتی حضرت امام خمینی قدس سره» مستقر در قم، «دفتر جامعه مدرسین» و «دادسرای انقلاب کل کشور» به عنوان سرپرست هیأت های منتخب، جهت رسیدگی به وضع داسراها و دادگاه های انقلاب و سایر امور جاری به استان های: خوزستان، لرستان و آذربایجان غربی عازم شد و به نحو مقتضی انجام وظیفه نمود.

آیت الله احمدی در رخدادهای مهم کشور از جمله: انتخابات خبرگان

ص: ۱۴۴

قانون اساسی، غائله حزب جمهوری خلق مسلمان، ماجراهای بنی صدر و منافقین، به طور جانانه در دفاع از حریم انقلاب و ولایت فقیه وارد صحنه می شد و با اقدامات سریع و به موقع خود جلوی بسیاری از توطئه ها و ترفندهای دشمن در منطقه میانه و حومه را می گرفت.

او درباره انقلاب و رهبری بسیار دقیق و ظریف عمل می کرد. هر گاه حرکت یا حرفی را در جهت تضعیف نظام و رهبری تشخیص می داد، از آن دوری می جست و مصلحت آن دو را در هر شرایطی بر همه چیز و همه کس ترجیح می داد. خاطره ذیل همین عملکرد ظریف و بسیار سنجیده ایشان درباره نظام و رهبری را نشان می دهد.

ایشان یک باری از جانب بعثه حضرت امام خمینی قدس سره و بعد از آن از سوی بعثه مقام معظم رهبری به شرکت در مراسم حج دعوت شد؛ اما به سبب موانعی، از جمله پرستاری از مادر پیر و تنهایی همسر، نتوانست این دعوت را اجابت کند. چند سال بعد، از طرف بعثه یکی از مراجع تقلید نیز این دعوت انجام پذیرفت؛ اما او با این که این بار مشکل چندانی نداشت، ولی این دعوت را هم نپذیرفت و گفت:

چون نتوانستم در خدمت بعثه حضرت امام و آیت الله خامنه ای باشم، بنابراین در این بعثه نیز نمی توانم حاضر شوم.

فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی

عمده خدمات فرهنگی _ اجتماعی مرحوم آیت الله احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:

الف) میانه:

ص: ۱۴۵

در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت های روحانی مانند آیت الله شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارس ملی به نام های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت الله احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.

در سال ۱۳۴۸ آیت الله احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی _ مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانان دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.

مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همت آیت الله احمدی و با همیاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.

مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، اما صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از ۳۰ سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می کند.

ب) قم:

صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء علیهاالسلام و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می آیند که آیت الله احمدی جزء مؤسسين پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.

اشتیاق آیت الله احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بود که محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می شد.

غمخوار در ماندگان

نوع فعالیت های اجتماعی آیت الله احمدی به خوبی نشان می دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبر گونه، برایشان ملموس و عیان بود. او همواره این شعر پروین اعتصامی را بر لب زمزمه می کرد که:

شنیده اید که آسایش بزرگان چیست برای خاطر بیچارگان نیاسودن

او بحق آسایش خود را تنها در شادی و راحتی محرومان می دید. حاج محمد ولی طیبی از معتمدین بازار و اعضای هیأت رئیسه صندوق قرض

ص: ۱۴۷

الحسنه مهديه در ميانه مي گفت:

«... پيش از انقلاب، ايامي كه حاج ميرزا علي آقا احمدی از قم به ميانه تشریف مي آوردند، جلسات هفتگي صندوق مهديه با حضور ايشان برگزار مي شد. در يكي از همين روزها قرار شد يك جلسه در مغازه مرحوم حاج ميربابا سیدی، يكي ديگر از اعضا و از ريش سفيدان بازار تشكيل بشود. من سر ساعت مقرر رفتم. ديدم هنوز كسي از اعضاي صندوق نيامده است تنها، شاگرد مغازه بود. وقتي داخل مغازه شدم، ديدم كه حاج ميرزا علي آقا هم تشریف آورده و بر صندلي نشسته و مشغول نوشتن چيزي بر روي يك كاغذ هستند. جلو رفتم. پس از سلام و احوالپرسی، نشستيم. حاج آقا كاغذ را جلويم گذاشتند. ديدم همان يك بيت شعر پروين اعتصامي را با خط درست بر روي آن نوشته اند. سپس اعضاي محترم صندوق يكي پس از ديگري آمدند و حاج آقا موضوع صحبت خويش را همان يك بيت شعر قرار دادند و اداره جلسه را بر عهده گرفتند.

ايشان در اغلب توصيه هاي خود، بر اخلاص تأكيد بيشتري داشتند و همواره مي فرمودند: هر چه در بازار و جاي ديگر، اعتبار و آبرو داريد، بياوريد، براي خدا در اين صندوق خرج كنيد، بعد اضافه مي كردند: مبادا بر عكس عمل كنيد و از اعتبار و نام و نشان صندوق براي خود اعتبار و حيثيت كسب كنيد.»

آثار ماندگار

آيت الله احمدی میانجی، در وادی قلم و تحقیق نیز به حق نبوغ،

ص: ۱۴۸

نوآوری، استعداد و تلاش طاقت فرسای خود را به وضوح در معرض دید و قضاوت تاریخ گذاشته است. آثار این دانشمند فرزانه از جهات مختلف قابل توجه و تأمل می باشد.

۱. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می دهد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تدریس می کنند؛ اما آیت الله احمدی از نادر شخصیت هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.

کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت الله احمدی است.

۲. در آثار این عالم سختکوش، موضوعات و مسائل تکراری کمتر به چشم می خورد. اغلب به موضوعاتی ناب پرداخت شده که تا به امروز یا اصلاً مطرح نبوده و یا اگر هم بوده، چندان مورد توجه لازم و کافی قرار نگرفته است.

۳. اغلب این آثار تا حدودی می تواند برخی از خلأهای موجود در حوزه و جامعه اسلامی را پر کند و به نحوی پاسخی به برخی اشکالات و

رفع برخی ابهامات باشد که انتخاب و تحقیق عمیق در این گونه موارد، حکایت از ذوق سرشار، تعهد و اهداف بلند و والای مؤلف دارد.

اکنون با توجه به امتیازات مذکور که در آثار مکتوب آیت الله احمدی مشهود است، به معرفی اجمالی این آثار می پردازیم:

۱_ مکاتیب الرسول: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته های پیامبر در نزد امامان معصوم علیهم السلام، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان وحی، ویژگی های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت هایی در لابه لای فصول مطرح شده است.

استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم نظیر می باشد.

این کتاب به جهت اهمیت ویژه ای که دارد، بی درنگ مورد استقبال کم نظیر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال ۱۳۳۹، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال ۱۳۷۷ ش، انتشارات دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

ص: ۱۵۰

در ارزش و اهمیت این کتاب همین بس که وقتی آیت الله موسوی اردبیلی، در سال های پیش از انقلاب در قاهره از یک کتاب فروشی معتبر درخواست کتاب باارزشی کرد، فروشنده کتاب بلافاصله «مکاتیب الرسول» را نشان می دهد و خرید و مطالعه آن را به ایشان توصیه می کند؛ و یا شخصیت بزرگی چون امام موسی صدر، «مکاتیب» را از مؤلفش به عنوان هدیه نمی گیرد؛ بلکه آن را از بازار تهیه می کند تا در ترویج آن سهیم باشد. این کتاب با همه دقت هایی که در چاپ آن از سوی انتشارات دارالحدیث انجام گرفته است اما در عین حال به طور پراکنده، اغلاط املائی و چاپی در آن مشاهده می شود، که امید است در چاپ های آینده برطرف گردد.

۲_ مواقف الشیعه: این کتاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اصحاب امامان معصوم علیهم السلام، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت های بزرگ شیعه در طول تاریخ می باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می دارد:

«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی یابد و برایش روشن می شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و

مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می کردند و همه این امتیازات را هم از اهل بیت علیهم السلام گرفته اند. نیز می فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ یک این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»

این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست _ به همین سبب بعضاً پراکنندگی و تکرار در آن به چشم می خورد و امید است در چاپ های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم نظیر و بدیع می باشد. برای اولین بار سال ۱۳۷۵ ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده و یک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

۳_ التبرک: در سال های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می یافت، آیت الله احمدی با درک ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او در این اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم ها و دسیسه های دشمنان قلمداد می کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.

این کتاب در سال ۱۳۵۶ ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

۴_ الاسیر فی الاسلام: مؤلف در این کتاب ارزشمند نخست در مقدمه، ضمن ارائه مباحثی از قبیل مفهوم قیام، جهاد و دفاع، آداب و احکام جنگ، توصیه های امام علی علیه السلام در جنگ، حقوق حیوانات در اسلام و چگونگی رفتار با اسیران در جنگ های صلیبی، مغول، دولت عثمانی، جنگ جهانی دوم، جنگ کره شمالی و ویتنام با آمریکا، جنگ اسرائیل و جنگ عراق، به چگونگی رفتار ایران با اسیران عراقی در مقایسه با کشورهای دیگر می پردازد، سپس مباحث اصلی کتاب را با موضوعاتی همچون: بحث لغوی جنگ، انگیزه های جنگ، جنگ در تورات و انجیل، وجود دعوت به اسلام، رفتار امام علی علیه السلام با اسیران، اسیر در عصر جاهلیت و اسیر در اسلام مطرح می سازد. آن گاه موضوع اخیر را در دو مقام «گرفتن اسیر از طوائف مختلف کفار» و «احکام اسیران بُغاه» دنبال می کند و در نهایت، کتاب با مباحثی درباره «حقوق اسیر» به پایان می رسد. آیت الله احمدی در هر بخش این کتاب، موضوعات مربوطه را، با آیات، روایات و شواهد تاریخی از سیره امامان معصوم علیهم السلام به هم آمیخته و اضافه بر آن، از منابع اهل سنت نیز بیشترین بهره را برده است.

این کتاب را مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۹ به چاپ رساند و اخیراً نیز آقای محمد احمدی فرزند ایشان آن را ترجمه کرده است که در آینده به چاپ خواهد رسید.

۵_ السجود علی الارض: در این اثر نفیس که شامل بحث های قرآنی،

حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقهاتی خویش را به روشنی به اثبات می رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین علیه السلام با استناد به احادیث مطرح می نماید.

اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یک بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

۶_ مالکیت خصوصی: در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره کشی از ضعیفان است و... آیت الله احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیرامون مالکیت خصوصی در رمضان سال ۱۳۵۹، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می سازد. یادداشت های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال ۱۳۶۱ از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

۷_ احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنه: این کتاب ارزشمند اثر مشترک آیت الله احمدی و مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می آید.

این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت علیهم السلام و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیک به دویست عنوان و اثر معتبر می باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال ۱۳۷۹ ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

۸_ لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی: در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت اسلامی می پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می سازد.

چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال ۱۳۷۴ به

چاپ رسانده است.

۹ و ۱۰ _ حاشیه و تعلیقه بر کتاب های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت الله احمدی به شمار می آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.

اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است. امید است به همت فرزندان برومند و علاقه مندان ایشان در آینده نزدیک، تنظیم و تدوین شده به مرحله چاپ و نشر راه یابند و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گیرند.

حکومت از دیدگاه آیت الله احمدی

یکی از ویژگی های بارز آیت الله احمدی، این بود که مسائل اسلامی را از دیدگاه حکومتی ارزیابی می کرد و اعتقاد داشت که فقه اسلامی و شیعی برای اداره بشر از گهواره تا گور است و می تواند جوامع بشری را به خوبی اداره کند.

او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع

ص: ۱۵۶

خود، کم نظیر و بدیع می باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی فقیه جامع الشرایط اداره شود، به جدّ اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم الاجراء می دانست؛ به طوری که اظهار می داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه اش مشغول خواهد شد.

ایشان در باب اخذ وجوه شرعیه (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می دانست. به همین سبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند.

با توجه به نگرش پویای آیت الله احمدی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند. (۲۸۹)

توصیه های ناب به طلاب

آیت الله احمدی میانجی در بُعد اخلاقی و عرفانی به سطح بسیار والایی نایل گردیده بود. او به عنوان یکی از اساتید بزرگ اخلاق در حوزه علمیه، سیر و سلوک ویژه و منحصر به فردی داشت که البته از قرآن و

سیره امامان معصوم علیه السلام سرچشمه می گرفت. وی هرگز این بُعد از شخصیت ممتاز خویش را بروز نمی داد و در مجالس و محافل عمومی به خصوص هنگام اقامه نماز جماعت، عبادات واجب و مستحب خود را به صورت خیلی ساده و در عین حال دقیق انجام می داد. در طول شصت سال زندگی در قم کوچک ترین تظاهری از این عالم عامل دیده نشد. رابطه عاشقانه و جانسوز خود با خدا را در حد بسیار عمیق همواره در خلوت و به دور از چشم مردم و حتی نزدیکان انجام می داد.

او با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه هایی که در این رابطه به طلاب و فضیله های جوان می کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت الله احمدی هنگامی که می دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می شوند و به قول معروف، می خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی قدس سره و آیت الله بهاء الدینی و یا آیت الله بهجت گردند، سخت نگران می شد و تأسف می خورد و با تذکرات و توصیه های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت الله احمدی همچون پدری مهربان و طیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می ساخت و با توصیه هایی به ظاهر ساده، اما

در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می کرد:

۱ _ سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ ۲ _ از محرمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ ۳ _ از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ ۴ _ خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ ۵ _ خوب درس بخوانید و بعد درس هایتان را خوب بحث کنید؛ ۶ _ در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می توانید به برخی از مستحبات هم پردازید.

آیت الله احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می دانست و همواره اظهار می داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسلام و تشیع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات با استدلال و برهان از حریم اسلام و تشیع دفاع کنند.

و نیز همواره تأکید می کرد:

«طلبه باید اهل مطالعه باشد و بیکار ننشیند؛ حتی اگر مطالعه کتاب «موش و گربه» و یا «نان و حلوا» باشد.»

به همین علت، خود ایشان در شب های قدر ماه مبارک رمضان بعد از این که مقداری از شب را به عبادات و انجام مستحبات می پرداخت، باقیمانده زمان را تا سحرگاه به بحث علمی و مطالعه می گذراند و به طلبه ها هم اجازه نمی داد که در شب های چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف شوند؛ چون شبِ درسی بود؛ در عوض توصیه می کرد که این کار در شب پنجشنبه یا شب جمعه انجام پذیرد تا خلل و صدمه ای به درس و بحثشان وارد نشود و در آینده عالمی فاضل و مایه افتخار برای حضرت حجت _ عجل الله تعالی فرجه الشریف _ باشند.

ص: ۱۵۹

البته بر صاحبان بصیرت پوشیده نیست که این شیوه آیت الله احمدی میانجی بدان رو بود که ایشان مشاهده می کردند که نه تنها طلاب، بلکه بسیاری از مردم، از سویی امور مادی و معنوی خود را با افراط و تفریط انجام می دهند و از سوی دیگر گاه امر مهم و لازمی را فدای امر فرعی و غیرضروری می نمایند.

چنان که در جوامع اسلامی مشاهده می شود که یک عمل مستحب یا واجب مهم نسبت به یک واجب اهم بیشتر مورد توجه قرار می گیرد یا یک عمل مستحب غیر مؤکد، بیش از یک واجب عینی مهم، رواج و رونق می یابد. به قول شهید مطهری برای انجام یک عمل مستحبی، مثل زیارت کربلا، ده ها حرام و گناه کبیره، مانند دروغ و عدم رعایت نوبت و مراعات حقوق دیگران انجام می گیرد، (۲۹۰) که تشخیص این موارد از عمل به وظیفه شرعی نیاز به شناخت صحیح از اسلام و روشن بینی و درایت در امور دارد.

آیت الله احمدی میانجی، از شخصیت های نادری بود که به این موضوع مهم توجه داشت و خود نیز بدان عمل می نمود. چنان که وقتی به سفر حج دعوت شدند، نمی پذیرند و چون فرزندان اصرار می کنند در جواب اظهار می دارد:

«من راضی نیستم به خاطر یک عمل مستحبی، همسرم مجبور شود به خاطر فرار از تنهایی به خانه فرزندان برود.»

پرواز تا بی نهایت

این عالم فرزانه پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و

ص: ۱۶۰

پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی ناپذیر، با حضور مراجع معظّم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امام قم به حرم حضرت معصومه علیهاالسلام تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کریمه اهل بیت علیهم السلام جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد. با درگذشت این عالم ربّانی، از سوی برخی از حضرات آیات عظام و علمای اعلام، پیام ها و بیانیه های تسلیتی صادر شد که در اینجا به ذکر بیانیه آیت الله خامنه ای _ مدّ ظلّه العالی _ اکتفا می کنیم.

متن پیام تسلیت حضرت آیت الله خامنه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسّف فراوان اطلاع یافتم که عالم جلیل القدر و فقیه اخلاقی و پارسا و پرهیزکار آیت الله آقای حاج میرزا علی احمدی میانجی دنیا را بدرود گفته و حوزه ی علمیه ی قم به فقدان این استاد وارسته و با فضیلت، دچار گشته است. ایشان در شمار عالمان و برگزیدگان بودند که علم را با عمل، و تقوا را با جهاد، و فقاہت را با تبلیغ دین، و برجستگی رتبه دانش و تحقیق را با کمال فروتنی و زهد و کم توقعی در هم آمیخته و در عرصه ی دین و معنویت همچون میدان حضور و نشاط انقلابی، از پیشروان و گوی سبقت ربودگان بودند. آزمون شهادت فرزند همچون دیگر محنت های دوران مبارزه ی علمی و جهاد سیاسی، بر صبر و صفا و وارستگی این مرد بزرگ افزوده و

ص: ۱۶۱

اسوه یی برای فضلالی جوان و شاگردان و ارادتمندان ایشان پدید آورده بود. فقدان خسارتبار این روحانی عالی مقام را به حضرت بقیه الله روحی فداه و حوزه ی علمیه ی قم و خاندان محترم و فرزندان مکرم ایشان تسلیت عرض می کنم و علو درجات ملکوتی ایشان را از خداوند رحیم مسئلت می نمایم.

سید علی خامنه ای

۱۳۷۹ / ۶ / ۲۲

پی نوشت ها:

۲۹۱ _ سیمای میانه، خطه ولایت، عبدالرحیم اباذری، انتشارات نبوغ، قم، ۱۳۷۴، ص ۱۹۷.

۲۹۲ _ همان، ص ۲۰۸ و تاریخ انقلاب اسلامی شهرستان میانه، عبدالرحیم اباذری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ فصل اول.

۲۹۳ _ ر.ک: ستارگان حرم، جمعی از نویسندگان، انتشارات زائر، قم، ۱۳۷۹، ج ۷ و سیمای میانه.

۲۹۴ _ برای آگاهی از شرح حال مختصر ایشان ر.ک: سیمای میانه، ص ۲۱۳.

۲۹۵ _ آیت الله احمدی برای نگارنده نقل می کرد: در اوایل، هرگز به منزوی و گمنام بودن علامه طباطبایی توجه نداشتم؛ چون از موقعیت علمی و تقوایی ایشان آگاهی نداشتم و خیال می کردم که آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی مرا به یک روحانی معمولی معرفی کرده است؛ اما وقتی بعدها در قم به خدمتشان رسیدم و استفاده علمی از محضرشان بردم، به گمنامی ایشان در تبریز پی بردم و همواره برایم سؤال بود و تأسف می خوردم که چرا و چگونه عالمی به آن بزرگی و با آن همه معنویت، این چنین منزوی به سر می برد و از محضرش استفاده نمی شد!

۲۹۶ _ آیت الله سید حسینی قاضی در آن وقت یکی از اساتید معروف فقه و اصول در سطح عالی و مورد احترام و قبول بزرگان حوزه علمیه قم بود. وی سال ۱۳۱۷ قمری در شهر تبریز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در آن شهر پیش حاج میرزا علی اصغر ملکی

ص: ۱۶۲

و آیت الله انگجی فرا گرفت. بعد به نجف اشرف هجرت کرد و در آن جا از محضر حضرات آیات عظام: کاشف الغطاء و آقا ضیاء عراقی و ایروانی بهره برد. سپس در مشهد مقدس، در دروس حضرات آیات آقا سید حسین قمی، آقازاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی شرکت نمود و در سال ۱۳۵۴ ه. ق به قم وارد شد و در جوار کریمه اهل بیت علیهم السلام برای خود مسکن همیشگی گزید و ضمن این که از محضر آیت الله حائری یزدی و آیت الله حجت کوه کمره ای استفاده می کرد، تا آخر عمر به تدریس و تربیت شاگرد اشتغال داشت. وی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ چشم از جهان فرو بست و در قبرستان حائری قم به خاک سپرده شد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۲، ص ۲۲۷.

۲۹۷ _ آیت الله میرزا احمد کافی الملک نیز از مدرسین مبرز حوزه علمیه قم در سطوح عالی و خارج اصول بود و در میان حوزویان به زهد، کمال و تقوا شهرت داشت. او از روستای کافی الملک از توابع تبریز بود. دروس مقدماتی را در مدرسه طالبیه تبریز خواند. از شاگردان حضرات آیات: میرزا ابوالحسن انگجی و شهیدی در مکاسب و کفایه بود. فلسفه را هم از مرحوم آقا سید عبدالعظیم در تبریز یاد گرفت. وی در سال ۱۳۵۰ ه. ق به شهر قم هجرت کرد. محضر حضرات آیات عظام: حائری یزدی، خوانساری، حجت را درک نمود و حدود هیجده سال نیز از محضر علمی آیت الله العظمی بروجردی کسب فیض کرد و به مراتب عالی از فقه و اصول رسید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲۹۸ _ مرحوم حضرت آیت الله حاج سید محمد محقق، سال ۱۳۲۵ ه. ق، در احمد آباد اردکان به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در همان محل آموخت. بعد به یزد رفت، از اساتید بزرگ یزد استفاده های شایان برد. سال ۱۳۴۱ ه. ق به قم مهاجرت کرد و در خدمت اغلب بزرگان، مانند: حائری یزدی، خوانساری، حجت، رفیعی قزوینی، سید علی یشربی و... کسب فیض نمود و به مراتب والایی از علم و حکمت رسید. او چون داماد حضرت آیت الله حائری بود، در میان فضلا و طلاب به محقق داماد شهرت یافت. او یکی از شخصیت های بارز علمی در حوزه به حساب می آمد و درس خارج معظم له از ویژگی های خاصی برخوردار بود و فضایی مانند: شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید مطهری، شهید مفتح، شهید قدوسی، شهید حاج آقا مصطفی خمینی و آیات دیگر مانند: جوادی آملی، موسی زنجانی، مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، حسین مظاهری، محمد مؤمن، طاهری اصفهانی و... می توانستند در آن شرکت جویند.

او پس از سال‌ها تلاش، تعلیم و تربیت شخصیت‌های بزرگ علمی و با تألیفات ارزشمند، روز چهارشنبه دوم ذی‌الحجه ۱۳۸۸ دارفانی را وداع کرد و در ضلع شرقی صحن مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک سپرده شد. ر.ک: ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲۹۹ _ نقل به مضمون. این مطلب در مواقع متعدد با عبارت‌های مختلف توسط نگارنده از ایشان شنیده شد.

۳۰۰ _ ر.ک: تاریخ انقلاب اسلامی در شهرستان میانه، فصل پنجم.

۳۰۱ _ ر.ک: مجموعه پنج جلدی اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۰۷، ۴۹۱، ۴۵۰، ۲۹۲، ۲۷۲، ۲۶۸، ۵۲۱، ۲۳۹ و ۱۰۶.

۳۰۲ _ ر.ک: تاریخ انقلاب اسلامی در شهرستان میانه، فصل پنجم.

۳۰۳ _ ر.ک: خاطرات آیت‌الله احمدی میانجی، عبدالرحیم اباذری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ که در آنجا متن احکام دیگر نیز موجود است.

۳۰۴ _ برای آگاهی از متن این حکم، ر.ک: روزنامه اطلاعات، ۹ / ۱۰ / ۱۳۷۱ ش ۷ ۱۹۸۰۶

۳۰۵ _ اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۲، ص ۸۳.

ص: ۱۶۴

حسین بن محمد اشعری قمی «استاد کلینی» * * * ابوالحسن ربّانی سبزواری

ص: ۱۶۵

ص ...

ج_ای عکس

حسین بن محمد اشعری قمی

ص: ۱۶۶

هنگامی که یک پژوهشگر، در تاریخ حیات فرهنگی محدثان بلند مرتبه و برگزیده امامان مکتب شیعه مطالعه می کند گاهی به چهره هایی بسیار با صفا و برجسته و اثرگذار، برخورد می کند که در حقیقت آینه تمام نمای کمالات یک انسان بزرگ اند.

یکی از ستارگان آسمان دانش و حدیث حرم اهل بیت علیهم السلام که نامش و روایات او همچنان، از شهرت و آوازه زیادی برخوردار است حسین بن محمد اشعری است. در این کاوش برآنیم که با شناخت بیشتر این چهره شاخص حدیث، راه او را مد نظر خویش قرار داده و در آن مسیر گام برداریم.

ولادت

هنگامی که در کتاب های تراجم به کندوکاو می پردازیم، در می یابیم که در حدود نیمه سده سوم هجری، در خاندان نامور و دانش طلب و فرهنگ دوست اشعری، در شهر قم، کودکی دیده به جهان گشود. او در خانه ای به دنیا آمد که نور تشیع و ایمان و عشق به خاندان وحی، درخشش خیره کننده ای داشت. برای این نورسیده نام حسین را برگزیدند. کنیه اش، ابوعبدالله و شهرتش، اشعری قمی و نام پدرش محمد بن عمران اشعری است. (۳۰۶)

زمان دقیق و قطعی ولادت این محدث بزرگ مرتبه را نمی توان مشخص کرد؛ زیرا در منابع و مدارک دست اول و دیرینه عالمان اسلامی در این زمینه سخن قابل اعتمادی به چشم نمی خورد. با وجود این پاره ای از شواهد و مستندات، مانند مطالعه در زندگی استادان و شاگردان او که در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت، آنچه را که در ابتدا گفتیم، می تواند اثبات کند.

عصر شکوفایی

به هر حال، روزگار طلوع امید بخش این ستاره دانش فقه و حدیث شیعه را، می توان روزگار ظهور مردان بزرگ و فرهیختگان برجسته حدیث، نامید. محدثان و فقهای در این عصر زندگی می کردند که صاحب آثار ارزشمند و والایی در حوزه فقه و حدیث بودند؛ همانند محمد بن

خالد برقی، احمد بن محمد بن خالد برقی (پدیدآورنده کتاب گرانسنگ محاسن، م: ۲۸۱)، استاد مُسَلِّم و فرزانه حدیث شیعه ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی و ده ها محدث نامور دیگر.

حسین بن محمد اشعری، در چنین زمانی ترقی و رشد خود را آغاز کرد و با علوم اهل بیت علیهم السلام آشنا شد. او در صدد برآمد که جان تشنه خویش را با بهره بردن از این سرچشمه های زلال معنویت سیراب سازد و در این مسیر رنج های فراوانی به جان خرید تا این که در سلسله بزرگ ترین محدثان و استادان حدیث شیعی قرار گرفت.

خاندان

بر تمام کسانی که در زمینه تراجم محدثان شیعی قلم می زنند و تحقیق می کنند، آشکار است که اشعریان قم، سهمی به سزا در نشر و گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام و روایات آنان داشته اند. حسین بن محمد در چنین خاندانی دیده به جهان گشود.

در این که پدرش، محمد بن عامر بن عمران قمی، در گروه راویان حدیث شیعی است، تردیدی نیست _ همچنان که ابن قولویه قمی از او حدیث نقل می کند. _، * ولی میزان و جاهت او در این علم چندان معلوم نمی باشد. عموی حسین بن محمد، عبدالله بن عامر است که در ادامه از او نیز یاد خواهیم کرد.

استادان

در اینجا مناسب است، اشاره ای گذرا و کوتاه به شخصیت هایی داشته باشیم که این راوی بزرگوار، در حوزه درس آنان زانوی شاگردی به زمین

زد و از خرمن دانش انبوهشان، ذخیره علمی بی بدیلی را گرد آورد و در قالبِ روایت، به نسل های آینده انتقال داد. در این جا به نام تعدادی از آنان بسنده می شود:

۱. عبدالله بن عامر بن عمران اشعری قمی: (۳۰۷) این استاد پر آوازه و برجسته شیعی از چنان جایگاه رفیعی برخوردار بود که برجسته ترین رجال شناس شیعه، در منزلت او می نگارد:

«ابومحمد شیخ من وجوه اصحابنا، تقه.»

کنیه اش ابومحمد و یکی از نخبگان و برگزیدگان عالمان شیعه و محدثی موجه است. (۳۰۸) نام مبارک این محدث بزرگ، در سرتاسر کتاب کافی مانند ستاره ای می درخشد و مرحوم کلینی از این استاد، روایات بسیاری نقل می کند.

۲. احمد بن اسحاق قمی: (۳۰۹) این محدث قطعاً از برازنده ترین عالمان و محدثان پرورش یافته در مکتب امامان شیعه است. موقعیت بلند مرتبه او را می توان از کلام دانشمند رجال شناس شیعه به دست آورد. احمد بن اسحاق قمی نماینده و وکیل امام در میان شیعیان قم بود. هنگامی که شیعیان به خدمت امامان می رسیدند، او به عنوان پیشوای قافله مطرح بود. ایشان یکی از یاران خاص حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و از یاران و روایتگران امام جواد و امام هادی علیهما السلام محسوب می شد. (۳۱۰)

۳. معلی بن محمد بصری: (۳۱۱) نام این روایتگر مشهور در جای جای کتاب «کافی» همچون ستاره ای درخشان، نمایان است. گرچه بعضی از بزرگان دانش رجال درباره اش گفته اند: از منظر نقل روایت و مذهب دارای لغزش هایی است؛ (۳۱۲) اما به گفته حضرت آیت الله العظمی وحید

«این که شخصیتی همانند کلینی در چنین کتاب معتبری، این همه روایات از معلی نقل می کند، این بهترین دلیل بر وثاقت و بزرگواری معلی بن محمد بصری است.»**

۴. محمد بن عمران بن حجاج بسیعی؛ (۳۱۳)

۵. محمد بن احمد بن خاقان النهدی؛ (۳۱۴) درباره این محدث بزرگ گفته شده: محدثی بسیار فاضل و نیکو حال و موجه؛ بلکه بعضی از بزرگان شیعه او را از اصحاب اجماع محسوب کرده اند؛ (۳۱۵)

۶. احمد بن علویه اصفهانی، معروف به ابن ابی الاسود؛ (۳۱۶) وی ضمن این که در گروه راویان جای دارد، شاعر توانایی هم بوده است.

نوشته اند که او قصیده ای را در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سرود که ۳۳۰ بیت داشت و در فصاحت و بلاغت و پندآموز بودن معانی و مضامین، در حدی بوده که ابوحاتم سجستانی روزی در شهر بصره به پای خاست و چنین گفت:

ای اهل بصره! شاعر اصفهانی، در سرایش شعر و استحکام شعری و غنی بودن مضامین، بر شما غلبه کرد.

او در سال ۳۲۰ به عالم باقی شتافت؛ (۳۱۷)

۷. محمد بن بندار ذهلی؛ (۳۱۸) کنیه این بزرگوار ابوجعفر و چون در قم دیده به جهان گشود و در همان جا زیست، به قمی هم شهرت دارد. درباره اش گفته اند:

روایتگری است موجه و شاخص که کتاب هایی تألیف کرده است. (۳۱۹)

شیخ طوسی نیز به کتاب او اشاره کرده است و می گوید:

او را کتابی است به نام «المثالب» (۳۲۰)

شاگردان

حسین بن محمد اشعری که برهه ای از عمر پربرکت خویش را در راه گردآوری اخبار و روایات خاندان عصمت و طهارت سپری کرد و به اندیشه در پیرامون آنها پرداخت، با گذشت روزگار، در گروه محدثان عالی مقام شیعه جای گرفت. او که میراث گرانبهای احادیث خاندان عصمت و طهارت را در جان خود جای داده بود، برای حفظ این میراث، به تعلیم و تربیت شاگردان بزرگی پرداخت.

وقتی شاگردان حوزه درس او را ملاحظه می کنیم، به بزرگ ترین محدثان مکتب تشیع برمی خوریم که از این آبشخور زلال و گوارا عطش دانش طلبی خود را سیراب کرده اند و خوشه چین خرمن علم و فضل او بوده اند.. در اینجا تنها به چهره های شاخص و ممتاز شاگردان او اشاره می کنیم:

۱. محمد بن یعقوب کلینی: (۳۲۱) کلینی، صاحب کتاب «اصول و فروع کافی» است. این کتاب به گواهی تمامی صاحب نظران، در طی قرن های گذشته تا کنون، از معتبرترین کتاب های حدیثی اسلامی و شیعی است. این کتاب ها در بردارنده سه محور کلی است:

اعتقادات و باورهای دینی، منش های اخلاقی و مسائل فقهی.

نجاشی درباره او می گوید:

دانشمند بزرگ و استاد حدیث شیعه در شهر ری و چهره

ص: ۱۷۲

برجسته آنان است، او از موثق ترین و موجه ترین مردم در نقل حدیث به شمار می آید. آن بزرگوار کتاب کافی را در مدت ۲۰ سال تألیف کرد و در این راه زحمت فراوان کشید. در سال ۳۲۹ ق در شهر بغداد بدرود حیات گفت و محمد بن جعفر حسنی، معروف به ابوقیراط، بر بدن پاک او نماز خواند و در محله باب الکوفه یا دروازه کوفه به خاک سپرده شد. (۳۲۲)

شیخ طوسی در فهرست چنین می نگارد:

کلینی کنیه اش ابوجعفر و چهره موثق و حدیث شناس بزرگی است.

سپس از ابن عبدون نقل می کند که قبرش را دیده و بر سنگ قبرش، نام خود او و پدرش حک شده است. (۳۲۳)

۲. محمد بن حسن بن ولید قمی: (۳۲۴) در شأن و منزلت این فقیه و محدث نوشته اند:

وی از استادان و دانشمندان قم و فقیه، پیشوا و چهره برجسته آنان بوده است. او در قم زیست می کرد و بسیار بسیار با وجاهت است. این بزرگوار استاد معروف شیخ صدوق است. او در سال ۳۴۳ ق از دنیا رخت بر بست و به آرامگاه ابدی خود شتافت. (۳۲۵)

شیخ طوسی می گوید:

او محدثی جلیل القدر و آشنا و متخصص در فنّ روایت شناسی است. (۳۲۶)

۳. علی بن بابویه قمی: (۳۲۷) فقیه و دین شناس و محدث عالی مقام شیعه، پدر بزرگوار شیخ صدوق و یکی از مخلص ترین عالمان طول تاریخ شیعه

ص: ۱۷۳

است. همو است که به وسیله حسین بن روح نوبختی، سفیر خاص حضرت صاحب الزمان علیه السلام نامه ای به حضور آن حضرت نوشت و از آن امام بزرگوار درخواست کرد تا از خداوند بخواهد به او فرزندی عنایت کند. بعد از مدتی نامه امام رسید که نوشته بود:

ما دعا کردیم و از خداوند متعال مسئلت کردیم. به زودی پروردگار توانا به شما دو فرزند پسر از فلان کنیز، عطا می کند.

زمانی نگذشت که این بشارت امام به وقوع پیوست و ابن بابویه، صاحب دو فرزند پسر شد: یکی به نام محمد، که همان «شیخ صدوق» است و دیگری حسین بن علی بن بابویه.

به همین مناسبت بود که شیخ صدوق بارها و بارها افتخار می کرد و به خود می بالید که به دعای حضرت امام زمان علیه السلام به دنیا آمده است. زهی افتخار و عظمت و شکوه! علی بن بابویه در سال ۳۲۹ ق رحلت کرد. (۳۲۸)

۴. جعفر بن محمد بن قولویه قمی: (۳۲۹) کنیه اش ابوالقاسم است. او یکی از دانشمندان و فقهای حوزه شیعه بود. هر چه او را در فقه و فضایل زیبای انسانی وصف کنیم، باز او بالاتر از آن است. (۳۳۰)***

شیخ طوسی می گوید:

او چهره موجه و صاحب کتاب هایی است. (۳۳۱)

این عالم فقیه و فرزانه، به سال ۳۶۸ یا ۳۶۹ ق، در بغداد از دنیا رفت و در نزدیک قبر مطهر حضرت موسی بن جعفر و حضرت جواد علیهما السلام به خاک سپرده شد. (۳۳۲)

۵. جعفر بن محمد بن مسرور: (۳۳۳) این محدث یکی از استادان روایتی شیخ صدوق است و شیخ بارها او را در کتاب هایش نام برده و ستایش

ص: ۱۷۴

نموده است. بر همین اساس میرداماد _ که از محققان و ژرف اندیشان تراجم شیعه است. _ او را در ردیف بزرگان حدیث و چهره های صاحب منزلت یاد کرده است. (۳۳۴)

ارزیابی شخصیت

از آنچه گذشت و با توجه به استادان و شاگردان حسین بن محمد بن عامر قمی، به خوبی به شخصیت علمی و اخلاقی این محدث پی می بریم. با این همه بهتر است قامت استوار و پرشکوه این محدث بزرگ را در آینه سخنان بزرگان دانش تراجم به نظاره بنشینیم.

در دیرینه ترین کتاب رجال شناسی شیعه درباره او چنین می خوانیم:

ابوعبدالله اشعری قمی، صاحب منزلت و دارای چهره ای و جاهت مند است. (۳۳۵)

دیگری می گوید:

او روایتگر بسیار بسیار ارزشمند و موجهی است. (۳۳۶)

میرزا حسین نوری، که فاضل ترین رجال شناس اخیر شیعه است، درباره او می نگارد:

بنا به اتفاق تمام عالمان شیعه، سندی که به حسین بن محمد اشعری می رسد صحیح است و او محدث موجه و از بزرگان استادان روایتی ثقه الاسلام کلینی می باشد. (۳۳۷)

باز مناسب است نظر یکی از دانشمندان معروف اهل سنت به نام ابن حجر عسقلانی را در اینجا بیاوریم. او می گوید:

شیخ طوسی او را در سلسله مشایخ و استادان شیعه قرار داده و

ص: ۱۷۵

او از استادان معروف شیخ کلینی صاحب کتاب کافی است.

حسین اشعری کتابی به نام «طبّ اهل بیت علیهم السلام» تألیف نموده که از بهترین کتاب های تألیف شده در این زمینه است. (۳۳۸)

آقا بزرگ تهرانی می فرماید:

او محدّثی جلیل القدر و موجه است و کلینی در کافی از این شخصیت روایات بسیار زیادی نقل کرد. (۳۳۹)

در اینجا مناسب است روایتی را که نشانگر ارتباط این راوی با سفرای امام زمان علیه السلام است، ذکر کنیم؛ اما قبل از نقل روایت، لازم است مقدمه ای را بیاوریم: در روزگار امام عسکری علیه السلام، شخصی از راه امامان شیعه منحرف شد و گرایشهای خطرناکی پیدا کرد؛ به طوری که فساد عقیده او باعث گسترش فساد و فتنه در جامعه شیعه می شد. تا این که امام حسن عسکری علیه السلام دستور کشتن او را صادر کردند و فرمودند:

«هر کس که او را بکشد و مرا از شرّ او راحت کند، جایگاه او در بهشت خواهد بود.»

یکی از پیروان انقلابی و اصیل حضرت عسکری علیه السلام به نام جنید می گوید: من سلاحی خریداری کردم و رفتم او را از پای درآورم. در اینجا حسین بن محمد اشعری می گوید:

از ناحیه حضرت عسکری علیه السلام کمک هایی به جنید عنایت می شد. وقتی که حضرت عسکری علیه السلام از دنیا رفت، همان کمک ها به وسیله حضرت صاحب الزمان علیه السلام به جنید ادامه می یابد. کم کم دریافتم کمک های حضرت ولی عصر علیه السلام قطع شده است. من ناراحت و اندوهناک شدم (که نکند جنید هم راه امامان را ترک کرده

و دچار لغزش عقیده شده است.) مدتی در این اندیشه بودم که توقیعی از حضرت حجت علیه السلام رسید که خبر مرگ جنید را داده بودند. پس از این توقیع بود که متوجه شدم قطع کمک ها به علت وفات آن شیعه معتقد و ولایی بود، نه از جهت دیگر. (۳۴۰)

از این روایت معلوم می شود که این راوی، روزگار امام عسکری علیه السلام را درک کرده و نیز با سفیران حضرت حجت علیه السلام ارتباط تنگاتنگ داشته و ظاهراً متن نامه آن حضرت را هم ملاحظه کرده است؛ و البته این امر همه نشانه آن است که حسین بن محمد، عالمی ولایت مدار و مورد توجه امام زمان خویش بوده است.

یادگار علمی

حسین بن محمد که در گردآوری اخبار امامان معصوم علیهم السلام سعی فراوان داشت، همه آنچه را که از امامان معصوم علیهم السلام و استادان خود آموخت، در کتاب هایی به یادگار گذاشت.

نجاشی به کتاب «النوادر» او اشاره کرده است. (۳۴۱)

ابن حجر عسقلانی به کتاب دیگری از او اشاره می کند و می نویسد:

حسین بن محمد اشعری کتابی به نام «طبّ اهل البیت» تألیف کرد که مانند آن تألیف نشده و کم نظیر است. (۳۴۲)

استاد بزرگ حوزه قم، آیت الله جعفر سبحانی هم در اثر ارزشمند خود می گوید:

او صاحب کتاب «نوادر» است. روایاتی که او نقل می کند و در کتاب های روایتی شیعه ذکر شده، به ۹۶۱ روایت می رسد.

این

ص: ۱۷۷

زیادی روایت، بهترین گواه وسعت دانش و درایت او در حدیث شناسی است. (۳۴۳)

رحلت

حسین بن محمد قمی، پس از سال‌ها تلاش و کوشش در حفظ و گسترش سخنان گهربار امامان، مرغ جانش به سوی حق پرکشید. درباره سال و مکان مرگ این راوی، نظر قاطعی نمی‌توان ابراز کرد؛ امّا شاید از مجموع داده‌های تاریخی و گزارشهای تراجم نویسان بتوان حدس زد که آن بزرگوار در اوایل سده چهارم هجری قمری رحلت کرده است.

هدیه ای بهر اصحاب

حسن خُلق

حسین بن محمد، با واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می‌کند که:

روز قیامت، در ترازوی اعمال انسان چیزی بهتر و نیکوتر از حُسن خلق نهاده نمی‌شود. (۳۴۴)

عزّت نفس

باز روایت می‌کند از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود:

هر کس از ما چیزی سؤال کند و نیازش را با ما مطرح کند، او را ناامید نمی‌کنیم؛ ولی اگر عزّت نفس را پیشه خود سازد و از ما سؤال نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌گرداند. (۳۴۵)

نیکی با خویشان

روایت می‌کند از حضرت رضا علیه السلام که فرمود:

ما چیزی را نمی‌دانیم که عمر انسان را زیاد کند جز نیکی کردن

ص: ۱۷۸

به خویشاوندان؛ چنان که ممکن است شخصی از عمرش بیش از سه سال باقی نمانده باشد؛ اما چون که به خویشان خود مهرورزی کرده است، خداوند متعال عمر او را سی سال قرار می دهد. و گاهی هم شخص دیگری _ در تقدیر الهی _ سی و سه سال از عمر او باقی مانده است، ولی چون پیوند خود را با خویشانش بریده، عمرش به سه سال کاهش می یابد. (۳۴۶)

فهم دین

از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند:

هنگامی که خداوند اراده نماید به کسی خیر برساند، فهم و درک او را در مسائل دین، زیاد می کند. (۳۴۷)

منزلت راویان

باز حسین بن محمد روایت می کند از امام صادق علیه السلام که محدّثی از امام این را پرسش کرد که: مردی اخبار شما را در میان مردم نشر می دهد و قلب های آنان و شیعیان شما را نیرومند و محکم می گرداند و فرد دیگری هم باشد که انسان عابدی است، ولی به نشر و ترویج اخبار شما نمی پردازد؛ کدام یک از این دو (محدّث و عابد) نزد شما بهتر است؟

حضرت فرمود:

آن محدّثی که روایات ما را منتشر می کند و قلب های پیروان ما را نیرومند می سازد، بهتر است از هزار عابد. (۳۴۸)

ارزش حفظ حدیث

روایت می کند از حضرت صادق علیه السلام که فرمود:

هر آن کس که چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند او

ص: ۱۷۹

را در روز قیامت به عنوان دانشمند دین شناس مبعوث می فرماید. (۳۴۹)

پی نوشت ها:

* «کامل الزیارة» باب ۵۲، ص ۱۳۷.

** این سخن را نگارنده در درس خارج فقه معظم له در مسجد اعظم قم، از ایشان شنیده است.

*** کل ما یوصف به الناس من جمیل و فقه فهو فوقه.

۳۵۰ _ رجال نجاشی، جامعه مدرسین قم، ص ۶۶؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۶۹؛ خلاصه الاقوال، ص ۵۲؛ نقد الرجال تفرشی، ص ۱۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۸، ش ۳۸۶؛ مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۳، ص ۷۲۹؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۴۱؛ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۲۴؛ طبقات اعلام الشیعه فی القرن الرابع، ص ۱۲۰؛ الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۲۹؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۵۱۹؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۶۵؛ جامع الروات، ج ۱، ص ۲۵۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۷۲ و تهذیب المقال، سید محمد علی ابطحی، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳۵۱ _ طبقات اعلام الشیعه، ص ۱۲۰؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷ و رجال نجاشی، چاپ داوری، ص ۱۵۱.

۳۵۲ _ رجال نجاشی، ص ۱۵۱؛ جامع الروات، ج ۱، ص ۴۹۴.

۳۵۳ _ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳.

۳۵۴ _ رجال نجاشی، ص ۶۶.

۳۵۵ _ سرتاسر اصول کافی و فروع کافی، از باب نمونه: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۶.

۳۵۶ _ رجال نجاشی، ص ۲۹۶.

۳۵۷ _ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹.

۳۵۸ _ همان و تنقیح المقال، ج ۲، ص ۷۰.

۳۵۹ _ موسوعه الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹ و رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۲.

۳۶۰ _ رجال شیخ طوسی، ص ۴۴۷ و اعلام الشیعه، ص ۱۲۰.

۳۶۱ _ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۶۱؛ رجال نجاشی، ص ۶۴ و حاشیه رجال شیخ، ص ۴۴۷.

۳۶۲_ رجال طوسی، ص ۴۹۴؛ رجال نجاشی، ص ۲۴۰ و فهرست شیخ طوسی، چاپ

ص: ۱۸۰

- مرتضويه، نجف، ص ١٤٠.
- ٣٦٣ _ رجال نجاشي، ص ٢٤٠.
- ٣٦٤ _ فهرست طوسي، ص ١٤٠.
- ٣٦٥ _ موارد متعدد از كتاب كافي و طبقات اعلام الشيعة، ص ١٢٠.
- ٣٦٦ _ رجال نجاشي، ص ٢٦٦.
- ٣٦٧ _ فهرست طوسي، ص ١٣٦.
- ٣٦٨ _ اعلام الشيعة، ص ١٢٠؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ٤، ص ١٧٩.
- ٣٦٩ _ رجال نجاشي، ص ٢٧١.
- ٣٧٠ _ فهرست طوسي، ص ١٥٦.
- ٣٧١ _ اعلام الشيعة، ص ١٢٠.
- ٣٧٢ _ رجال نجاشي، ص ١٨٤.
- ٣٧٣ _ كامل الزيارات، باب ٤١، حديث ٥، ص ١١٩ و طبقات اعلام الشيعة، ص ١٣٠.
- ٣٧٤ _ رجال نجاشي، ص ٨٩.
- ٣٧٥ _ فهرست طوسي، ص ٤٢.
- ٣٧٦ _ تنقيح المقال، ج ١، ص ٢٣٣.
- ٣٧٧ _ طبقات اعلام الشيعة، ص ١٢٠ و موسوعه طبقات الفقهاء، ج ٤، ص ١٧٩.
- ٣٧٨ _ تنقيح المقال، ج ١، ص ٢٢٦.
- ٣٧٩ _ رجال نجاشي، ص ١٨٦.
- ٣٨٠ _ نقدالرجال تفرشي، ص ٢١.
- ٣٨١ _ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٧٩٤، چاپ قديم.

٣٨٢ _ لسان الميزان، ابن حجر، ج ٢، ص ٢٦٥.

٣٨٣ _ اعلام الشيعة، ص ١٢٠.

٣٨٤ _ مرآة العقول، ج ٦، ص ١٩٨ و اصول كافي، ج ١، ص ٥٢٤.

٣٨٥ _ نجاشي، ص ١٨٦.

٣٨٦ _ لسان الميزان، ج ٢، ص ٢٦٥.

٣٨٧ _ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ٤، ص ١٧٩.

٣٨٨ _ اصول كافي، ج ٢، ص ٩٩.

٣٨٩ _ همان، ص ١٣٨.

ص: ١٨١

٣٩٠ _ همان، ص ١٥٣.

٣٩١ _ اصول کافی، ج ١، ص ٢٢.

٣٩٢ _ همان، ص ٢٣.

٣٩٣ _ همان، ص ٤٩.

ص: ١٨٢

حاج سید علی رضا مدرّسی یزدی «مدرّس فروتن» * * * مهدی صحرائی اردکانی

ص: ۱۸۳

ص ...

ج- ای عکس

حاج سید علی رضا مدرّسی یزدی

ص: ۱۸۴

دارالعباده یزد، زادگاه عالمانی است که در تاریخ حوزه خدمات قابل توجهی به دنیای اسلام کرده اند؛ از جمله این علما مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد کاظم طباطبایی یزدی رحمه الله (صاحب عروه الوثقی) و مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رحمه الله (مؤسس حوزه علمیه قم) هستند.

مرحوم آیت الله حاج سید علی رضا مدرسی یزدی رحمه الله نیز، یکی دیگر از علمای یزد است که در این مقاله با او آشنا می شویم.

ولادت _ پدر و مادر

مرحوم مدرسی به سال ۱۳۲۹ ق. در شهر یزد، در خانواده ای روحانی و پروا پیشه متولد شد (۳۹۴) و با ولادتش دل پدر و مادرش را سرشار از

ص: ۱۸۵

شادی کرد.

ایشان فرزند عالم ربّانی، آقا میرزا محمد علی (۱۳۳۸ ق)، فرزند میرزا محمد صادق مدرسی است. آقا میرزا محمد علی، از مجتهدان و فقیهان سلسله «مدرّسیه» بود که در زمان خود از موقعیت علمی و اجتماعی برخوردار بود.

مادر ایشان بی بی رباب، دختر حاج میرزا محمد ابراهیم فرزند میرزا سید محمد علی مدرس (۱۱۹۳ - ۱۲۶۵ ق) است.

او در ۹ سالگی پدر خود را از دست داد و با سرپرستی مادرش دوران سختی را آغاز کرد. (۳۹۵)

تحصیلات

نامبرده از همان کودکی با شوق و علاقه فراوان پا به مکتب خانه گذاشت. او در مکتب خانه ملاحیدر و آقا میرزا حسن محمود آبادی، با ادبیات و مقدمات علوم حوزوی آشنا گردید.

مرحوم حاج سید علی رضا، پس از گذراندن ادبیات عرب و فقه و اصول، مقطع سطح علوم حوزوی را نزد اساتید معروف حوزه علمیه یزد فرا گرفت. (۳۹۶)

وی در آغاز دهه سوم زندگی، یعنی در سال ۱۳۴۹ ق، برای ادامه تحصیل رهسپار قم شد و از محضر عالمان نامی آن حوزه بهره ها برد. آن گاه جهت فراگیری دانش تحلیلی و اجتهادی فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی، به حوزه علمیه نجف هجرت نمود. (۳۹۷)

ص: ۱۸۶

آیت الله مدرسی پس از بازگشت از نجف اشرف، با دختر عمویش، بی بی زهرا، فرزند آیت الله العظمی حاج میرسید علی مدرسی (۱۳۶۴ ق) ازدواج نمود. از این پیوند، دو دختر و دو پسر به نام های دکتر حاج سید محمد علی و حجت الاسلام و المسلمین سید علی، معروف به آقا ابوالحسن، حاصل گردید. (۳۹۸)

اساتید

ایشان از محضر اساتید بزرگواری در یزد، قم و نجف بهره مند شد.

الف) نام اساتیدی که او در یزد از محضر آنها استفاده می کرد، به قرار ذیل است؛ حضرات آیات و حجج اسلام:

۱. آقا سید حسین مدرّس باغ گندمی (۳۹۹) (۱۲۷۰ _ ۱۳۶۶ ق): (۴۰۰) که از شاگردان آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی است.

در حالات وی آورده اند که کمتر از زخارف دنیوی بهره می گرفت. روح و جسمش وقف معنویات و مطالعه بود و در طهارت و پیراستگی زبانزد همگان.

نقل است که وی در بیشتر ایام تحصیل و تدریس خود در بستر نیا بود و در صورت غلبه خواب، به صورت نشسته استراحت می کرد. دست هایش از کثرت مطالعه، تا آرنج پینه بسته بود. (۴۰۱)

۲. آقا میرزا سید احمد مدرّس (۱۲۹۵ _ ۱۳۸۸ ق): وی عالمی عامل، فقیهی پارسا، شخصیتی محبوب، مدرّسی کوشا و انسانی قانع بود. هیچ گاه در طول عمر با برکتش دست از ادای وظیفه شرعی بر نداشت. اخلاق

ص: ۱۸۷

نیک، پشتکار و نظم ایشان در امور زندگی از ویژگی های بارز این عالم فرهیخته است. این عالم متقی، بیشتر عمر خود را با تنگی معاش سپری کرد. (۴۰۲)

ایشان صاحب تصنیف و تألیف است و بر بسیاری از فضلا، که در آن زمان در قم یا نجف و یا یزد بودند، حق تعلیم داشت. (۴۰۳)

۳. حاج سید محمد باقر مدرّسی (۱۳۱۶ _ ۱۴۰۶ ق): (۴۰۴) از شاگردان آیات عظام: آقا ضیاء الدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی است.

در حالات وی آورده اند:

مدت مدیدی در مرکز دینی و فرهنگی یزد چون مدرسه علمیه مصلاً، به ترویج و تبلیغ و تبیین احکام و معارف دینی پرداخت و مورد احترام طبقات مختلف مردم بود. قد خمیده، صورت شاد و متبسم و نظیف ایشان در خاطره زمان باقی است. (۴۰۵)

۴. حاج میرزا آقا مدرّسی (۱۳۱۹ _ ۱۳۸۴ ق): (۴۰۶) آیت الله حاج سید محمد صادق مدرّسی، معروف به حاج میرزا آقا مدرّسی، از کسانی بود که هوش سرشار، ذهن نقّاد، حافظه فوق العاده و قدرت استنباط ایشان هنوز هم زبانزد بسیاری از بزرگان است. قدرت فکری و زمینه های مناسب تحصیلی، ایشان را به مرحله ای از تفقّه و اجتهاد رسانید که تا پایان عمر نه چندان طولانی خود در حوزه تدریس، در ردیف دانشمندان و فقیهان بزرگ محسوب می گردید. (۴۰۷)

ب) اساتیدی که آن مرحوم در قم از محضر آنها استفاده کرد؛ عبارتند از حضرات آیات عظام:

۱. آقا میرزا محمد همدانی (۱۳۱۵ _ ۱۳۶۵ ق): (۴۰۸) از شاگردان مرحوم

حایری یزدی و مورد وثوق کامل ایشان بوده است. از ویژگی های بارز درس آیت الله همدانی، خوش بیانی بی حد و حصر او بود که زبانه زد خاص و عام گردیده بود. ایشان صاحب «رساله علی الید» می باشد. (۴۰۹)

۲. آقا سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵ _ ۱۳۷۱ق): (۴۱۰) شاگرد آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی است. ایشان در تأسیس حوزه علمیه قم به مرحوم آیت الله حایری یاری رسانید و در این راه پس از درگذشت مؤسس حوزه، گام های بلندی برداشت.

این عالم بزرگوار در مدت عمر سعادت مند و با برکت خود، به اقداماتی دست زد؛ از معروف ترین آنها برپایی نماز جمعه در شهر مقدس قم، پس از این که سال ها ترک شده بود و دیگری اقدام فراموش نشدنی این مرد الهی و مستجاب الدعوه بودن در اقامه نماز استسقاء (نماز باران) در سال ۱۳۶۳ ق. است که مصادف با اشغال ایران به وسیله متفقین بود. (۴۱۱)

در باره نماز استسقاء ایشان، باید گفت که قبل از نماز، آیت الله سید محمد حجت رحمه الله و آیت الله سید صدرالدین صدر رحمه الله به ایشان پیغام دادند که ما حاضریم در نماز باران شرکت کنیم. ایشان پیغام دادند که شما شرکت نکنید، من نماز باران را می خوانم. اگر خداوند دعای ما را مستجاب کرد و باران آمد، مردم آن را به حساب همه روحانیت می گذارند؛ ولی اگر باران نیامد، مردم این را به حساب من می گذارند و موقعیت شما محفوظ می ماند. بگذارید اگر لطمه ای به وجهه کسی وارد شد آن، من باشم تا موقعیت شما محفوظ بماند. (۴۱۲)

۳. آقا سید محمد حجت (۱۳۱۰ _ ۱۳۷۲ق): (۴۱۳) صاحب تألیفاتی چون: «رساله الاستصحاب»، «البیع»، «حاشیه الکفایه»، «رساله الصلوه»، «رساله

یکی از ویژگی های آن بزرگوار این بود که از تظاهر و خودنمایی می گریخت و به دوستان و یاوران خود سفارش می فرمود که برایش تبلیغ نکنند و اجازه نمی داد جراید و روزنامه ها عکسی از ایشان چاپ نمایند. به اهل منبر هم فرموده بود: راضی نیستم نام مرا بر منابر ببرید.

عادت ایشان این بود که هر سه چهار سال یک بار، تمام کتاب های درسی حوزه را، از مقدمات تا کفایه، به دقت مطالعه می کرد. (۴۱۴)

۴. حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (۱۲۷۶ _ ۱۳۵۵ ق) (۴۱۵)، مؤسس حوزه علمیه قم: از تألیفات ایشان این کتاب ها را می توان نام برد: «درر الفوائد فی الاصول»، «کتاب الرضاع»، «کتاب الصلوه»، «کتاب المواریث»، «کتاب النکاح». (۴۱۶)

در حالات ایشان آورده اند که: بسیار ساده می زیست تا آنجا که می نویسند با این که مبالغ زیادی از وجوه شرعی در اختیارش بود، به هنگام رحلت قیمت همه اثاثیه اش به ۱۵۰۰ تومان نمی رسید (با توجه به این که او در سال ۱۳۱۵ ش. وفات نمود)، و بیش از آن را مقروض بود؛ حتی بازماندگانش توان مالی برای اقامه عزاداری در سوگ او نداشتند. لذا یکی از ثروتمندان وقت، مخارج شش شبانه روز عزاداری او را بر عهده گرفت.

همچنین گفته شده: هنگامی که ایشان در بستر وفات بود، آیت الله صدر مبلغی به محضرش آورد تا برای مخارج زندگی فرزندانش بپردازد؛ اما او آن را قبول نکرد و فرمود: خداوندی که عبدالکریم پسر قصاب را از

دهکده مهرجرد یزد به قم آورد و حاج شیخ عبدالکریم کرد، همان قادر است که مخارج زندگی فرزندان مرا تأمین کند.
(۴۱۷)

ج) اساتیدی که آیت الله مدنی در نجف از آنها استفاده کرده متعدد بوده اند، از جمله حضرات آیات عظام:

۱. آقا شیخ ضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱ ق): (۴۱۸) از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است. حوزه درس فقه و اصول مرحوم عراقی، محل استفاده بزرگان عرب و عجم بود. در لطافت بیان، نیکویی تقریر و حسن تحریر گوی سبقت را از دیگران ربوده بود.

وی صاحب تألیفاتی چون: مقالات الاصول و شرح تبصره علامه می باشد. (۴۱۹)

۲. آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ ق): (۴۲۰) ایشان از علمای طراز اول آن زمان بود. وی محقق، مدقق، فقیه، اصولی، رجالی، معقولی و منقولی بود. در تمامی بلاد اسلامی، مشهورترین مرجع تقلید شیعه به شمار می رفت. علاوه بر این که در مراتب علمی پیشرو دیگران بود، دارای طبعی کریم، سخی و اخلاقی پیامبر گونه بود. مجلس درس ایشان جامع ترین مجلس درس دینی و مرکز استفاده علمای بزرگی بود. (۴۲۱)

یکی از طلاب حکایت کرده: در صحن امام حسین علیه السلام، نزدیک تل زینبیه نشسته بودم، و مردی در کنار من ایستاده بود. مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی با اصحابش از حرم مقدس امام حسین علیه السلام خارج شد و صحن مطهر را از در تل زینبیه ترک گفت. آن مردی که در کنار من ایستاده بود، آهسته گفت: بروم و سید را دشنام گویم. آن مرد به دنبال سید حرکت نمود تا آن که هر دو از آن جا گذشتند. طولی نکشید که آن مرد

دشنام دهنده با چشم گریان برگشت. علتش را پرسیدم، پاسخ داد: من سید را تا در منزل دشنام دادم، اما همین که به در منزل رسیدم، سید فرمود: همین جا توقف کن؛ من با شما کاری دارم. سپس داخل منزل شد. طولی نکشید که از منزل خارج شد و فرمود: این پول ها را بگیر و هر موقع تنگدست شدی به ما مراجعه کن، زیرا ممکن است چنانچه به غیر ما مراجعه کنی حاجت تو را برآورده نسازند. دیگر آن که من آمادگی دارم هر گونه دشنام و ناسزایی را بشنوم، ولی استدعا دارم که عرض و ناموس مرا مورد دشنام قرار ندهی.

آن مرد می گوید: چنان این کلمات سید در من اثر عمیق به جای گذاشت که نزدیک بود روح از بدنم جدا شود. اشک چشمانم را فرا گرفت و ریشه بر اندامم افتاد. (۴۲۲)

بر کرسی تدریس

مرحوم مدرسی پس از تکمیل مراحل علمی در شهر نجف و دریافت اجازه اجتهاد از بزرگانی چون: آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی، به وطن خود (یزد) بازگشت و بر کرسی تدریس فقه و اصول تکیه زد و جمع زیادی از طلاب بر گرد او جمع شد تا از بیان بسیار رسا و شیوای ایشان بهره مند شوند. (۴۲۳)

شاگردان

مرحوم مدرسی در عمر با برکت خود شاگردانی را تربیت نمود که هر یک خود از پرچمداران ممتاز حوزه به شمار می روند. اسامی بعضی از این بزرگواران چنین است؛ آیات عظام و حجج اسلام:

ص: ۱۹۲

۱. استاد محمد تقی مصباح یزدی.

۲. سید محمد علی مدرسی یزدی.

۳. سید عباس خاتم یزدی رحمه الله .

۴. ابو ترابی یزدی.

۵. محمد انوری.

۶. علی محمد انواری.

۷. ابوالقاسم مناقب.

۸. سید محمد مدرسی.

۹. سید جواد مدرسی. (۴۲۴)

ویژگی های اخلاقی

۱. مدرّس فروتن: مرحوم مدرسی با وجود آن مقام علمی عظیم، مقید نبود که حتماً درس خارج بدهند؛ هر درسی که در حوزه لازم بود شروع می کردند و دنبال کسب شهرت نبودند؛ حتی در اواخر عمر برای طلاب، کتاب معالم را تدریس می کردند.

۲. زهد و صبر: صبحانه ایشان نان و سرکه بود، در عین حال خیلی با نشاط درس می خواندند. صبر و تحملش در گرفتاری های زندگی زیاد بود؛ به طوری که بعضی می خواستند مشکلات او را بیان کنند، ولی ایشان هیچ گاه حاضر نشد که از سختی ها سخنی بگوید.

همان طور که قبلاً گفته شد، در ۹ سالگی پدر ایشان از دنیا رفت. بعد از درگذشت پدر، فقر اقتصادی خانواده وی شدت یافت؛ چنان که نمی توانستند بیشتر از ساعت ۸ یا ۹ شب چراغ را روشن نگه دارند. لذا او

بیشتر، با نور مهتاب درس می خواند. برای همین جهت بود که پس از مدتی چشم های وی دچار مشکل شد.

۳. احترام به طلاب: هیچ گاه طلبه ای را که در محضرش بود، ضایع نمی کرد بلکه احترام او را جلو هر کسی نگه می داشت.

۴. گذشت: افرادی بودند که در زمان او نسبت به ایشان تنگ نظر بودند و سعی داشتند به ایشان آزار برسانند؛ اما ایشان نه تنها اذیت های آنها را فراموش می کرد، بلکه به آنها احترام می گذاشت و شخصیت آنها را به خاطر اعمال بدشان کوچک نمی کردند. (۴۲۵)

فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و عمرانی

الف) فعالیت فرهنگی: ایشان در زمانی که فحشا و منکرات زیاد بود، جلسات قرآن و تفسیر برگزار می کرد و تلاش می کرد که تعطیل نشود؛ حتی بعضی اوقات شب ها دیر هنگام به منزل می رفت.

در مدت برگزاری این جلسات هم قرائت قرآن را به مردم تعلیم می داد و هم معنا و تفسیر آن را. گاه می شد که ایشان کسالت و مریضی داشت، اما با همان حال بر سر جلسات حاضر می شد و به تلاش خود ادامه می داد. (۴۲۶)

ب) فعالیت اجتماعی: آن مرحوم در مسجد مدرسه مصلاً، اقامه جماعت می کرد. بعد از آن، مشغول رسیدگی به مسایل شرعی و مشکلات زندگی مردم می شد. وی تأمین پاره ای از مخارج طلاب و روحانیان استان یزد را _ که در آن زمان بالغ بر دویست نفر بودند. _ بر عهده گرفته بود. (۴۲۷)

ج) فعالیت عمرانی: از جمله تعمیر و بازسازی مدرسه مصلاً که مدت ها متروک بود و احیای بسیاری از موقوفات این مدرسه. (۴۲۸)

رحلت و مکان دفن

سرانجام این عالم ربّانی در ۶۳ سالگی در شب بیست و چهارم رمضان ۱۳۹۳ ق، در حالی که چشمانش بر اثر بیماری قند نابینا شده بود، دار فانی را وداع گفت و شهباز روحش، به سوی عالم ملکوت پرکشید.

در یزد پیکرش را تشییع کم نظیری نمودند و پس از نماز در مدرسه مصلاً _ بنابر وصیت آن مرحوم _ به قم انتقال داده شد و در قبرستان شیخان، نزدیک مقبره زکریا بن آدم دفن گردید. (۴۲۹)

یادش گرامی باد و ان شاء الله نامش در زمره ملکوتیان جاودانه باد.

پانوش:

۴۳۰ _ نسل نور؛ سیری در زندگانی و افکار آیت الله حاج سید محمد مدرسی رحمه الله و جمعی از بزرگان سلسله مدرسیه، تألیف سید محمد کاظم مدرسی، ص ۴۱۱، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، نشر نیکو روش.

۴۳۱ _ همان.

۴۳۲ _ آینه دانشوران، ص ۲۵۲، چاپ سوم، سید علی رضا ریحان یزدی، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۴۳۳ _ نسل نور، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

۴۳۴ _ همان، ص ۴۱۳.

۴۳۵ _ باغ گندم، نام محله ای است در یزد. (آینه دانشوران، ص ۲۲۴).

۴۳۶ _ نسل نور، ص ۴۱۱.

۴۳۷ _ همان، ص ۴۴.

۴۳۸ _ همان، ص ۳۷۹ و نجوم سرد خطی، ص ۲۶.

۴۳۹ _ آینه دانشوران، ص ۴۲۴.

۴۴۰ _ نسل نور، ص ۴۱۱.

۴۴۱ _ همان، ص ۴۶۶ و نجوم سرد، ص ۸۹.

۴۴۲ _ نسل نور، ص ۴۱۱.

۴۴۳ _ همان، ص ۴۷۳.

۴۴۴ _ آینه دانشوران، ص ۲۵۲.

۴۴۵ _ گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۰۲ و آثار الحججه، شریف رازی، ج ۱، ص ۲۲۴ و ۲۲۳.

۴۴۶ _ آینه دانشوران، ص ۲۵۲.

۴۴۷ _ مجله نور علم، ش ۶ و آثار الحججه، ج ۱، ص ۱۴۳.

۴۴۸ _ داستان هایی از زندگی علماء، محمد تقی صرفی، ص ۱۰۴، نشر برگزیده، ۱۳۷۲.

۴۴۹ _ نسل نور، ص ۴۱۱.

۴۵۰ _ مجله نور علم، ش ۱۰، ص ۸۸ و ۸۹.

۴۵۱ _ نسل نور، ص ۴۱۱.

۴۵۲ _ ریحانه الادب، میرزا محمد مدرس، ج ۱، ص ۶۷.

۴۵۳ _ آیت الله مؤسس، کریمی جهرمی، ص ۱۳۱.

۴۵۴ _ نسل نور، ص ۴۱۲.

۴۵۵ _ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۵۵.

۴۵۶ _ نسل نور، ص ۴۱۲.

۴۵۷ _ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴۵۸ _ داستان هایی از زندگی علماء، ص ۱۰۵.

۴۵۹ _ نسل نور، ص ۴۱۲.

۴۶۰ و ۴۶۱ _ گفت و گو با فرزند آن مرحوم، حجه الاسلام و المسلمین سید علی مدرسی معروف به آقا سید ابوالحسن.

۴۶۲ _ مصاحبه با فرزندش.

۴۶۳ _ نسل نور، ص ۴۱۲.

۴۶۴ و ۴۶۵ _ همان، ص ۴۱۳.

ص: ۱۹۶

ص ...

ج-ای عکس

محمد فاضل قاینی نجفی

ص: ۱۹۸

محقق و علامه فرزانه، آیت الله شیخ محمد فاضل قاینی نجفی از جمله کسانی است که به دست تقدیر و لطف الهی، توانست در رشته های مختلف علوم و فرهنگ اسلامی؛ از قبیل فقه، اصول و علم کلام آثار ارزشمندی از خود به جای گذارد.

بررسی تمام ابعاد زندگی چنین مردان بزرگی، کار بسیار دشوار و عظیم است؛ ولی به طور خلاصه گوشه هایی از زندگی این استوانه علم و تقوا را در اختیار علاقه مندان و پژوهندگان محترم می گذاریم.

ولادت و زادگاه

تاریخ تولد ایشان در حدود سال ۱۳۱۰ ه. ق. می باشد. زادگاه ایشان، روستای خرمنج، که اخیراً به پاس احترام معظم له به «فضل آباد» تغییر نام

ص: ۱۹۹

داده شده، یکی از روستاهای حومه پسکوه شهرستان قائن در جنوب استان خراسان است.

پدرشان، مرحوم آقا شیخ عبدالکریم بنی اسدی، از معمرین آن دیار بوده و از علم و فضل بهره ای داشته است. وی همواره فرزند خویش را به فراگیری علوم و معارف حیات بخش اسلام ترغیب و راهنمایی می کرد.

نیاکان

اجداد مرحوم آیت الله فاضل، از طایفه بنی اسد می باشند. آنان بعد از دفن اجساد مطهر شهدای کربلا از ترس تعقیب مأمورین ابن زیاد به ایران آمده و در اطراف شهرستان قائن ساکن شدند و به جهت دفن شهدای کربلا، مورد تکریم و محبت سلاطین صفویه قرار گرفتند. در اولین سال های سلطنت شاه اسماعیل، او فرمان معافیت این طایفه از مالیات را صادر کرد که سلاطین بعدی نیز از او تبعیت نمودند. این اسناد در میان این طائفه حفظ و تا به امروز نگهداری شده است. (تصویر دو فرمان از فرمان های فوق ضمیمه این مقاله می باشد).

تحصیلات

وی پس از طی دوران کودکی و تربیت در محیط صمیمی خانواده و پرورش در دامان پاک مادری مهربان و پدری فاضل، برای فراگیری خواندن و نوشتن به روستای مجاور (نوغاب پسکوه)، رهسپار شد و در محضر یکی از علمای عارف آن محل، به نام مرحوم ملا عبدالجواد، حاضر شد و شب و روز از فضل و دانش وی بهره مند گردید؛ به طوری که مرتب سؤالات درسی خویش را از استاد می پرسید و از پاسخ های وی

ص: ۲۰۰

استفاده می نمود.

یکی از اهالی زادگاه وی می گوید:

«در دوران نوجوانی، مرحوم فاضل رحمه الله خواب دیده بود که عمامه بر سر می بندد و هر چه از آن عمامه را به سر می پیچد به انتها نمی رسد. تعبیر این خواب را، از استادش ملا-عبدالجواد می پرسد. ایشان در پاسخ می گوید: از چنان مقام علمی بالایی برخوردار خواهی شد که به علمی بی پایان متصل است.»

وی پس از به پایان رساندن دروس مقدماتی، به شهرستان قاین که بزرگانی نیز در آن اقامت داشتند، رفته و در مدرسه علمیه جعفریه مشغول تحصیل شد. پس از مدتی، دروس سطح را از استادان بزرگ آن دیار فرا گرفت و در اثنای این دوران به «فضل» معروف گردید و در همان حوزه نیز به تدریس اشتغال ورزید.

مقابله با ستمگر

حاکم آن دیار شوکت الملک (پدر اسدالله علم)، نام داشت که در موقوفات آن شهر به دلخواه تصرف می کرد. این عمل وی، با اعتراض علمای آن زمان، از جمله آقای فاضل مواجه می شود. امیرقاین نیز در واکنش به این اعتراض، دستور جلب و دستگیری آقای فاضل را صادر می نماید. بدین جهت ایشان دستگیر (۴۶۶) و به شهرستان بیرجند، محل اقامت امیر منتقل می شود.

وقتی که ایشان را نزد امیر حاضر می کنند، وی پس از سؤالاتی متوجه می شود که اعتراض آقای فاضل به سبب دیانت و پاکی وی بوده، نه به

ص: ۲۰۱

علت عناد و غرض ورزی شخصی. بنابراین ضمن عذرخواهی از آقای فاضل، وجهی را نیز به ایشان اهدا می نماید که ایشان نمی پذیرند و این علی رغم اصرار امیر بود.

هنگامی که امیر، می خواهد مرحوم فاضل قاینی را به قاین برگرداند ایشان به دلایلی از بازگشت به شهر خود منصرف شده، راهی سبزوار می شود.

هجرت به نجف

تقدیر الهی سبب شد تا پس از مراجعت ایشان از بیرجند و مدتی توقف در شهرهای میان راه، از قبیل سبزوار و تهران، سرانجام این سفر به عراق و نجف اشرف بیانجامد. معظم له جوار مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را برای اقامت دائم برگزید و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند خراسانی _ که در «محلّه حویش» قرار داشت. _ به تحصیل خود ادامه داد. عاقبت پس از سال ها تلاش و تحقیق و تدبّر در علوم و معارف اسلامی به مقام اجتهاد نایل گردید.

همسر و فرزندان

همسر ایشان، دختر آیت الله شیخ علی همدانی _ نوه حاج آقا رضا همدانی، فقیه، مرجع تقلید و صاحب کتاب مصباح الفقیه _ می باشد.

ثمره این ازدواج چهار پسر و پنج دختر می باشد. از آنجا که فرزندان پسر وی، دارای آثار و برکاتی بوده اند، به معرفی اجمالی هر یک می پردازیم:

۱. شیخ مهدی، که از علما و صاحب تألیفات فراوانی می باشد. وی که

ص: ۲۰۲

ساکن شهرستان بیرجند بود، در آنجا مسجد و مدرسه ای بنا نمود. همچنین در مشهد مقدّس، مدرسه ای تأسیس کرد که در حال حاضر فرزند ایشان آقای شیخ محمّد رضا فاضل آن را اداره می کند. شیخ مهدی در زمان حیات پدر بزرگوارش در سال ۱۴۰۲ ه. ق درگذشت و در همان شهر خود نیز به خاک سپرده شد.

۲. شهید شیخ احمد، که در ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، بر ضد رژیم ستم شاهی مبارزه می کرد و چندین بار دستگیر و زندانی گردید. در سال ۱۳۴۸ ش. که به عتبات مشرف شده بود، هنگام مراجعت به ایران، به دلیل این که کتاب حکومت اسلامی، امام خمینی قدس سره را همراه خود داشت، در گمرک خسروی دستگیر می شود و از همان جا به تهران انتقال می یابد و مدت ها در سلول انفرادی زندان قزل قلعه در کنار شهید بزرگوار سید محمد رضا سعیدی حبس می گردد. خود شهید شیخ احمد فاضل نقل می کند:

روزی شهید سعیدی از سلول خود با من صحبت می کرد، مرا شناخت و گفت: در تهران نزد پدر شما رفته ام. بعد از چند شب، آیت الله سعیدی را به شهادت رساندند و چندی وضعیت زندان از حالت طبیعی خارج می شود.

در سال ۱۳۵۴ ش. که طلاب در مدرسه فیضیه، بر ضد رژیم پهلوی تجمّع کردند و در مدرسه به وسیله عمال رژیم بسته شد، عده ای از طلاب دستگیر و زندانی می شوند. در میان دستگیر شدگان فردی به نام محدث (که بعد از انقلاب به گروه منافقین پیوست و اعدام شد)، شهید شیخ احمد فاضل را از محرّکین معرفی می نماید. لذا ساواک ایشان را هم

دستگیر کرد و تحت شکنجه های سخت قرار داد. شدت شکنجه ها به حدی بود که وی چندین بار بیهوش می شود و پاهای ایشان زخم و جراحات برمی دارد؛ به طوری که به ناچار او را به بیمارستان انتقال می دهند.

شهید شیخ احمد فاضل در دادگاه رژیم منحوس پهلوی، به سه سال زندان محکوم و با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد می گردد.

در سال ۱۴۰۲ ق. که برادر بزرگ وی، مرحوم شیخ مهدی، سال ها در شهرستان بیرجند به فعالیت دینی اشتغال داشت، بدرود حیات گفت، کسبه و اصناف شهر از ایشان تقاضا می کنند که در مسجد برادر خود اقامه نماز و انجام وظایف شرعی را بر عهده گیرد. ایشان هم دعوت مردم را می پذیرد و مسجد و مدرسه برادر خود را به بهترین وجه اداره می نماید که مورد توجه اهالی و مردم متدین بیرجند قرار می گیرد.

در ضمن، شهید شیخ احمد چندین بار با وجود ضعف و بیماری، که بر اثر شکنجه های زمان طاغوت بر او عارض شده بود، همراه جوانان غیور بیرجند در جبهه های حق علیه باطل شرکت نمود و سرانجام در عملیات ماوت هشت، به سال ۱۳۶۶ ش. به فیض شهادت نایل گردید و در گلزار شهدای امام زاده علی بن جعفر در قم به خاک سپرده شد.

۳. شیخ علی (راقم این سطور)، فرزند دیگر مرحوم آیت الله فاضل قاینی است. ایشان نیز چندین سال در حوزه نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشت. دروس سطح و مقداری از درس خارج را نزد بزرگان و اساتید آن حوزه خواند. در سال ۱۳۵۲ ش. به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس فقه و اصول را نزد اساتید فرا گرفت. وی اکنون به تدریس و

ایشان تا کنون، بیش از چهارده کتاب و رساله تألیف، تحقیق و منتشر نموده است؛ از آن جمله کتاب های: «معجم مؤلفی الشیعه» که به وسیله وزارت ارشاد منتشر شده؛ «علم الاصول تاریخاً و تطوّراً» که دفتر تبلیغات اسلام حوزه علمیه قم دو مرتبه آن را تجدید چاپ کرده است؛ تحقیق کتاب «حدود و قصص» علامه مجلسی رحمه الله؛ تحقیق رساله ارث مرحوم گنجوی با حاشیه حضرت امام خمینی قدس سره که تا به حال سه مرتبه طبع شده است؛ تحقیق کتاب «اللؤلؤة الغرویة» که شامل یک دوره علم اصول از مرحوم آیت الله محمد فاضل قاینی است. این کتاب نیز در سه جلد حروفچینی شده است که به زودی به چاپ خواهد رسید؛ همچنین تحقیق کتاب «بیع و خیارات» از مرحوم آیت الله محمد فاضل قاینی است. این کتاب نیز در دو مجلد حروفچینی شده و آماده چاپ است. ایشان چندین کتاب و رساله دیگر تألیف نموده، که هنوز به طبع نرسیده است.

۴. شیخ محمود، که در ضمن تحصیل و تبلیغ، دو اثر چاپ شده به نام های: «گلستان صالحین» و «طب از دید گاه معصومین علیهم السلام» از خود باقی گذاشته است. وی در روز ۵ محرم سال ۱۴۱۶ ه. ق در سفر تبلیغی به «خنداب» اراک، بعد از منبر، بر اثر سکت قلبی دارفانی را وداع گفت و مهمان سیدالشهداء علیه السلام شد. پیکر آن مرحوم به شهرستان مقدس قم انتقال یافت و پس از تشییع در مقبره علما در قبرستان باغ بهشت، دفن گردید.

دامادهای مرحوم آیت الله محمد فاضل قاینی نیز که جملگی از علما و دارای موقعیت والای علمی و اجتماعی می باشند، عبارتند از حضرات آیات و حجج اسلام: حاج شیخ محمد رحمتی سیرجانی، مؤلف کتاب

القصاص، الحدود و الديات، که هر کدام در دو جلد به طبع رسیده اند؛ حاج شیخ محمد ابراهیم ربانی بیرجندی؛ شیخ علی آزاد قزوینی و حاج شیخ خلیل نائینی. همچنین آقای عبدالله جوادی (ابوسلام)، فرزند میرزا جمیل طیب نجفی، که به کسب اشتغال دارند.

اساتید فاضل قاینی در نجف اشرف

چنان که گذشت، آیت الله فاضل قاینی سال ها در حوزه نجف اشرف به تحصیل پرداخته و از محضر بزرگان و اساتید آن جا کسب فیض کرده است؛ که به نام بعضی از این بزرگواران اشاره می شود:

۱ _ آیت الله میرزا حسین نائینی رحمه الله ، (۱۲۷۷ _ ۱۳۵۵ ق.).

۲ _ آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله .

۳ _ آیت الله سید ابراهیم میرزا آقا اصطهباناتی رحمه الله ، (۱۲۹۷ _ ۱۳۷۸ ق.).

۴ _ آیت الله سید ابوتراب خوانساری، (۱۲۹۱ _ ۱۳۴۶ ق.) در حدیث و رجال.

وی مدتی طولانی در درس آیت الله نائینی و درس سید ابوالحسن اصفهانی، که مرجع تقلید شیعیان در آن زمان بود، شرکت کرد. سطوح عالی را هم نزد آیت الله سید ابراهیم میرزا آقا اصطهباناتی گذراند و از محضر ایشان خارج فقه و اصول را فرا گرفت. رابطه ایشان با مرحوم اصطهباناتی از حد ارتباط بین استاد و شاگرد، فراتر و صمیمی تر بود و علاقه ای طرفینی بین آنان برقرار بود.

بعد از رحلت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، عده ای از اهالی نجف و اهل علم از آیت الله فاضل درباره تقلید پس از مرحوم

ص: ۲۰۶

اصفهانى رحمه الله سؤال مى کردند و ايشان آنها را به مرحوم اصطهباناتى معرفى و ارجاع مى نمودند و ضمناً به اعلميت ايشان هم شهادت مى دادند. اين عمل آيت الله فاضل قايى، در رجوع مردم و اهل علم به تقليد از آيت الله اصطهباناتى، تأثير زيادى داشت.

مورد فوق، نشان دهنده و گواه بر موقعيت علمى و شخصيتى آيت الله فاضل قايى در مجامع علمى، مذهبى آن روزگار، در نجف اشرف مى باشد.

گواهى اجتهاد

در حوزه نجف مرسوم بود که اگر شخصى در فقه و اصول به درجه اجتهاد مى رسيد، استادان حوزه اجتهاد او را گواهى مى کردند. گواهى بر اجتهاد آيت الله فاضل قايى را نيز مرحوم آيت الله سيد ابوالحسن اصفهانى و مرحوم آيت الله اصطهباناتى تأييد و تقرير کرده و اجازه اجتهاد به ايشان صادر نموده اند. آيت الله اصفهانى رحمه الله در قسمتى از اجازه خود آورده است:

«به درستي جناب عالم عامل، ستون علمائى عاملين و گواهى شده فقهاى بزرگ جامع معقول و منقول در فروع و اصول، رکن و ستون اسلام، مورد اعتماد و شخص جليل و صاحب مقام و مرتبه عالى و والا، آقاى شيخ محمد قايى معروف به فاضل (دامت برکاته)، عمر شريف خويش را در حوزه نجف اشرف، در تحصيل علوم شرعى صرف نموده و نزد اساتيد بزرگ آن حاضر و کوشش و رنج زياد به خود داده و به خواسته خويش رسيده که رسيدن به درجه

اجتهاد و استنباط احکام شرعی و الهی می باشد.»

مشابه همین متن را، مرحوم آیت الله اصطهباناتی رحمه الله در گواهی اجتهاد ایشان آورده و اضافه کرده اند که ایشان (آیت الله فاضل) از معدود مجتهدین می باشد.

علاوه بر اجازه اجتهاد از مراجع فوق، وی از استاد حدیث و رجال حوزه، مرحوم سید ابوتراب خوانساری رحمه الله (۱۲۱۷ - ۱۳۴۶ ق.) نیز، اجازه نقل احادیث و روایات دریافت کرده است.

شاگردان

یکی از ویژگی های ایشان در حوزه و مجامع علمی، روش تدریس و بیان شیوای آن استاد فرزانه بود. تسلط ایشان بر مسائل و مطالب علمی، ویژگی دیگری بود که سبب جذب طلاب به مجلس درس ایشان می شد.

این دو عامل باعث شد که بیشتر وقت ایشان صرف تدریس شود و در این مدت شاگردان بسیاری از محضر ایشان استفاده کنند، که بسیاری از آنها از علمای بلاد و عده ای نیز از مدرّسین حوزه های علمی در شهرهای نجف، قم، مشهد و... هستند. برخی از این علما عبارتند از حضرات آیات:

۱ - شهید شیخ مرتضی بروجردی رحمه الله نویسنده «کتاب المستند» شرح عروه الوثقی، از شاگردان کتاب کفایه ایشان می باشد.

۲ - حاج سید محمود ده سرخی، نویسنده کتاب دائره المعارف «مفتاح الکتب الاربعه» و تألیفات سودمند دیگر.

۳ - حاج شیخ محمد غروی، مؤلف کتاب «الامثال النبویه»؛ وی کتاب شرح تجرید را نزد ایشان خوانده است.

ص: ۲۰۸

۴ _ حاج شیخ علی آزاد قزوینی، از مدرّسین درس خارج فقه درحوزه علمیه قم و مؤلّف کتاب «غایه القصوی فی شرح العروه الوثقی» (ایشان داماد مرحوم آیت الله فاضل نیز می باشند).

۵ _ حاج سید محمد تقی اراکی سجادی.

۶ _ حاج سید ابراهیم خراسانی کاظمینی.

۷ _ حاج شیخ حسن اصفهانی قهدریجانی.

۸ _ شیخ موسی، فرزند آیت الله شیخ هادی زین العابدین نجفی.

۹ _ حاج شیخ علی مردان (ظهیرالاسلام) از مدرّسین حوزه علمیه قم.

۱۰ _ حاج میرزا محمد جواد غروی علیاری تبریزی، ساکن تهران.

۱۱ _ حاج سید علی شاهرودی، فرزند مرجع فقید شیعه آیت الله حاج سید محمود شاهرودی رحمه الله، که از شاگردان کتاب مکاسب ایشان می باشد.

۱۲ _ حاج سید مهدی خلخالی، که از شاگردان کتاب کفایه ایشان می باشد.

۱۳ _ حاج شیخ کاظم شمشاد هندی استاد (منتدی النشر).

۱۴ _ حاج سید مصطفی علم الهدی جزائری.

۱۵ _ حاج سید محمدرضا واعظی قاینی.

۱۶ _ حاج سید مرتضی نقوی، که از علمای بزرگ هند بودند.

ویژگی های اخلاقی

رفع نیازهای مردم

مرحوم آیت الله فاضل با مردم و شاگردان خود خوش رفتار بود؛ مخصوصاً برای جوانان، احترام زیادی قائل بود و به آنان علاقه داشت. به

مسائل دینی افراد با تائی و حوصله تمام جواب می داد و هیچ احساس خستگی نمی کرد.

در برآوردن حاجات مردم، سعی وافر داشت. هنگامی که برخی از طلاب غریب، احتیاج به سکونت در مدرسه داشتند و از ایشان می خواستند سفارش به متولیان مدارس کند، بی تکلف همراه آنان می رفت و واسطه می شد و برای آنان حجره تهیه می کرد و شهریه و مایحتاج ضروری زندگی آنان را، مخصوصاً در زمان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، که احترام زیادی به ایشان قائل بود، فراهم می کرد.

به دلیل علاقه فراوانی که به طلاب داشت، چهار دختر خود را به ازدواج چهار نفر از طلاب فاضل درآورد. این در حالی بود که افراد دیگری وضع مادی بهتری داشتند، خواهان ازدواج بودند. ایشان که خود شیفته معارف و علوم دینی بود، فرزندان خود را نیز به فراگیری دروس حوزه ترغیب می کرد و از این رو هر چهار فرزند پسر وی به تحصیل دروس حوزوی روی آوردند. وقتی که شخصی بر این کار اشکال گرفت که خوب بود که تنها یکی از فرزندان به تحصیل دروس حوزه پردازد و دیگران را به امور مادی و تجارت می گماشتید، ایشان در جواب فرمود:

«چه کاری بهتر از طلبگی است؛ خداوند، خود روزی آنها را به عهده گرفته است و از این طریق ما به جامعه بهتر می توانیم خدمت کنیم.»

کوشا در تدریس

در تابستان و زمستان و حتی روزی که طفل سقط شده داشت، درس را تعطیل نکرد؛ بلکه او را غسل داده و در میان زنبیلی نهاد و همراه خود

ص: ۲۱۰

به مسجد آورد و طبق روال همیشگی درس خود را گفت. سپس در پایان متذکر شد که می خواهد به قبرستان برود و طفل سقط شده خود را دفن کند، که شاگردان از توجه ایشان به تعلیم و تدریس شگفت زده شدند.

ایشان در تدریس بسیار جدی بودند؛ به طوری که هر روز، صبح و عصر، چندین جلسه تدریس داشتند. اضافه بر آن در شب های ماه مبارک رمضان علم کلام والهیات را تدریس می نمودند و بقیه آن مباحث را در شب های پنج شنبه و جمعه، در طول سال بیان می کردند.

شیدای اهل بیت

یکی دیگر از صفات ایشان، علاقه زیاد به اهل بیت رسالت علیهم السلام بود؛ بخصوص هر گاه نام حضرت زهرا علیهاالسلام را می بردند، اشک او جاری می شد و هر گاه ذکر مصیبت سالار شهیدان علیه السلام را می شنید، چنان می گریست که شانه هایش تکان می خورد.

بینش سیاسی

در عراق، انقلابی به رهبری عبدالکریم قاسم انجام گرفت و عوامل انگلیسی ها را از بین برد. مردمی که سال ها از حکومت سلطنتی رنج دیده بودند، جذب احزاب منحرفی شدند که با شعارهای کاذب و آزادی خواهانه، عقاید مردم را به بازی گرفته بودند. هنگامی که از مرحوم آیت الله فاضل قاینی درباره این قبیل افراد سؤال شد که آیا اینان کافرند؟ ایشان، به سبب بینش صحیح سیاسی که داشت، دریافته بودند توطئه ای برای از بین بردن شیعه در کار است، جواب دادند که: اگر کسی از نظر اقتصادی تصوّر کند که احزاب منحرف راه نجات است، این سبب

نمی شود که حکم به کفر آنان کنیم. در این معنی بزرگان دیگری بودند که با ایشان همفکر بودند؛ ولی عده ای دیگر از علما حکم به کفر آنان دادند، و همین حکم سبب شد که شیعیان زیادی نابود شدند.

زهد و ساده زیستی

یکی از صفات پسندیده مرحوم آیت الله فاضل، زندگی ساده و بی تشریفات او بود. وی، خود تمام خرید خانه حتی نان را به عهده داشت. در فکر تجملات زندگی نبود. لباس و خوراک ساده داشت. در تمام مدت زندگی در نجف اشرف چندین خانه استیجاری عوض نمود.

وقتی که به ایران آمد نیز همان زندگی ساده را پیش گرفت و در خانه ای که مربوط به مسجد بود زندگی می کرد و تا هنگام رحلت، خانه ملکی تهیه نکرد.

تألیفات

آیت الله فاضل قاینی از دانشمندانی به شمار می آید که در بارور کردن فرهنگ غنی اسلام سهم به سزایی داشته اند. وی در علوم مختلف، مانند: فقه، اصول و کلام، آثار فراوانی از خود به جای گذاشت که به طور خلاصه به معرفی آنها می پردازیم:

الف _ آثار خطی

۱. آثار ایشان در فقه عبارت است از: «الدرر النجفیه»، که مشتمل بر مباحث مختلف فقهی است؛ رساله ای در رضاع؛ رساله ای نیز در ارث؛ شرح استدلالی مختصر بر «عروه الوثقی» از آیت الله سید کاظم یزدی رحمه الله؛ شرح استدلالی مختصر بر تبصره علامه حلی رحمه الله.

۲. آثار ایشان در علم اصول: یک دوره علم اصول به نام «الؤلوه

ص: ۲۱۲

الغرویّه»، که در سه جلد آماده چاپ می باشد.

۳. و اما تألیف ایشان در علم کلام، عبارت است از: کتابی بزرگ، که مشتمل است بر: اثبات توحید و صفات جمال و جلال، اثبات نبوت خاتم الانبیا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، اثبات معاد جسمانی، اثبات امامت دوازده امام علیهم السلام، اثبات عدالت حضرت باری تعالی، اثبات اختیار و نفی جبر و تفویض و بیان فلسفه و حکمت تشریح فروع دین.

ب _ آثار چاپ شده

رساله ای در مسأله ترتب، که در نجف اشرف به سال ۱۳۵۰ ق. در مطبعه الحیدریه چاپ گردیده است؛ کتاب «الدرر النجفیه» که در باب خمس و زکات و در سال ۱۳۵۴ ق. در نجف اشرف، در مطبعه الحیدریه چاپ و در سال ۱۴۰۶ ق. نیز در قم افست گردید. «حاشیه بر زاد المقلدین» مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء؛ «حاشیه بر تبصره المتعلمین» علامه حلی، که در نجف اشرف در مطبعه الآداب در سال ۱۳۸۱ ق. چاپ شد و در قم نیز در سال ۱۴۰۶ ق. بار دیگر افست گردید؛ «مختصر الدرّ الثمین فی معرفه اصول الدین»، در نجف اشرف به سال ۱۳۸۱ ق. به چاپ رسید.

ایشان بعد از هجرت به ایران و سکونت در تهران به فعالیت علمی خود ادامه دادند و کتاب مفصل کلامی خود را خلاصه و به نام «گوهر دین» در اصول و فروع دین در سال ۱۳۸۹ ق. در چاپخانه حیدری تهران طبع نمود. همچنین «ناظم الشتات» را تألیف و در سال ۱۳۹۸ ق. در همان چاپخانه به چاپ رساند. نیز، ایشان کتابی درباره حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین علیهم السلام به نام «العقل الاول» را نگاشت.

ص: ۲۱۳

شرح حال این فقیه نامدار را می توان در کتب رجال شناسان و فهرست نویسان معروف به دست آورد که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. علامه بزرگوار آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» قسمت نقباء البشر ذیل حرف میم به زندگی و آثار ایشان اشاره کرده است.

۲. دکتر شیخ محمد هادی امینی، فرزند علامه مجاهد آیت الله امینی رحمه الله نویسنده کتاب الغدیر، در کتاب «معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام» صفحه ۹۵۹، شرح حال ایشان را ذکر نموده و به آثار ایشان نیز اشاره داشته است.

۳. دکتر سید جعفر شهیدی، استاد دانشگاه تهران و سرپرست لغت نامه دهخدا در کتاب خاطرات خود، «در دیار آشنایان»، درباره آیت الله فاضل چنین می نویسد:

«از همه روشن تر خاطره مسجد کوچکی به نام حَمَّال ها را در ذهن داشتم که آقای فاضل قاینی در آن مجلسکی داشت و درس معقول می گفت. این مرد بر خلاف بسیاری از ملقبان بدین لقب، علاوه بر اسم، مسمی هم دارد؛ مردی به حقیقت فاضل است و از معقول و منقول برخوردار، دارای طبعی منیع...»

۴. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه» از «الدرر النجفیه» که تألیف آیت الله فاضل است، در قسمت خمس و زکات جلد هشتم صفحه ۱۴۰ (چاپ نجف اشرف) اشاره کرده است.

۵. علامه بزرگوار، حاج شیخ محمد رازی نیز در جلد نهم کتاب «گنجینه

دانشمندان» صفحه ۲۵۷، به تاریخ ولادت، شرح زندگی، مهاجرت، اجازه اجتهاد و آثار آیت الله فاضل پرداخته است.

۶. فرزند مرحوم سید امین عاملی در «مستدرک اعیان الشیعه»، شرح مبسوطی راجع به آیت الله فاضل دارد.

۷. در «المطبوعات النجفیه»، صفحه ۱۶۲ و در «معجم المطبوعات العراقیین»، ج سوم، صفحه ۲۲۵، نیز شرح احوال آثار ایشان درج گردیده است.

۸. خانبابا مشار در کتاب «مؤلفین کتب چاپی»، جلد چهارم، صفحه ۵۶۸ نیز از کتاب «الدرر النجفیه» یاد کرده است.

علاوه بر آنچه گذشت، «روزنامه خراسان»، مورخه ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۷۲ در صفحه ای با عنوان «ستاره های درخشان» شرح مفصلی از زندگانی آیت الله فاضل ارائه کرده و مجله «نور علم» هم در شماره هشتم از دوره سوم، راجع به «شرح کفایه» و مختصری از شرح حال ایشان به بحث پرداخته است.

وفات و آرامگاه

سرانجام پس از سال ها تلاش در راه اسلام و نشر احکام دینی، عمر شریفش به سرآمد و در روز جمعه، سیزدهم ربیع الاول سال یک هزار و چهارصد و پنج هجری قمری در ساعت سه بعد از ظهر، در شهر قم روحش به سوی حضرت حق پرواز نمود و بعد از تشییع و گزاردن نماز به وسیله حضرت آیت الله حاج سید محمد شاهرودی، در قبرستان باغ بهشت قم، در قطعه معروف به مقبره علما، دفن گردید.

ص: ۲۱۵

خبر درگذشت این عالم جلیل القدر از طریق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران پخش شد و روزنامه ها نیز خبر رحلت وی را منتشر نمودند.

به دنبال این خبر، مجالس ترحیم و بزرگداشت آن عالم بزرگ در شهرهای قم، تهران، قاین، بیرجند و زادگاهش روستای فضل آباد برگزار شد و شخصیت های مختلف اجتماعی، دینی، علمی و فرهنگی در آن مجالس شرکت نمودند. روحش شاد.

در انتهای این نوشتار بجاست، اشعاری که درباره آیت الله محمد فاضل قاینی سروده شده را بیاوریم.

آقای دکتر غلامحسین رضا نژاد «نوشین» اشعاری خطاب به حضرت معصومه علیهاالسلام سروده، که در ضمن یادی از دو استاد خود می کند:

... در پناهت آرمیده، خوبتر از جان من یعنی اندر خاک تو، دفنند، استادان من

آن فقیه بی بدیل و، این حکیم بی مثل این ز قزوین، آن ز قائن، حجت و برهان من

عقل آن در اصل حکمت، نقل این در فرع دین پایه کیش من و شالوده ایمان من

این «رفیعی» شهرت و آن «قائنی» مولد که هست تا قیامت حَقشان پاینده اندر جان من

این دو را بر من، حقوق اوستادی محرز است ثبت شد، با نام این دو، تا ابد عنوان من

«بوالحسن» آن و «محمد» این، که شرع و دین حق امتزاجی یافت از این دو، بچار ارکان من

آن حکیم و این کلامی، شیخ این و سید آن زین دو تن، رنگ کمال آمیخت، با نقصان من

هر دو بی همتا و یکتا، این بحکمت، آن بفقہ زین دو، در پهنه باشد، قوت جولان من

زین دو آیات الهی، زین دو نفس نفیس گشت رام این نفس کافر کیش و پُر عصیان من

گرچه رفتند و کسی بر جای خود، نگذاشتند جایشان در خُلد باد از رحمت یزدان من

ای ملیک مقتدر، ارواح آنان شاد دار در نعیمت، جایگاه صدقشان، آباد دار

یکی دیگر از علاقمندان، که در مدح ایشان اشعاری به عربی سروده، چنین می گوید:

تقدیم به حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی جناب آقای شیخ محمد القاینی الشهیر بالفاضل، دام ظلّه العالی، فی ربیع

الآخر ۱۴۰۰ _ اسفند ۱۳۵۸ _ من الهجرة النبویه علیه الصلاه و السلام. س _ ح _ م.

أما القائنی فی العلماء هو كالبدر فی نجوم السماء

عالم فاضل فقیه تقی هو شمس مفیضه بضیاء

برع الفقه فاق مجتهداً فيه حجه الدين أفضل الفقهاء

آیه الله فی الشریعه حقاً جامع العلم مقتدی الفضلاء

ألف (ناظم الشتات) کتاباً کاشفاً للعلوم کلّ غطاء

و له فی الکلام (گوهر دین) نافع المعضلات للحکماء

ص: ۲۱۷

و كذا أنشأ الرسائل ماذا أشرق في قلوبنا ببهاء

بلغ الشرع جاهداً بكمال فله ينبغى جميل ثناء

و به تنتهى الفضائل طراً أنما فيه وجهه الصلحاء

و يُسمّى محمّداً خير الأسماء سميّاً بخاتم الانبياء

ترجمه: قاننى در ميان علما، همانند ماه است ميان ستارگان آسمان. عالمى فاضل و فقيهى پارسا است، كه مانند خورشيد نورافشانى مى كند. چنان بر مسائل فقه آگاهى يافت، كه در آن صاحب نظر شد. او گواه بر دين و سرآمد فقيهان است. آيت بر حق الهى، در شريعت است. جامع علوم و مقتداى فضلا است، كتاب «ناظم الشتات» اثر او است، كه روشن كننده علوم است، و نيز در علم كلام كتاب «گوهر دين» كه بر طرف كننده مشكلات علمى حكيمان است، اثر ديگر اوست. رسائل و نوشته هاى دارد كه دل هاى ما را روشن مى كند. پيام شرعى خود را با كمال كوشش و خوبى انجام داد، و لذا سزاوار ستايش مى باشد. خوبى ها به او منتهى مى شود. نشانه صالحان در چهره او نمايان است. نام او محمد است كه بهترين نام ها است؛ چرا كه برگرفته از نام خاتم پيامبران صلى الله عليه و آله وسلم است.

پى نوشت:

۱. دستگيرى ايشان در روزنامه آزادى قاينات (مورخه ۱۵ آبان ۱۳۳۱) انعكاس يافت.

ص: ۲۱۸

ص ...

ج- ای عکس

محمد بن یحیی عطار قمی

ص: ۲۲۰

اشعریان قم ابتدا در یمن می زیستند. با اسلام آوردن مالک بن عامر، بزرگ خاندان اشعری، به مدینه رفتند و در آنجا به اسلام گرویدند. آنان با خدمات زیاد خود، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مورد توجه آن حضرت قرار گرفتند؛ به طوری که پیامبر درباره آنان دعا کرده، فرمود:

«خدایا اشعریان را افزایش بده».

حدود ۳۷۰ سال بعد از دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، جمعیت آنان به حدی افزایش یافت که فرزندان و نوادگان یکی از آنان به شش هزار نفر رسید. (۴۶۷) بیش از صد نفر از آنان بدون واسطه از ائمه معصومین علیهما السلام روایت نقل می کردند و در شمار یاران ایشان بودند (۴۶۸).

عبدالله و احوص دو فرزند سعد بن مالک بن عامر اشعری همراه با

خانواده و بستگان خویش، اولین افرادی بودند که در سال ۹۴ ق بر اثر فشارهای زیاد و رفتار ددمشانه حجاج بن یوسف، با شیعیان، به ویژه اشعریان، از کوفه به قم مهاجرت کردند.

احوص، فرزند سعد بن مالک، در ابتدای حضورش در قم، آتشکده ای را ویران کرد و به جای آن مسجدی بنا نهاد و برادرش عبدالله در آن مسجد به فعالیت های مذهبی پرداخت. پس از چندی، عبدالله و احوص به وسیله نامه، دیگر بستگان و خاندان خویش را به قم فراخواندند. در پی این درخواست، جمعی دیگر از اشعریان از کوفه به جمع شیعیان قم پیوستند. (۴۶۹) بدین جهت شهر قم از قرن دوم هجری مرکز تجمع شیعیان و دوستان اهل بیت و مرکز دانش و حدیث گردید.

محمد بن یحیی عطّار قمی یکی از راویان برجسته ای است که منتسب به این خاندان شریف اشعری می باشد. (۴۷۰) و پرورش یافته از این حوزه غنی علم و حدیث

تولد و کنیه

گرچه در کتابهای رجال از تاریخ ولادت و وفات این عالم و فقیه و محدّث بزرگوار سخنی به میان نیامده است، لکن از آنجا که وی از محضر استادانی چون محمد بن احمد بن یحیی ابن عمران اشعری (وفات ۲۸۰ ق) (۴۷۱) و محمد بن حسین بن خطّاب (وفات ۲۶۲ ق) (۴۷۲) استفاده کرده است و نیز افتخار استادی محدّث عظیم الشان ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (وفات ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق) (۴۷۳) و جمعی از راویان معروف دیگر چون ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه (صدوق اول، وفات ۳۲۹ ق) و

ص: ۲۲۲

محمد بن الحسن بن الولید قمی (وفات ۳۴۳ ق) (۴۷۴) را داشته است، پس باید وی در نیمه دوم قرن سوم تا اوایل قرن چهارم زیسته باشد.

کنیه محمد بن یحیی، ابو جعفر است.

محمد بن یحیی در یک نگاه

محمد بن یحیی، بزرگ دانشمندان شیعه قم، استاد مرحوم کلینی و محدثی با روایات زیاد و صاحب تألیفات متعدد مورد اعتماد اهل علم و حدیث، موثق و «عین» بوده است. (۴۷۵)

کلمه «عین» در لغت مشترک بین معانی زیادی است، مانند چشم، چشمه، برگزیده هر چیز سید، بزرگ. و در اصطلاح علمای رجال، چنان که در کتاب شریف رجال خاقانی در بخش تعلیقات بر «فوائد» وحید بهبهانی آمده است، ظاهراً مقصود از کلمه «عین» به شخصیت بزرگواری است که مورد توجه مردم و در نزد آنها، دارای جایگاه ویژه و رفعت باشد. (۴۷۶)

از این نکته معلوم می شود که محمد بن یحیی شخصیتی برجسته بوده و ارج و قرب خاصی نزد مردم داشته است.

وی چون بعضی اوقات به شغل عطاری می پرداخته، به عطار نیز لقب یافته است. (۴۷۷)

در منظر اهل نظر

هر کدام از رجال شناسان که از محمد بن یحیی عطار نامی برده اند، او را به بزرگی و عظمت یاد کرده و به وثاقت و صداقت و علم و تقوا ستوده اند.

ص: ۲۲۳

نجاشی (وفات ۴۵۰ ق) می نویسد:

«محمد بن یحیی، ابوجعفر قمی، استاد اصحاب ما در زمان خود بود. شخصیتی مورد توجه و اعتماد، صاحب امتیاز و کثیرالحدیث بود. وی کتاب های زیادی تألیف کرد که «مقتل الحسین» و «النوادر» از جمله آنهاست. عده ای از اصحاب ما تمام کتاب های او را از فرزندش احمد و وی هم از پدرش برای ما نقل نموده اند.» (۴۷۸)

شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ق) و حسن بن علی ابن داود (متولد ۶۴۷ ق) وی را از جمله کسانی شمرده اند که از ائمه معصومین علیهما السلام بدون واسطه روایتی نقل نکرده اند. نیز وی را از اهل قم و استاد ثقه الاسلام کلینی دانسته اند. (۴۷۹)

شیخ صدوق (وفات ۳۸۱ ق) می گوید:

«تمام روایاتی که در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از علی بن جعفر نقل کرده ام، از پدرم (رضی الله عنه)، از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی بن علی بوفکی روایت کرده ام و تمام روایاتی که از عمر بن یزید روایت کرده ام از پدرم (رضی الله عنه)، از محمد بن یحیی عطار، از یعقوب بن یزید، از محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی نقل نموده ام.» (۴۸۰)

محدث بزرگوار، شیخ میرزا حسین نوری (وفات ۱۳۲۰ ق)، صاحب کتاب ارزشمند «مستدرک الوسائل» هر کجا سندی نقل می کند که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن مورد وثوق وی باشد، می گوید:

«تمام آنها از موثّقین هستند و هیچ خلافتی در آنها نیست.» (۴۸۱)

ص: ۲۲۴

یا می گوید:

«این سند در اعلی درجه صحت است» (۴۸۲)

و یا می گوید:

«تمام افراد این سند از بزرگان هستند که هیچ تأملی در آنها نیست» (۴۸۳)

فقیه و فیلسوف و محدث بزرگوار، محمد باقر حسینی، مشهور به میرداماد (وفات ۱۰۴۱ ق) درباره سندی که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن هم مورد اطمینان وی باشند، می گوید:

«صحيح و عالی الاسناد است».

وی محمد بن یحیی عطار قمی را به وثاقت و کثرت روایت و استادی محمد بن یعقوب کلینی می ستاید. (۴۸۴)

شناسایی محمد بن یحیی عطار

نام محمد بن یحیی که در سلسله اسناد بسیاری از روایات آمده، بین چند نفر مشترک است. (۴۸۵)

الف) محمد بن یحیی سلیمان خثعمی کوفی که از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و بیش از ۲۹ روایت از وی با این مشخصات نقل شده است. (۴۸۶)

ب) محمد بن یحیی خزّاز کوفه که از اصحاب امام کاظم علیه السلام می باشد. وی شخصیتی برجسته و معتبر و مورد توجه بیشتر مردم بوده و صاحب کتاب «النوادر» است. (۴۸۷)

ج) محمد بن یحیی عطار قمی، شهید ثانی می گوید:

ص: ۲۲۵

«هر سه از راویان مورد وثوق هستند، در صورتی که محمد بن یحیی به طور مطلق در سلسله سند قرار گیرد، از طریق طبقه و زمان حیات و روایاتی که از وی نقل شده، تشخیص داده می شود. هر کجا ثقه الاسلام کلینی در اوّل سند نام «محمد بن یحیی» را ذکر کند، مقصود محمد بن یحیی عطار قمی است؛ چون وی در طبقه استادان کلینی می باشد.» (۴۸۸)

تعداد روایات

روایاتی که از محمد بن یحیی (به طور مطلق) نقل شده به ۵۹۸۵ روایت می رسد که با توجه به قرائنی از قبیل نقل راویانی چون، علی بن الحسین بن بابویه، محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن الحسن بن ولید و محمد بن یعقوب کلینی که از شاگردان محمد بن یحیی عطار قمی می باشند، تعداد زیادی از آن روایات از وی است؛ (۴۸۹) اما روایاتی که به عنوان محمد بن یحیی، با وصف عطار، نقل شده، به ۵۸ روایت می رسد. (۴۹۰) بنابراین مجموع روایت هایی که محمد بن یحیی عطار قمی نقل کرده، به چندین هزار روایت می رسد.

کتاب شریف «کافی» تألیف حدیث شناس بزرگ، ثقه الاسلام کلینی، پر از روایات و احادیث محمد بن یحیی است، به گونه ای که هیچ برگی از آن خالی از نام شریف محمد بن یحیی نیست علاوه بر این، هر کجا مرحوم کلینی احادیثی را تحت عنوان «عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی» آورده، مقصودش از «عده» محمد بن یحیی، علی بن موسی کمیدانی، داود بن کوره، احمد بن ادريس و علی بن ابراهیم هاشم

بنابراین تعداد زیادی از روایات دیگر نیز از محمد بن یحیی خواهد بود.

تألیفات

کتاب هایی که ابوجعفر، محمد، تألیف کرده است، عبارتند از:

۱. مقتل الحسين عليه السلام که درباره حادثه جانسوز کربلا و شهادت اباعبدالله الحسين عليه السلام می باشد؛ (۴۹۲)
۲. النوادر (۴۹۳)؛ علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد: «نوادر» عنوان عامی بوده برای بعضی از تألیفات علما در چهار قرن اول هجری که یک یا چند ویژگی از ویژگیهای زیر را داشته باشد:

۱. احادیث گردآوری شده در آن، مشهور نباشد،

۲. روایات آن دارای مضمون و حکمی ناآشنا باشد،

۳. حکم روایات، استثنا و تبصره محسوب شود،

۴. روایاتی که مؤلف در هنگام به پایان رسیدن تألیف خود به آنها دسترسی پیدا کرده باشد، آن گاه می نویسد: کتاب های نوادری که ما از آنها اطلاع یافته ایم، نزدیک به دویست کتاب است (۴۹۴) که یکی از آنها از آن محمد بن یحیی عطار قمی است. (۴۹۵)

استادان

شناخت استادان از آن جهت حائز اهمیت است که هر شاگردی به اندازه ظرفیت خود می تواند آینه سجایا و مکارم الاخلاق و علوم استاد خویش باشد.

محمد بن یحیی عطار قمی در حضور بسیاری از دانشمندان و راویان برجسته و بزرگان حدیث زانو زد و کسب علم و معرفت نمود. اینک به طور خلاصه بعضی از آنها را معرفی می کنیم:

ابراهیم بن هاشم، پدر بزرگوار علی بن ابراهیم، صاحب تفسیر معروف می باشد که کنیه اش «ابواسحاق قمی» است. وی از بزرگان شیعیان کوفه بود. سپس به شهر قم مهاجرت کرد، او از یاران امام رضا و امام جواد علیهما السلام به شمار می رفت. (۴۹۶)

ابراهیم کتاب های متعددی تألیف کرد که «التوادر» و «قضایا امیرالمؤمنین» از جمله آنها است. (۴۹۷) با وجود آن که ابراهیم بن هاشم در زمره یاران امام رضا علیه السلام بوده، اما هیچ روایتی از آن حضرت نقل نکرده است. بر خلاف آن روایات متعددی از امام جواد علیه السلام نقل کرده است. (۴۹۸)

مجموع روایاتی که از ابراهیم بن هاشم قمی نقل شده است، ۶۴۱۴ مورد می باشد. (۴۹۹)

آیت الله خویی می نویسد:

«سزاوار نیست درباره موثق بودن ابراهیم بن هاشم شک و تردید به خود راه داد» (۵۰۰)

۲. احمد بن ابی زاهر: نجاشی و شیخ طوسی، هر دو، محمد بن یحیی عطار قمی را از اصحاب خاص احمد بن ابی زاهر می دانند. (۵۰۱) نام پدرش موسی و کنیه اش «ابوجعفر» است. وی منتسب به خاندان برجسته اشعریان و از چهره های برگزیده و مورد توجه قم بوده است.

او کتاب های زیادی در زمینه های مختلف تألیف نمود که بعضی از آنها عبارتند از: «البداء»، «التوادر»، «کتاب صفة الرسل و الانبیاء و الصالحین»،

«الزکاه»، «احادیث الشمس و القمر»، «الجمعه و العیدین»، «الجبر و التفویض» و «ما یفعل الناس حین یفقدون الامام».

نجاشی می گوید:

«ابن شاذان به ما اجازه داد که تمام کتاب های وی را از احمد، فرزند محمد بن یحیی عطار، از پدرش، از احمد بن ابی زاهر نقل و استفاده کنیم. (۵۰۲)»

آیت الله خوبی تصریح نموده است که محمد بن ابی زاهر یکی از چهره های مورد اطمینان و معتبر و برجسته زمان خویش بود؛ (۵۰۳)

۳. احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری قمی: وی یکی از عالمان و فقهای زبده شیعه محسوب می شد و علاوه بر این که در حوزه حدیث برجستگی ویژه ای داشت، در میدان سیاست و مدیریت نیز شایستگی های خوبی از خود نشان داد. (۵۰۴)

او در شمار یاران حضرت امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام قرار داشت و فقیه، رییس، بزرگ قم و از محدثان موثق شیعی بود (۵۰۵) و بیش از ۲۲۹۰ روایت نقل کرده است؛ (۵۰۶)

۴. ایوب بن نوح: ابوالحسن، ایوب بن نوح، فرزند درّاج نخعی، وکیل حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بود و از یاران آن دو امام و نیز امام هادی علیه السلام به شمار می رفت. در نقل روایات مورد وثوق و در عبادت بسیار کوشا و از بندگان صالح خدا بود. پدر بزرگوارش در کوفه قاضی بود. وی از شیعیانی بود که بر اعتقادات صحیح خود استقامت می ورزید. (۵۰۷) برادرش جمیل بن درّاج نیز از محدثان برجسته و بزرگوار بود. (۵۰۸)

ص: ۲۲۹

ابو عمرو کشی می گوید:

«ایوب بن نوح از مردان صالح پروردگار محسوب می شد. وقتی از دنیا رفت، به جز ۱۵۰ دینار، از مال دنیا چیز دیگری به ارث نگذاشت، با این که وی وکیل ائمه (علیهمالسلام) بود و اموال زیادی در اختیار داشت»؛ (۵۰۹)

. حمدان بن سلیمان نیشابوری: نجاشی می گوید:

کنیه اش ابوسعید و از چهره های برجسته اصحاب ما، مورد وثوق و صاحب کتاب است؛ (۵۱۰)

۶. عبدالله بن جعفر حمیری قمی: شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ق) می نویسد:

«عبدالله کنیه اش ابوالعبّاس و شخص مورد وثوق و اطمینان و در زمره یاران امام هادی و امام حسن عسگری علیهماالسلام بوده است»؛ (۵۱۱)

نجاشی نوشته است:

«وی بزرگ علمای قم بود. در سال ۲۹۰ و اندی از قم به کوفه رفت. بزرگان و علمای کوفه از حمیری اخبار و روایات زیادی را شنیدند و کتاب های زیادی تصنیف نمودند»؛ (۵۱۲)

مرحوم شیخ در «فهرست» پانزده کتاب را برای ایشان برمی شمرد که البته این کتاب ها از بین رفته اند. تنها کتابی که از وی بر جای مانده، کتاب معروف «قرب الاسناد» است که یکی از مآخذ کتب اربعه شیعه را تشکیل می دهد. در آخرین چاپ، به ضمیمه کتاب «جعفریات» به وسیله آقای احمد صادقی اردستانی تصحیح، تنظیم و چاپ شده است؛ (۵۱۳)

ص: ۲۳۰

۷. عبدالله بن محمد بن عیسی، برادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی؛ (۵۱۴)

۸. عمر کی بن علی بوفکی: نجاشی می گوید:

«ابومحمد عمر کی بن علی اهل بوفک، یکی از قریه های نیشابور، بود و استاد راویان و اصحاب ما، مورد اطمینان و صاحب کتاب «الملاحم» و «النوادر» است.» (۵۱۵)

۹. محمد بن عبدالجبار ابی صهبان قمی، از اصحاب امام هادی و امام عسگری علیهما السلام؛ (۵۱۶)

۱۰. محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری: با وجود آن که محمد بن احمد صحابی چهار امام (امام جواد و امام هادی و امام عسگری و امام زمان - علیهما السلام -) بوده، ولی هیچ حدیثی بدون واسطه از ایشان نقل نکرده است. بدین جهت شیخ طوسی وی را در شمار کسانی آورده که بدون واسطه از امام روایت نقل نکرده اند. (۵۱۷)

شیخ طوسی:

«محمد بن احمد را عالمی ارزشمند دانسته که روایات زیادی نقل کرده است. (۵۱۸) نجاشی نیز وی را در نقل حدیث مورد اعتماد می داند. (۵۱۹)

یکی از تألیفات مهم وی کتاب «النوادر» است. این کتاب چنان مورد توجه راوی شناس بزرگ، شیخ ابوالعباس نجاشی، قرار گرفته که از آن به عنوان «کتابی نیکو» یاد کرده است. این کتاب بسیار پر حجم و مفصل است؛ به گونه ای که خود ۲۲ کتاب را در بر می گیرد. وی در حدود سال ۲۸۰ ق از دنیا رفت. (۵۲۰)

ص: ۲۳۱

۱۱. محمد بن حسین بن ابی خطاب: بنا به نقل نجاشی، ابوجعفر محمد بن حسین همدانی، فرزند ابی الخطاب و جدش «زید» و شخصی عظیم القدر، بزرگوار، کثیرالحدیث، مورد وثوق است. نجاشی وی را یکی از اصحاب برگزیده خویش معرفی کرده است. از جمله تألیفات وی است: «التوحید»، «المعرفه و البداء»، «الرد علی اهل القدر»، «الامامه»، «اللؤلؤه»، «وصایا الائمة علیهم السلام» و «کتاب النوادر». او در سال ۲۶۲ ق از دنیا رفت؛ (۵۲۱)

۱۲ و ۱۳. محمد بن عبدالجبار، و محمد بن علی بن محبوب؛ (۵۲۲)

۱۴. یعقوب بن یزید: شیخ طوسی نوشته است: یعقوب بن یزید، کاتب انباری، کثیرالروایه و مورد وثوق و صاحب کتاب «النوادر» است. وی و پدرش هر دو ثقه هستند و یعقوب از یاران امام کاظم، امام رضا و امام هادی علیهماالسلام بوده است.

نجاشی وی را از منشی های «المنتصر» بر شمرده، وی را به وثاقت و صداقت می ستاید. به گفته نجاشی، کتاب های «البداء»، «المسائل»، «نوادر الحج» و «الطعن علی یونس» از آن وی است. (۵۲۳)

شاگردان

محمد بن یحیی عطّار قمی پس از کسب فیض از استادان بسیار، خود نیز بر کرسی استادی نشست و شاگردان زیادی تربیت نمود؛ بعضی از آنها عبارتند از:

۱. محمد بن یعقوب کلینی: از افتخارات بزرگ وی این است که شاگردی چون کلینی، مؤلف کتاب «کافی»، را تربیت کرد. کلینی در جای جای کتاب

ص: ۲۳۲

«کافی» از استادش حدیث نقل کرده است؛

۲. علی بن الحسین بن بابویه قمی: افتخار دوم محمد بن یحیی این است که صدوق اول، علی بن الحسین (پدر بزرگوار محمد بن علی شیخ صدوق که به دعای حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آید، در حضور وی زانو زده و کسب فیض نموده است؛ (۵۲۴)

۳. محمد بن حسن بن احمد بن ولید: شیخ طوسی می گوید:

«محمد بن حسن، دانشمندی جلیل القدر، آگاه به رجال و مورد اطمینان است. او در علوم گوناگون کتاب های زیادی دارد که از آن میان می توان به «الجامع»، «التفسیر» اشاره کرد. (۵۲۵)

نجاشی او را پیشوا و بزرگ و فقیه علمای قم دانسته است. محمد بن حسن در قم می زیست، ولی اصالتاً قمی نبود. او او دانشمندی مورد اعتماد بود. و در سال ۳۴۳ ق وفات یافت؛ (۵۲۶)

۴. فرزندش احمد بن محمد بن یحیی؛

۵. محمد بن علی ماجیلویه قمی: شیخ در کتاب شریف رجالی خود او را از کسانی می شمارد که بدون واسطه از ائمه علیهماالسلام روایتی نقل نکرده اند و از افتخارات وی این را می داند که شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی می باشد. (۵۲۷)

شیخ صدوق، از وی روایات زیادی نقل نموده است و هرگاه نام وی را می برد برای وی طلب رحمت و رضایت می کند.

علامه حلی در کتاب رجال خود او را مورد وثوق و اطمینان معرفی می کند؛ زیرا محمد بن علی ماجیلویه در سلسله سندی قرار گرفته که شیخ صدوق آن را صحیح شمرده است؛ (۵۲۸)

ص: ۲۳۳

۶. محمد بن موسی بن متوکل: شیخ صدوق (علیه الرحمه) از وی بسیار حدیث نقل کرده است. علامه حلّی و ابن داود، دو رجال شناس معروف، وی را در بخش افراد مورد وثوق نام برده اند. (۵۲۹)

سید بن طاووس در کتاب شریف «فلاح السائل» خبر داده که همه رجال شناسان بر وثاقت وی نظر دارند. (۵۳۰)

آیت الله خوئی نیز وی را شخصی موثق دانسته است. (۵۳۱)

فرزندان

در کتب رجالی از تعداد فرزندان وی اطلاع دقیقی به دست نیامد. آنچه مسلم است این است که وی فرزندی به نام «احمد» داشته و راوی کتاب های پدر خویش بوده است.

ابوعلی، احمد بن یحیی، یکی از استادان شیخ صدوق و تلعبیری می باشد، بلکه بعضی وی را از مشایخ نجاشی نیز شمرده اند که آیت الله خوئی این را نمی پذیرد. (۵۳۲)

شیخ طوسی وی را از کسانی شمرده که از ائمه علیهما السلام بدون واسطه روایتی نقل نکرده اند. برخی روایات وی در سال ۳۵۶ ق نقل شده که این نکته را نشان می دهد. وی از راویان برجسته در اوایل قرن چهارم است.

پدرش و سعد بن عبدالله از استادان وی بوده اند. او شاگردانی چون: حسین بن عبیدالله و ابوالحسین بن ابی جَیْد تعلیم و تربیت کرده است. (۵۳۳)

روایتی از محمد بن یحیی عطار

همان گونه که بیان شد کتاب شریف «کافی» مملوّ از احادیثی است که در سلسله سند آن نام محمد بن یحیی چون ستاره ای می درخشد. چنانچه

ص: ۲۳۴

روایاتی که او نقل کرده در کتابی گرد آید، کتابی بزرگ و مفصل خواهد شد. در اینجا مناسب است به عنوان نمونه تعدادی از روایات وی را ذکر کنیم:

شناخت عقل

اولین حدیث «اصول کافی» در کتاب عقل و جهل با حدیث محمد بن یحیی عطار شروع می شود.

۱. مرحوم کلینی می گوید:

جمعی از اصحاب ما که محمد بن یحیی عطار یکی از آنها است از احمد بن محمد از... امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:

«چون خداوند عقل را آفرید، او را به سخن گفتن واداشت و به او فرمود: پیش بیا. پیش آمد. فرمود: بازگرد، بازگشت. سپس فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که محبوب تر از تو نزد من باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی، کیفر و پاداشم، تنها متوجه تو خواهد بود.» (۵۳۴)

۲. محمد بن یحیی با چند واسطه از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت کرده:

«دوست هر انسانی عقل او و دشمن او جهلش است.» (۵۳۵)

طلب علم

۳. محمد بن یحیی با چند واسطه از امام صادق علیه السلام :

قال: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ؛

به دنبال دانش رفتن واجب است.» (۵۳۶)

ص: ۲۳۵

۴. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده:

«ای مردم بدانید، کمال دین طلب علم و عمل به آن است. بدانید طلب علم بر شما از طلب مال لازم تر است؛ زیر خداوند عادل مال را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده است و به شما خواهد رسید؛ ولی «علم» نزد اهلش نگهداشته شده و شما مأورید آن را از اهلش طلب کنید. پس در جستجوی علم بکوشید.» (۵۳۷)

برتری علم

۵. با واسطه از امام باقر علیه السلام:

«عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛

عالمی که از علمش بهره ببرد (و به آن عمل کند) بهتر از هفتاد هزار عابد است.» (۵۳۸)

۶. با واسطه از امام صادق علیه السلام: «دانشمندان وارثان پیامبران هستند؛ زیرا پیامبران طلا و نقره به ارث نمی گذارند، تنها سخنانی بر جای می گذارند که هر کس بدان ها عمل کند، بهره بسیار برده است. پس نیکو بنگرید که از چه کسی علم می آموزید؛ زیرا در خاندان ما اهل بیت، در هر عصر، جانشینان عادلانی هستند که تغییر دادن غلو کنندگان و به خود بستن خرابکاران و بد معنی کردن نادانان را از دین برمی دارند.» (۵۳۹)

توضیح: خرابکاری در دین طبق این روایت سه گونه است:

الف) کلمه یا جمله قرآن یا حدیث را به نفع و سلیقه خویش تغییر دادن. این عمل گاهی از مسلمانان غلو کننده سر می زند؛

ب) کسانی که متدین نیستند، خود را به دین بندند یا مطلبی که از دین نیست، به دین نسبت دهند؛

ص: ۲۳۶

ث) قرآن و حدیث را از معنی حقیقی خود برگردانند.

در هر دوره امامان یا علمای عادل هستند که از این اعمال جلوگیری می کنند.

صفت عالمان

۷. محمد بن یحیی با واسطه از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«دانش بیاموزید و همراه آن خود را با خویشتن داری، حلم و وقار بیارائید. با دانش آموزان متواضع و با استاد خود فروتن باشید. جزء عالمان متکبر نباشید؛ چرا که با رفتار باطل حق ضایع می شود.» (۵۴۰)

۸. از امام رضا علیه السلام نقل کرده:

«از نشانه های فهمیدن دین، خویشتن داری و خاموشی است.» (۵۴۱)

توحید

۹. محمد بن یحیی با واسطه از نافع بن ازرق چنین نقل کرده است که وی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد:

«خدا از چه زمانی بوده؟ حضرت فرمود:

مگر چه زمانی نبوده تا به تو بگویم از چه زمانی بوده! منزّه است خداوندی که همیشه بوده و خواهد بود، یکتا و بی نیاز است و همسر و فرزند ندارد.» (۵۴۲)

ضرورت حجّت خدا

۱۰. با واسطه از امام صادق علیه السلام :

«اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشد، یکی از آن دو امام است.» (۵۴۳)

ص: ۲۳۷

۱۱. در روایت دیگر فرمود:

«اگر در ساکنان زمین تنها دو نفر باشند، یکی از آن دو امام است»

و فرمود:

«آخرین کسی که از دنیا می رود امام است تا شخصی نتواند بر خدای عزوجل احتجاج کند که او را بدون حجت وا گذاشته است». (۵۴۴)

تقوی

۱۲. محمد بن یحیی با واسطه از امام صادق علیه السلام:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَصُورُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ؛

تقوای خدا پیشه کنید و دین خود را با ورع حفظ کنید». (۵۴۵)

پی نوشت ها:

۵۴۶. «کتاب تاریخ قم»، حسن بن محمد بن حسن قمی، ترجمه حسن بن علی، ص ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۶۸.

۵۴۷. همان، ص ۲۷۸.

۵۴۸. همان، ص ۲۵۳، ۲۵۷ و ۲۶۳.

۵۴۹. «معجم رجال الحدیث» آیت الله خویی، چاپ پنجم، ج ۱۹، ص ۳۴.

۵۵۰. «ستارگان حرم»، دفتر سوم، ص ۲۵۹، به نقل از «معجم المؤلفین»، ح ۵، ص ۲۸.

۵۵۱. «رجال النجاشی»، ص ۲۳۶.

۵۵۲. رجال الطوسی، ص ۴۹۶.

۵۵۳. «معجم رجال الحدیث»، خویی، چاپ پنجم، ج ۱۹، ص ۱۰ و «رجال الطوسی»، ص ۴۹۵.

۵۵۴. همان، ج ۱۹، ص ۳۳.

۵۵۵. «رجال الخاقانی»، علی خاقانی، ص ۳۲۲.

٥٥٦. «بشاره المؤمنين في تاريخ قم والقميين»، قوام اسلامي، ص ٢٠٨.

٥٥٧. «رجال النجاشي»، ص ٢٥٠.

ص: ٢٣٨

٥٥٨. «رجال الطوسي»، ص ٤٩٥ و «رجال ابن داود»، ص ٣٤٠.
٥٥٩. «من لا يحضره الفقيه»، شيخ صدوق، ج ٤، شرح ص ٤، ٨ و ٩.
- ٥٦٠ و ٥٦١ و ٥٦٢. «مستدرک الوسائل» محدث نوری، طبع المكتبه الاسلاميه، ج ٣، ص ٦١١، ٦١٨.
٥٦٣. «التعليقه على كتاب الكافي»، محمد باقر حسيني مرعشي (مشهور به داماد)، ج ١، ص ٧٦ و ٣٦٥.
٥٦٤. «تنقيح المقال»، المامقاني، ج ٣، ص ١٩٩.
٥٦٥. معجم رجال الحديث، خويي، ج ١٩، ص ٣٧.
٥٦٦. رجال النجاشي، ص ٢٥٤.
٥٦٧. «الدرايه في علم مصطلح الحديث»، شهيد ثاني، ص ١٢٩.
٥٦٨. «معجم رجال الحديث»، خويي، ج ١٩، ص ٩.
٥٦٩. همان، ص ٤٤.
٥٧٠. «رجال النجاشي»، ص ٢٦٧.
- ٥٧١ و ٥٧٢. همان، ص ٢٥.
٥٧٣. «الذريعه الى تصانيف الشيعه»، شيخ آقا بزرگ تهراني، ج ٢٤، ص ٣١٥ و ٣١٦.
٥٧٤. همان، ص ٣٤١.
٥٧٥. «الفهرست»، شيخ طوسي، ص ٤.
٥٧٦. «رجال النجاشي»، ص ١٢.
٥٧٧. «معجم رجال الحديث»، خويي، ح ١، ص ٢٩٠ و ج ١٩، ص ٤٤.
- ٥٧٨ و ٥٧٩. همان، ج ١، ص ٢٩١.
٥٨٠. «رجال النجاشي»، ص ٦٤ و «الفهرست»، شيخ طوسي، ص ٢٥.
٥٨١. «رجال النجاشي»، ص ٦٤.

٥٨٢. «معجم رجال الحديث»، خويى، ج ٢، ص ٢٩ و ج ١٩، ص ٤٤.

٥٨٣. «رجال النجاشى»، ص ٥٩، ٦٠.

٥٨٤. «رجال العلّامة الحلّى»، ص ١٤.

٥٨٥. «معجم رجال الحديث»، خويى، ج ٣، ص ٩٠ و ج ١٩، ص ٤٤.

٥٨٦ و ٥٨٧. «معجم الرّجال»، قهپايى، ج ١، ص ٢٤٨.

٥٨٨. «اختيار معرفة الرجال (رجال الكشى)»، شيخ طوسى، ص ٥٧٢، حديث ١٠٨٣.

٥٨٩. «رجال النجاشى»، ص ١٠٠.

٥٩٠. «رجال الطوسى»، ص ٤١٩.

٥٩١. «رجال النجاشى»، ص ١٥٢.

ص: ٢٣٩

۵۹۲. برای اطلاع بیشتر از زندگی این راوی به «ستارگان حرم»، دفتر چهارم، ص ۶۱ - ۶۹ مراجعه شود.
۵۹۳. «معجم رجال الحدیث»، ح ۲۱، ص ۳۳۳ و ج ۱۹، ص ۴۴.
۵۹۴. «معجم الرجال»، قهپایی، ج ۴، ص ۲۷۴، به نقل از نجاشی.
۵۹۵. «معجم رجال الحدیث»، خویی، ج ۱۹، ص ۴۴ و ج ۱۵، ص ۲۷۶.
۵۹۶. «رجال الطوسی»، ص ۴۹۳.
۵۹۷. «الفهرست»، شیخ طوسی، ص ۲۳۱.
۵۹۸. «رجال النجاشی»، ص ۲۴۵.
۵۹۹. همان، ص ۲۴۵ و «الفهرست»، شیخ طوسی، ص ۱۴۴ و ۱۴۵. برای اطلاع بیشتر از زندگی این راوی به «ستارگان حرم»، دفتر سوم، ص ۲۴۲ تا ۲۶۱ مراجعه شود.
۶۰۰. «رجال النجاشی»، ص ۲۳۶.
۶۰۱. برای اطلاع و آشنایی با این دو راوی جلیل القدر به «ستارگان حرم»، دفتر هشتم مراجعه شود.
۶۰۲. «معجم رجال الحدیث»، خویی، ج ۱۹ و ح ۲۱، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.
۶۰۳. برای اطلاع بیشتر از زندگی این راوی به «ستارگان حرم»، دفتر هشتم، ص ۶۹ مراجعه شود.
۶۰۴. «الفهرست»، شیخ طوسی، ص ۱۵۶.
۶۰۵. «رجال النجاشی»، ص ۲۷۱. برای اطلاع بیشتر به ستارگان حرم، دفتر هشتم ص ۲۱۴ - ۲۳۵ مراجعه شود.
۶۰۶. «رجال الطوسی»، ص ۴۹۱.
۶۰۷. «تنقیح المقال»، مامقانی، ح ۳، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
۶۰۸. «معجم رجال الحدیث»، ج ۱۸، ص ۳۰۰ و ج ۱۹، ص ۴۴.
۶۰۹. «فلاح السائل»، سید بن طاوس، ص ۱۵۸.
۶۱۰. «معجم رجال الحدیث»، ج ۱۸، ص ۳۰۰.

٦١١. همان، ج ٣، ص ١٢٠.

٦١٢. همان، و «الجامع في الرجال»، موسى زنجاني، ح ١، ص ١٨٦.

٦١٣. «اصول كافي»، ترجمه سيد جواد مصطفوي، ج ١، ص ١٠.

٦١٤، ٦١٥، ٦١٦، ٦١٧ و ٦١٨. همان، ج ١، ص ١٢، ٣٥، ٣٩، ٤٠.

٦١٩، ٦٢٠، ٦٢١، ٦٢٢ و ٦٢٣. همان، ج ١، ص ٤٤، ٤٥، ١١٨، ٢٥٣ و ٢٥٤.

٦٢٤. همان، ج ٣، ص ١٢٢.

ص: ٢٤٠

دکتر سید عبداللہ ضیائی «خطیب دانشور» * * * محمدتقی ادھم نژاد

ص: ۲۴۱

ص ...

ج- ای عکس

دکتر سید عبدالله ضیایی

ص: ۲۴۲

دکتر سید عبدالله ضیایی* از چهره های برجسته ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالیه دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود (۶۲۵) از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. سید حسین، پدر بزرگوار وی، مردی متدین و شب زنده دار بود (۶۲۶) و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی اش به کشاورزی (برنج کاری) و نوغان داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود. وی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلم طالقانی _ که از طالقان برای تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می آمدند _ قرآن و برخی از کتب متداول آن

زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سند اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی (۶۲۷) و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کشتی گیری گیل مردان حاضر می شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید.

آیت الله دکتر ضیایی پس از تحمل سختی های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید.

ورود به حوزه قم

دکتر ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می نویسد:

«من به همراه عدّه ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجردی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم.

در سال ۱۳۲۳ ه. ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند:

ص: ۲۴۴

هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». (۶۲۸)

آیت الله دکتر ضیایی با نبوغ و هوش فوق العاده اش، ضمن آن که توانست خیلی سریع مراحل تحصیلی و کتاب های رایج حوزوی آن زمان را طی کند و سرآمد هم قطاران گردد، سطوح پایین تر را برای عده ای از طلاب تدریس می نمود.

ورود به نجف اشرف

دکتر ضیایی، در سال ۱۳۲۷ ش به قصد زیارت عتبات مقدس عراق و نیز ادامه تحصیل در حوزه نجف، از قم به آن دیار عزیمت می کند و مابقی سطوح را در آنجا به اتمام می رساند و به مدت سه سال تمام در آن دیار ماندگار می شود.

معظم له درباره این قسمت از زندگی خود، چنین آورده:

«سپس به اتفاق دو نفر از دوستان صمیمی عازم زیارت کربلا به طور قاچاق شدیم. ولی من تصمیم داشتم در نجف بمانم و پس از توفیق زیارت عتبات مقدسه در نجف ماندم. و دو سه سالی که در نجف بودم، خوب موفق به عبادات و زیارات و دروس بودم؛ به طوری که در مدرسه حاج میرزا خلیل سمت مدرّسی «معالم» و «مغنی» یافتم و قصد توطن کردم؛ اما روزگار جریانی برای خانواده ام پیش آورد که پدر و مادرم با اصرار هر چه زیادت، بازگشتم را دستور دادند؛ لذا اطاعت کرده و در قم اقامت گزیدم.»

ص: ۲۴۵

آیت الله دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس خارج آیت الله بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت حضرات: علامه طباطبایی و امام خمینی حاضر و تنها از این بزرگواران بهره مند شد.

اقامت آیت الله ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج «کفایه» و «رسائل» و «مکاسب» آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی رحمهم الله شرکت جست. وی در این باره می نویسد:

«من نیز دروس آیات عظام: خوانساری، غروی رشتی _ که شاید در علم اصول بی نظیر بود _، آقا میرزا هاشم آملی و آقا باقر آشتیانی را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرسی داشتم و نیز به دعوت آیت الله خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق عده زیادی از فضلاء تهران و قم _ که از آن جمله شهید مطهری بود _ در امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.»

ورود به دانشگاه

مرحوم دکتر ضیایی، از جمله برجستگان ممتاز حوزوی بود که به دانشگاه راه یافت و در ضمن تحصیل در دانشگاه جهت اخذ مدرک لیسانس در رشته معقول و منقول، از مبارزه و مقابله علمی با عناصر

غریزده و اساتید منحرف دانشگاه غافل نبود. ایشان با این که به راحتی می توانست جذب مراکز دولتی شود و علی رغم طعنه ها و ملامت های مخالفان روحانیت در محیط دانشگاه، وارد این مرکز نشد و مصمم و استوار تلاش های علمی خود را در دانشگاه ادامه داد.

او فعالیت در دستگاه طاغوتی را جایز نمی دانست. این در حالی بود که وضع معیشت بر او بسیار سخت می گذشت و دوستان و دشمنان، هر کدام به طریقی او را مورد ملامت قرار می دادند که چرا با این مدرک با ارزش، استخدام نمی شوی تا وضع زندگی و آینده ات سر و سامانی بیابد؟

در این باره می نویسد:

«تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرأت دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیت الله خوانساری پرسیدم که طلبه ای چنین و چنان است و می گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم ممکن است داد مظلومی و یا جای یک بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند: «این همه، وسوسه های شیطانی است و شیطان قوی است.» و قصه ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل است. «و بعد فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می گذرد، چرخ دستی بگیرد و سیب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، دریاکنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب

داشتم.»

دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:

«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاه» حُسن ظَنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: «اهم یقسمون رحمہ ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم.» (۶۲۹)

وقتی این آیه را دیدند، کائنه علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء الله همان‌طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.»

دکتر ضیایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ ش به امامت جماعت نازی آباد تهران مشغول شد و از دوستان و همکاران نزدیک آیت الله کاشانی (۶۳۰) در مبارزه علیه حکومت وقت بود.

ص: ۲۴۸

آیت الله دکتر ضیایی، بعد از اخذ مدرک دکترا و اخذ اجازات اجتهاد (۶۳۱) از آیات عظام، به امر مراجع تقلید، تهران را به قصد توطن در گیلان ترک کرد و در آستانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش، به امر آیات عظام، بویژه حضرت امام خمینی قدس سره، مأمور به امامت جماعت مسجد جامع و مدیریت حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید.

خدمات اجتماعی و فرهنگی

آیت الله ضیایی جزو معدود عالمانی بود که توفیق یافت منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی گردد؛ از جمله خدمات وی است:

۱. بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه، با تجهیزات کامل.

۲. تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که بسیاری از آنان در سمت امامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسلامی خدمت می کنند.

۳. احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه با گنبدی بسیار زیبا.

۴. احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه.

۵. احداث و مرمت مساجد و حسینیه های فراوان در منطقه.

۶. احداث پمپ بنزین.

۷. احداث ساختمان های فراوان وقفی از قبیل حمام و

۸. اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش های پسندیده و موفق وی در این باب بود.

از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می فهمید که او را به کدام محل بفرستند تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می کنند.

محبوبیت

در استان گیلان در این اواخر، کمتر عالمی را سراغ داریم که از محبوبیت فراگیر در میان توده ها و طبقات مردم برخوردار باشد؛ با این همه در آستانه اشرفیه دو عالم برجسته دارای محبوبیت زاید الوصفی هستند: مرحوم آیت الله شیخ حسین وحید و مرحوم دکتر ضیایی.

مرحوم وحید اهل معنا و باطن بود و دکتر ضیایی مناعت طبع داشت و با اخلاص بود. مردم منطقه دین داری خود را مرهون خدمات و زحمات آن علمای ربانی می دانند.

در آستانه اشرفیه و سایر شهرهای شرقی گیلان در کمتر محافل و مجالسی و حتی در قهوه خانه ها _ که مردم خسته از کار برای نوشیدن چای به آنجا می آیند _ می توان سراغ گرفت که سخن از دکتر ضیایی و سخنان و آداب و برخورد اجتماعی او نباشد. او به قدری محبوبیت در بین

ص: ۲۵۰

مردم داشت که حتی ساواک کاملاً رابطه عاطفی بین او و مردم را به مقامات بالا گزارش داده بودند.

موقعیت علمی

مرحوم دکتر ضیایی از جمله شخصیت های برجسته و شاخصی بود که با توجه به تحصیلات دانشگاهی و تسلط و احاطه بر مبانی مسلک ها و شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان، منزل خود را پایگاه پاسخ گویی به سؤالات علمی و شبهات گوناگون اساتید دانشگاه ها، فرهنگیان، گروه های مختلف از قبیل توده ای ها، بهایی ها، کمونیست ها و جوانان مسلمان دانشجو و... قرار داده بود. او نقش به سزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت. او کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود.

وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می شد؛ در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچک آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به شمار می رفت و در این راستا با عده ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند مرحوم آیت الله احسان بخش، آیت الله قربانی و... همکاری داشت.

فعالیت سیاسی

او مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی _ که نشانه مشروع ندانستن حکومت طاغوت بود _، در

عرصه های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی ها، در مناسبت های مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته ها، کتب و تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاهش از بین رفت. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان (۶۳۲) به منظور تدوین قانون اساسی انتخاب گردید و سپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سمت دبیر شورا هم انجام وظیفه می کرد. (۶۳۳) به همت ایشان و جمعی از بزرگان حوزه علمیه و مدرسین عالی مقام، نخستین برنامه جهت ساماندهی و قانون مندی دروس و امور مربوط به طلاب تدوین شد.

حالات معنوی

دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری علم و دانش تلاش می کرد، به همان اندازه نیز متخلّق به آداب و اخلاق نبوی و سیره عملی معصومین علیهم السلام بود. او علم و تعهد و معنویت را با هم آمیخته بود. آیت الله زین العابدین قربانی، امام جمعه لاهیجان، درباره حالات این مرد والا مقام می گوید:

«در سال ۱۳۵۶ ش، که ما به همراه ایشان (دکتر ضیایی) به

حج مشرف شده بودیم، در روز عرفه، معظم له با حال خوشی دعای سید الشهداء علیه السلام را به گونه ای سوزناک می خواندند که هنوز طنین آن سوز و گدازها در گوش من موجود است. هم چنین می توان به شجاعت و دلیری و غیرت مندی وی اشاره نمود؛ به نحوی که در رژیم شاه معمولاً ایشان مسلح بود و سلاح حمل می نمود و هم چنین می توان به توان ایشان در زمینه بحث و جدل پیرامون انواع موضوعات بویژه عقاید و دفاع از حریم ولایت عظمی اشاره نمود که ساعت ها می توانست پیرامون آنها بحث و مناظره کند.»

دکتر ضیایی از طبع شاعرانه هم بی بهره نبود و اشعاری از ایشان به یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در مدح حضرت بقیه الله الاعظم _ عجل الله تعالی فرجه الشریف _ سروده است، در اینجا می آوریم:

شب دردمند عاشق چه شب دراز باشد غم دل به دل سراید، پی فاش راز باشد

چو خیال دلبرش را، به عیادتش ببیند همه درد او شود به، همه ناله ساز باشد

سپری شده است عمرم، پی وصل آن یگانه که وصال آن پریش، همه دم نیاز باشد

نظر ار به مهر دارد، همه درد را زداید چه رسد که لب گشاید، همه دلنواز باشد

همه عمر رنج بردم ره وصل او کنم طی شده طی کتاب عمرم، ره وصل باز باشد

غم دل فراز گفتم، مگرش قبول افتد به قبولی اش گهی چون گهی سرفراز باشد

همه درد من ز هجرش، همه ناله ام ز مهرش چه شود که آن سلیمان، نگهش به ناز باشد

به امید آن که آید، سر من به بر بگیرد دم آخرین خود را، به سرم نماز باشد

مخراش ای «ضیایی» دل خود به پنجه غم که امیر دادگستر، شه غم نواز باشد (۶۳۴)

رحلت

سرانجام آیت الله سید عبدالله ضیایی، که به امراض معده و سرطان مبتلا شده بود و پس از معالجات ممتد در ایران و خارج (اتریش و انگلیس) در شب شام غریبان حضرت ابی عبدالله علیه السلام در بیست و سوم مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا شتافت.

با توجه به سابقه طولانی و خدمات بی نظیر آن عالم ربانی، مردم منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان، جامه عزا به تن کردند و همه جا را سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و متعددی در همه شهرها، بخش ها و روستاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید. مجالس متعددی نیز از سوی بزرگان در تهران، قم و... منعقد شد.

فرزندان آیت الله ضیایی نقل کرده اند که: در شب وفات، حالت بیهوشی به آن مرحوم دست داد؛ به طوری ما خیال کردیم از دنیا رفته است. لذا شروع به گریه و زاری کردیم؛ ولی پس از چندی، ایشان به

ص: ۲۵۴

هوش آمدند و فرمودند: چرا مرا برگردانید؟ آن گاه فرمودند: من نماز نخوانده ام. سپس با همان حالت ضعف و ناراحتی تیمم نمودند، نماز به جا آوردند و با خنده فرمودند: گلاب بپاشید، مگر نمی بینید؟! و چندین بار این جمله را تکرار کردند. ما نیز این کار را انجام دادیم. در این هنگام نیم قامت برخاستند و در حالی که می خندیدند و کلماتی زیر لب زمزمه می کردند، چشم از جهان فرو بستند و ما به یاد جمله امیرالمؤمنین علیه السلام افتادیم که فرمود:

يا حارِ هَمْدانِ مَنْ يَمُتُ يَرِنِي مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قُبَلًا

پی نوشت ها:

* این مقاله بر اساس نوشته های مرحوم آیت الله دکتر ضیایی قدس سره و نیز بر اساس سخنان فرزندان وی (محمد و علی و سجاد) که در اختیار حضرت آیت الله قربانی، امام جمعه محترم لاهیجان قرار گرفته بود، نگاشته شد.

ر.ک: «پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن»، محمد علی قربانی، ص ۸۷۴ _ ۸۸۰؛ «گنجینه دانشمندان»، شیخ محمد رازی؛ «سیمای لنگرود» رفیع لاهیجی و مجله «نور علم»، دوره سوم، ش ۹، ص ۸۲.

۱. شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان و در ۷۰ کیلومتری رشت است. لنگرود ترکیبی از دو کلمه است: «لنگ» به معنای محلّ پهلویگیری کشتی ها، و «رود». رودخانه ای بزرگ این شهر را به دو قسمت تقسیم می کند. این شهرستان دارای آب و هوایی معتدل و در کنار دریای نیلگون خزر و در دامنه کوه های سرسبز و پوشیده از جنگل و بوته زارهای چای البرز واقع شده است. شغل مردم لنگرود کشاورزی و صیادی، و محصولات آن برنج، چای، مرکبات، ماهی، و... می باشد. از این شهرستان، بزرگان زیادی برخاسته اند که آیات عظام: میرزای رشتی، ملا عبدالله مازندرانی، شیخ شعبان رشتی و سید مرتضی لنگرودی از معاریف آن است.

لنگرود از شرق به رودسر، از جنوب به لاهیجان و از شمال و غرب به دریای خزر محدود می شود. جمعیت آن بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ هزار نفر است. ر.ک: «سیمای لنگرود».

ص: ۲۵۵

۲. سید حسین علاقه شدیدی به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ابراز می داشت و با وجود کارهای طاقت فرسای کشاورزی، که به تعبیر مقام معظم رهبری که برنج کاری را «کار رنج و برنج» نامیده اند، اغلب اوقات عمرش را پای منابر سخنوران و واعظان نامدار و شیرین سخن آن ناحیه سپری می کرد و بسیار مایل بود که خداوند به او فرزندی عنایت کند تا در کسوت روحانیت، پیام رسان کلام الهی باشد. با دعای خیر آن سلاله سادات، فرزندش آیت الله دکتر ضیایی توانست علاوه بر تکمیل معارف و اخذ مدارج عالی علمی و کسب مقامات معنوی، در شمار سخنوران نامی منطقه گیلان درآید. مادرش نیز از زنان پاکدامن و باصفای باطن بود که همانند سایر زنان گیلانی و شمالی اکثر اوقات عمرش را در مزارع شالیکاری، همدوش مردان تلاش فوق العاده و فداکارانه ای را داشتند.

۳. استعداد سرشار و حافظه قوی افراد، علاوه بر ارثی بودن به عوامل دیگری نیز بستگی دارد؛ همانند استفاده از غذاهای طبیعی (ماهی و...) و نیز بهره گیری از محیط های آب و هوای سالم و پاکیزه (جنگل، سبزه زار، دریا و...).

۴. سخنانی که در میان گیومه قرار گرفته، نقل عین متن دستنوشته آیت الله ضیایی است و بدون دخل تصرف و ویرایش، نقل شده است.

۵. ترجمه: آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما معیشت آن ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم. (زخرف / ۳۲).

۶. مرحوم آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی یکی از روحانیون مبارز با حکومت پهلوی و نماینده مجلس شورای ملی بود و نقش به سزایی در ملی کردن نفت و مبارزه با ایادی استعمار در ایران داشت. مرحوم دکتر ضیایی با توجه به معلومات و استعداد سرشار و توانایی در مدیریت، یکی از مشاوران امین، لایق، کاردان و در عین حال متقی و مهذب در امور مجلس و بیرون از مجلس شورای ملی مرحوم آیت الله کاشانی به شمار می رفتند.

۷. معظم له با توجه به سوابق تحصیلی، اجازه کم نظیری از اساتید و آیات عظام خصوصاً امام خمینی، آیت الله بروجردی، سید احمد خوانساری و... داشتند؛ اما متأسفانه بسیاری از این اجازات، نامه ها، کتب و تقریرات درسی و تزیینات گاهی شان در آتش سوزی منزلشان که به وسیله عوامل ساواک انجام گرفت، از میان رفت.

۸. مرحوم آیت الله دکتر ضیایی به همراه شهید آیت الله ربانی املشی، مرحوم آقای

لاهورتی، آقای محفوظی و به همراه عده ای از گروه های منافق و چپ در استان گیلان، جهت تدوین قانون اساسی کانیداً شدند که آقایان احسان بخش، ضیایی، محفوظی، شهید ربانی املشی با اکثریت آرا انتخاب شدند.

۹. مرحوم دکتر ضیایی از بی نظمی ها و بی برنامهگی های موجود در حوزه همواره ناراحت بود. لذا برای سامان دهی امور حوزه، به همراه بزرگان و مدرسین حوزه علمیه طرح مدیریت حوزه را به اجرا درآورد و با تمهیداتی توانست هسته اولیه نهاد حوزوی را تهیه و به تصویب امام و سایر بزرگان حوزه برساند.

۱۰. متأسفانه اشعار مرحوم دکتر ضیایی در همان آتش سوزی منزل شان دستخوش حوادث شده و از میان رفته است. ر.ک: «پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن».

ص: ۲۵۷

سید یحیی مدرس‌سی زاده یزدی «مربی بزرگ» * * * مهدی صحرائی اردکانی

ص: ۲۵۹

ص ...

ج-ای عکس

سید یحیی مدرسی زاده یزدی

ص: ۲۶۰

یکی از علمای عامل و ربانی برخاسته از یزد، مرحوم آیت الله حاج سید یحیی مدرس‌سی زاده یزدی است. این مقاله جهت آشنایی با این شخصیت فرزانه به رشته تحریر درآمده است.

تولد

آیت الله مدرس‌سی در سال ۱۳۲۰ ق. در خانواده‌ای مذهبی در یزد پا به عرصه وجود گذاشت و با تولد خویش شادی و سرور را برای خانواده مدرس‌سی هدیه آورد. (۶۳۵)

پدر

پدر بزرگوارش میرزا سید علی اصغر و پدر پدرش میرزا محمد تقی است. جدّ آیت الله مدرس‌سی زاده، حاج میرزین العابدین (متوفای)

ص: ۲۶۱

۱۲۷۲ق) _ برادر میرزا سید محمد علی مدرس یزدی (۱۱۹۳ _ ۱۲۶۵ ق) _ می باشد. (۶۳۶)

تحصیلات

حاج سید یحیی، در کودکی پا به مکتب خانه «شیخ عالی جناب» گذاشت که معمولاً بزرگ زادگان در مدرسه خان (در یزد) نزد او به مکتب می رفتند. سپس مقدمات دروس حوزوی و دروس سطح را نزد علمای بنام حوزه علمیه یزد پشت سر گذاشت.

در سال ۱۳۴۱ ق. با دوست خود، مرحوم باعشی یزدی (۱۳۸۲ق)، آهنگ قم نمود و در آن حوزه تازه تأسیس، از محضر علمای اعلام آنجا بهره گرفت.

ایشان ده سال در قم به تحصیل ادامه داد و با تحمّل رنج و غربت، در سال ۱۳۵۱ ق. رهسپار عتبات عالیات و نجف اشرف شد تا در آنجا به تکمیل مراحل تحصیلی خود پردازد و استفاده بیشتری از محضر علمای آن حوزه ببرد. او با تلاش و پشتکار فراوان توانست تا مرحله اجتهاد پیش رود و در این زمینه موفق به اخذ اجازه اجتهاد از شخصیت های بزرگ آن زمان: آیت الله حایری یزدی (۱۲۷۶ _ ۱۳۵۵ق) و سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ _ ۱۳۶۵ ق)، شد. و نیز از طرف محدث عظیم الشان شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳ _ ۱۳۸۹ق) و دیگران اجازه روایی دریافت کرد. آیت الله مدرسی همزمان با شرکت در درس های محققانه حوزه علمیه نجف، به تدریس علوم حوزوی در مقطع سطح و سطح عالی پرداخت. او از سال ۱۳۶۲ ق. به تعلیم و تربیت طلاب و فضلا در مقطع

ص: ۲۶۲

وی در عمر با برکت خود از محضر اساتیدی بهره برده است:

الف) در یزد.

۱. آقا میرزا سید احمد مدرس (۱۲۹۵ _ ۱۳۸۸ق) (۶۳۸)؛ در حالات وی آورده اند:

«ایشان عالمی عامل، فقیهی پارسا و مدرسی کوشا و انسانی قانع بود که هیچ گاه در طول عمر بابرکتش دست از ادای وظیفه شرعی بر نمی داشت. اخلاق نیک و پشتکار و نظم ایشان در برنامه های زندگی از ویژگی های بارز این عالم فرهیخته است. این عالم متقی، بیشتر عمر خود را با تنگی معاش سپری کرد و در زمان وسعت هیچ گاه قناعت را فراموش نکرد.» (۶۳۹)

۲. آقا سید مرتضی مدرس معروف به «شیخ مرتضی» (۱۳۳۳ ق)؛ (۶۴۰) آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله در توصیف این عالم ربانی می نویسد:

«در تمامی علوم عقلی و نقلی، علامه بود. افزون بر آن صاحب اخلاقی پسندیده، سخاوتی ریشه دار، نامی نیک، بلند آوازه، ادبی چشمگیر، درکی قوی، اندیشه ای سلیم و دقتی ژرف بود و تعجبی نیست؛ چرا که وی از خاندانی علوی است.»

آقا سید مرتضی به سبب همانندی های فراوانش به شیخ مرتضی انصاری، (۱۲۱۴ _ ۱۲۸۱ ق)، به «شیخ مرتضی» معروف بود.

برخی از تألیفات وی چنین است:

«مناهج السوئيه في تحري العلوم المهمه النظرية»؛ «مفتاح البيان في النحو»؛ «كتاب في الاصول»؛ «كتاب في الفقه» و «كتاب في الكلام». (۶۴۱)

۳. آقای سید حسین مدرّس باغ گندمی (۶۴۲) (۱۲۷۰ - ۱۳۶۶ق)؛ (۶۴۳) ایشان از شاگردان آیت الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی رحمه الله است.

در احوال وی آمده است:

«وی شخصی دقیق و در استنباط سخت باریک بین بود، (۶۴۴) از زخارف دنیوی کمتر بهره می گرفت. روح و جسمش در گرو معنویات و مطالعه و در طهارت و پیراستگی زبانزد بود.»

معظم له پس از ۶ سال زندگی پربرکت بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش در بقعه جنب امام زاده جعفر یزدی به خاک سپرده شد. (۶۴۵)

۴. آقا سید علیرضا حایری (۶۴۶)

ب _ در شهر مقدس قم.

وی در این شهر از حضرات آیات عظام عصر خویش مثل عالمان ذیل استفاده کرد:

۱. آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)؛ (۶۴۷) وی همان مجدّد حوزه علمیه قم است.

از جمله تألیفات ایشان است: «دُرر الفوائد فی الاصول»؛ «کتاب الرضاع»؛ «کتاب الصلاه»؛ «کتاب الموارث»؛ «کتاب النکاح» و... (۶۴۸)

۲. آیت الله آقا سید علی یتربی کاشانی (۱۳۱۱ - ۱۳۷۹ ق)؛ (۶۴۹) وی از شاگردان سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ق) و سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۸ - ۱۳۳۷ ق) و آقا ضیاءالدین عراقی (متوفای ۱۳۶۱ ق) و میرزا حسین نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) است.

ص: ۲۶۴

وی استاد امام خمینی قدس سره و آیت الله آقا سید محمد یزدی معروف به «داماد» (۱۳۸۸ ق.) و آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله میرزا هاشم آملی است.

در حالات ایشان آمده است:

«وقتی دانشمندان و فضلا به دیدارشان می شتافتند، غالباً او را با خادم منزل اشتباه می گرفتند؛ زیرا ایشان با شب کلاه و قبای ساده ای مراجعین را می پذیرفت؛ این روحیه بود که به طلاب و دانشمندان مجال و جرأت بحث می داد. به حدی مردمی زندگی می کرد که ارباب رجوع بدون هیچ مانع برای رفع مشکلات، حتی مشکلات خانوادگی شان به ایشان مراجعه می نمودند و چه بسا توقع نوشتن دعا و یا خواندن اذان بگوش نوزادان خود را از ایشان داشتند.» (۶۵۰)

۳. آقا سید محمد حجّت کوه کمره ای (۱۳۱۰ - ۱۳۷۲ ق.) (۶۵۱)

از جمله تألیفات وی است: «رساله الاستصحاب»؛ «البيع»؛ «حاشیه الکفایه»؛ «رساله الصلوه»؛ «رساله الوقت» و «لوامع الأنوار الغرویه فی مرسلات الآثار النبویه». (۶۵۲)

۴. آقا سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵ - ۱۳۷۱ ق.) (۶۵۳)

۵. آقا میرزا محمد همدانی در جزینی (۱۳۱۵ - ۱۳۶۵ ق.)؛ (۶۵۴) وی از شاگردان مرحوم حایری یزدی و مورد وثوق کامل ایشان بود. از ویژگی های بارز درس مرحوم همدانی، خوش بیانی و شیرین زبانی بی حد و حصر او بود. ایشان صاحب «رساله علی الید» می باشد. (۶۵۵)

ج) اساتید وی در عتبات عالیات، عبارتند از حضرات آیات عظام:

ص: ۲۶۵

۱. آقا ضیاء الدین عراقی (متوفای ۱۳۶۱ ق)؛ (۶۵۶) از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حوزه درس فقه و اصول او محل استفاده علمای برجسته عرب و عجم بود. در لطافت بیان و روانی زبان، گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. وی صاحب «مقالات الاصول» و «شرح تبصره علامه» می باشد. (۶۵۷)

۲. مرجع تقلید شیعیان، آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۸۴_۱۳۶۵ ق)؛ (۶۵۸) در حالات وی آمده است:

«از خطاهای مردم می گذشت و در حفظ آبروی آنها می کوشید. به مردم بذل و بخشش می کرد. در حین بخشش، آنها را راهنمایی می کرد که منحرف نشوند و پیش همه کس حاجت نبرند تا دست ردّ به سینه شان نزنند.» (۶۵۹)

۳. آقا میرزا حسین نائینی (۱۲۷۶ _ ۱۳۵۵ ق)؛ (۶۶۰)؛ وی از عالمان برجسته و فقهای عصر و از شاگردان سید محمد مدرس، در زمان حاج میرزا محمد حسن میرزای شیرازی و مرجع تقلید بسیاری از مردم شیعه در بلاد اسلامی مختلف بود.

از جمله تألیفات او: «تنبيه الامه و تنزيه المله في لزوم مشروطيه الدوله» و «المنتخبه لتقليل الظلم على افراد الامه» است که در اوایل نهضت ملی مشروطیت ایران و به فارسی نوشته است. (۶۶۱)

شاگردان

بنا به نقل فرزند مرحوم آیت الله مدرسی، ایشان چند دوره خارج «مکاسب»، که عادت مراجع بر آن است، و سپس خارج کتاب «عروه

ص: ۲۶۶

الوثقی» اثر آیت الله طباطبایی یزدی رحمه الله را تدریس کرده است. تدریس خارج اصول هم بر اساس نوشته های خودشان بوده است. (۶۶۲)

در محضر این سید بزرگوار عالمانی چند پرورش یافته و خود را از این دریای بی کران علم، سیراب ساخته اند؛ از جمله حضرات آیات عظام و حجج اسلام:

۱. حاج سید علی حسینی خامنه ای (حفظه الله تعالی): (۶۶۳) ایشان رهبر معظم انقلاب اسلامی و نائب امام زمان (عج) و از پرچمداران حکومت شیعه می باشد. آیت الله خامنه ای هم اکنون مرجع تقلید بسیاری در داخل و خارج ایران است.

۲. حاج شیخ حسین وحیدخراسانی؛ وی هم اکنون (۱۳۸۰ش) از مراجع تقلید شیعه به شمار می رود.

۳. حاج سید عباس خاتم یزدی؛ از جمله نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و منتخب مردم استان یزد و عضو دفتر مقام معظم رهبری بود. از حوزه درسی وی طلاب و فضلا بهره می بردند. وی در شهریور ۱۳۸۰ش. دار فانی را وداع گفت و جنازه اش با احترام فراوان در تهران و یزد و قم تشییع شد و پس از نماز، که به امامت حضرت آیت الله بهجت برگزار شد، در حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن گردید.

۴. حاج سید محمد روحانی.

۵. سید رضا خلخالی: وی از فضلا و علمای حوزه علمیه نجف و امام جماعت رواق مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و هم اکنون در زندان رژیم صدام گرفتار است و از وی خبری در دست نیست. ایشان از شاگردان حضرت آیت الله العظمی خویی رحمه الله بوده و تقریرات درسی حج

آیت الله خویی در پنج جلد، از تألیفات ایشان است.

۶. سید صادق خلخالی رحمه الله؛ وی از شاگردان برجسته آیت الله خویی و نیز از فضیله حوزة علمیه نجف به شمار می رفت و امامت جماعت که از مساجد تهران را برعهده داشت. پدر وی آیت الله حاج سید علی خلخالی، امام جماعت رواق حضرت علی علیه السلام بود.

۷. آقا سید علی فانی اصفهانی؛ زندگی نامه ایشان در جلد پنجم «ستارگان حرم» به چاپ رسیده است.

۸. سید محمدرضا میبدی؛ وی از علمای مبرز گران است که هم اکنون مدرسه علمیه سردار زیر نظر ایشان اداره می شود.

۹. سید محمدرضا اصفهانی؛ از علمای تهران و امام جماعت بعضی از مساجد معروف بود. وی فرزند حضرت آیت الله حاج سید حسین اصفهانی، داماد مرحوم حضرت آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، می باشد.

۱۰ و ۱۱. حاج سید محمدعلی و حاج سید عباس؛ دو فرزند گرامی ایشان هستند، که متأسفانه حاج سید محمدعلی مدرسی در آبان ماه ۱۳۸۰ در قم دار فانی را وداع گفت.

۱۲. سید غلامرضا واعظی رحمه الله؛ داماد ایشان و از علما و مدرّسین حوزة علمیه نجف و قم بود. وی از شاگردان خاص حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی رحمه الله بود و تقریرات درس ایشان را بر عهده داشت.

۱۳. سید محمد باقر مدرسی ثانوی؛ داماد ایشان و از فضیله و مدرّسین حوزة علمیه نجف اشرف و از شاگردان آیت الله سید محمود

شاهرودی رحمه الله بود و اجازه اجتهاد هم از ایشان داشت. بعد از آن به یزد رفته، در مسجد ریگ و برخوردار به اقامه جماعت و بیان احکام می پرداخت. آن مرحوم مورد علاقه دو چهره علمی نامور یزد آقایان: سیدعلی محمد وزیری و حاج شیخ غلامرضا یزدی و جمیع مردم یزد بود.

۱۴. حاج آقای رودباری؛ وی هم از فضلا و مدرسین حوزه نجف بود. فعلاً در رشت مقیم است و از علما و مدرسین و مروجین دین به شمار می رود.

۱۵. آقای شیخ محمد رحمتی سیرجانی؛ از علمای حوزه علمیه نجف و از شاگردان آیت الله شاهرودی رحمه الله و آیت الله سید حسین حمامی بود. وی در محضر آیت الله مدرسی زاده به کمال علمی نایل شد و اکنون در حوزه علمیه قم به تدریس اشتغال دارد.

۱۶. آقای شیخ محمد ربانی بیرجندی؛ وی که شخصیتی فاضل و ارجمند در حوزه نجف به شمار می رفت، از شاگردان آیت الله شاهرودی رحمه الله بود. او بعد از تکمیل دروس در نجف، به بیرجند کوچ کرد و اکنون حوزه علمیه بیرجند تحت سرپرستی ایشان است.

۱۷. آقای شیخ مراد علی زابلی؛ از علمای برجسته و نامدار نجف بوده و فعلاً هم در زابل مشغول ترویج دین است و حوزه علمیه این منطقه را سرپرستی می کند.

۱۸. شیخ مهدی احمدی شاهرودی؛ از فضلالی حوزه علمیه نجف و از شاگردان آیت الله خویی بود که در تهران اقامه جماعت می کرد و در اثر تصادف وفات نمود.

۱۹. شیخ حیدر علی یزدی رحمه الله؛ وی از علما و فضلالی نجف بود که بعد

از بازگشت از نجف، در کرج مشغول تبلیغ و اقامه جماعت و تدریس در حوزه شد.

۲۰. شیخ محمد غروی قزوینی؛ از علما و فضلا و مدرسین حوزه علمیه نجف و قم و فعلاً هم در قم مشغول به تدریس و تحقیق است و از وی آثار علمی ارزشمندی منتشر شده است.

۲۱. سید حبیب الله طاهری گرگانی؛ از علما و فضیلاى نجف به شمار می رفت و هم اکنون علاوه بر تدریس در مدرسه ملا محمد تقی گرگان، عضو مجلس خبرگان رهبری است.

۲۲. شیخ مرتضی ناطق یزدی؛ از فضلا و در تهران مشغول ترویج دین می باشد.

۲۳. شیخ محمد نجفی افغانی رحمه الله؛ از فضیلاى حوزه علمیه نجف بود.

۲۴. سیدهادی عرب رحمه الله؛ از فضیلاى حوزه و بسیار اهل دقت و تحقیق در درس بود.

۲۵. شیخ عبدالله فقیهی بروجردی رحمه الله؛ از علمای نجف اشرف و قم بود. وی در حیاتش خدمات ارزنده ای مثل احداث «کلینیک شبانه روزی قرآن و عترت» انجام داده است.

۲۶. سید مهدی روحانی؛ از علمای برجسته قم و عضو مجلس خبرگان بود و در سال ۱۳۸۰ به رحمت ایزدی پیوست.

۲۷. سید عباس اعتمادی کاشانی رحمه الله؛ از فضیلاى نجف و از علما و مروجین دین در کاشان بود.

۲۸. سید محمد کلاََتر خوزستانی رحمه الله؛ از علما و بزرگان و مدرسین نجف اشرف بوده و مدیر مدرسه «جامعه النجف الاشرف» و صاحب تعلیقه ده

جلدی بر «شرح لمعه» و تعلیقه بر «مکاسب» شیخ انصاری و شرح مختصر بر «کفایه» بود. او نقش زیادی در طلاکاری درهای حرم حضرت علی علیه السلام داشت.

۲۹. سید علاء الدین بحر العلوم؛ از علمای نجف اشرف و امام جماعت رواق مقدس حضرت علی علیه السلام بود که اینک در زندان صدام جنایتکار محبوس است.

۳۰. شیخ حبیب ساوجی رحمه الله؛ وی نیز از فضلالی نجف و در تهران اقامه جماعت داشت.

۳۱. آقای شیخ حسین دولت آبادی اصفهانی رحمه الله؛ از علمای نجف و از مدرسین و مبلغین دین در اصفهان بوده و کتابی پنج جلدی در شرح «کفایه» نگاشته است.

۳۲ و ۳۳. سید کاظم و سید مهدی رفسنجانی، معروف به «اخوان مرعشی»؛ این دو برادر در ابتدای ورود به حوزه نجف مدتی شاگرد آیت الله مدرسی زاده بوده اند.

۳۴ و ۳۵. شیخ محمد و شیخ عباس دشتی؛ از علما و مدرسین نجف و قم هستند که اکنون در خانه، دوران دشوار پیری را می گذرانند.

۳۶. شیخ باقر تهرانی رحمه الله؛ وی از علمای نجف بود که در درس آیت الله شاهرودی هم حاضر می شد.

۳۷. حاج شیخ حسن قاضی یزدی؛ از فضلالی حوزه های علمیه نجف و قم است و اکنون در یزد مشغول تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت می باشد.

۳۸. سید جعفر کریمی؛ از علمای حوزه علمیه قم است.

۳۹. سید مصطفی مصطفوی کاشانی؛ از علمای نجف و فعلاً در کاشان تدریس می کند. (۶۶۴)

آیت الله مدرس سی زاده، در عمر بابرکت خود علاوه بر تدریس و تربیت طلاب، تألیفات گرانبھایی هم به یادگار گذاشته و آن را ذخیره روز قیامت خود قرار داده؛ که برخی از آنها عبارتند از:

۱. «قاعده لاضرر».

۲. «مُنَجَّزات مریض».

۳. «تقریرات درس اصول مرحوم آقا ضیاء عراقی».

۴. «تقریرات درس بیع مرحوم نائینی».

۵. «اجتهاد و تقلید».

۶. «رساله هایی در ابواب مختلف فقه».

۷. «حاشیه توضیح المسائل» که به چاپ رسیده است.

۸. رساله علمیه، به نام «انیس المؤمنین» که به چاپ رسیده است.

۹. «حاشیه عروه الوثقی».

۱۰. (تقریرات) «جوائز سلطان» که به قلم فرزندش، آیت الله حاج سید عباس مدرس سی زاده یزدی، به تحریر درآمده است.

۱۱. «کتاب زکات».

۱۲. «تقریرات اصول و فقه» که به قلم فرزندان ایشان (سید عباس و سید محمد علی) و داماد ایشان سید غلامرضا واعظی است.

(۶۶۵)

آیت الله مدرس سی زاده از زبان بزرگان

آیت الله میرزا هاشم آملی در مورد موقعیت علمی ایشان در تدریس خارج فقه و اصول، گفته است:

ص: ۲۷۲

«آقای مدرسی، محقق عراقی (آقا ضیاء) دوم است.»

آیت الله سید جعفر مرعشی نقل کرده است:

«خدمت مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بودم که جماعتی از یزد خدمت ایشان آمدند و عرض کردند که ما از یزد آمده ایم تا از وجود شما استفاده کنیم. آیت الله اصفهانی فرمودند که آقای سید یحیی مدرسی یزدی هستند دیگر احتیاج به آمدن منزل ما نبود. این سخن دلالت بر عظمت و شأن علمی و اخلاقی آیت الله مدرسی زاده می کند.»

آیت الله شیخ محمد رضا مظفر می فرمودند:

«مرجع، آیت الله سید یحیی مدرسی یزدی است که همه جهات علم و تقوا و زهد و بزرگی در او جمع است.»

آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی (دامت برکاته)، که حدود چهل سال قبل در تهران برای یزدی ها منبر می رفتند، می فرمودند:

«آقای مدرسی یزدی دارای فضل و علم و شایسته مرجعیت است.»

عارف عامل، مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری، می فرمودند:

«آیت الله مدرسی یزدی آنچه در سینه داشت از علم و فضل و معرفت و عرفان بیش از آن بود که بر زبانش جاری بود.» (۶۶۶)

ویژگی ها

سید یحیی در زندگی سراسر درس خود، ویژگی هایی داشت که هر یکی از این ویژگی ها می تواند الگوی ما در عرصه های مختلف زندگی

ص: ۲۷۳

۱. استفاده از تعطیلات: آیت الله مدرسی، علاوه بر ایام درسی حوزه، در ایام تعطیلی هم دست از تلاش بر نمی داشت. لذا در این ایام به طلاب و فضلا علم هیئت و قواعد فقهیه را می آموخت.

۲. همراهی با نهضت امام امت قدس سره: وقتی که امام خمینی قدس سره در ایران، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش را پایه ریزی کرد، یکی از کسانی که در نجف اشرف ایشان را تأیید و همراهی می کرد، آیت الله مدرسی بود. وی با تلگراف ها و پیام هایش همراهی خود را با امام در این قیام اعلام می نمود و در جلسه هایی که در نجف برپا می شد، شرکت می کرد. انس وی با امام خمینی به حدی بود که وقتی امام به نجف می رفتند، به منزل وی رفته، از زحمات او قدردانی می کردند.

۳. اقامه نماز جماعت: مجلس درس ایشان در مسجدی به نام مسجد ملا کتاب، نزدیک حرم مطهر حضرت علی علیه السلام بود و طلاب و فضلا بعد از درس، نماز جماعت ظهر و شب را به امامت آیت الله مدرسی در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام مقابل درب طوسی، که مقابل مقبره آیت الله سید محمد کاظم یزدی بود، اقامه می کردند.

۴. نبوغ علمی: مراتب علمی ایشان به حدی بود که هنگام سفر به نجف، به درجه اجتهاد نایل شده بود؛ چنان که نقل شده است وقتی که آیت الله حائری از عزم ایشان برای خروج از قم به نجف خبردار شد به ایشان فرمودند: باید در این سفر نماز را تمام بخوانی (کنایه از این که باید در قم بمانی و احتیاجی به سفر نداری؛ چرا که به مرتبه بالای علم و اجتهاد رسیده ای).

۵. عفو و گذشت: اگر شخصی به ایشان بی احترامی و جسارتی می کرد یا حرف ناروایی می زد، ایشان با خنده و خوشرویی حرف او را نشنیده می گرفت و از او می گذشت.

۶. حفظ آبروی اشخاص: وی در حفظ آبروی مردم و طلاب کوشش می کرد و اگر می خواست پول و یا چیز دیگری به شخصی بدهد طوری می داد که هیچ کس متوجه نشود.

۷. زهد و تقوا: مدرسی زاده، عالمی زاهد و باتقوا بود. همه زندگی وی نشان می داد، اصلاً دلبسته دنیا و مادیات نیست. در حالات ایشان آمده:

بعضی ها به او می گفتند: همه هدایایی که به شما می دهند و اموال شخصی خود را، به طلاب ندهید؛ بلکه مقداری از آن را برای بچه های خود باقی بگذارید. ایشان در جواب می فرمود: بچه های من از دو حال خارج نیستند: یا آدم های خوب و با تقوا هستند و یا آدم های ناشایست و بدکردار. اگر فرزندان خوبی باشند، همان طوری که خدا به من این مقام و این مال را داده، به آنها هم می دهد و مورد لطف و مرحمت خود قرار می دهد؛ ولی اگر فرزندان ناصالحی باشند و من مالی باقی بگذارم، اعانت بر گناه کرده ام و من هیچ وقت این کار را نمی کنم.

ایشان در مصرف وجوه شرعی، تربیت و پرورش طلبه و مجتهدسازی را اولویت می دادند و خودشان مدرسه یا مسجد یا حسینیه ای احداث ننموده اند اگرچه اجازه هایی از ایشان گرفته می شد که در بعضی از شهرها مساجد یا مدارس بنا یا ترمیم شود. (۶۶۷)

۸. علاقه به اهل بیت علیهم السلام: ایشان علاقه خاصی به اهل بیت عصمت و

طهارت داشت. در ایام ولادت و شهادت ائمه علیهم السلام در منزل خود مراسمی برپا می کرد و مداحان، به مداحی و مرثیه سرایی اهل بیت می پرداختند.

۹. توصیه به خودسازی: ایشان گاهی توصیه هایی سازنده می کرد؛ از جمله می فرمود:

«راهی بین خود و خدای خود باز گذارید و تمام راه ها را نبندید.»

۱۰. مردم داری: با تمام مردم و اقوام، خصوصاً با فقرا و طبقه پایین، خوش برخورد بود؛ از باب نمونه: شخصی مجلسی ترتیب داد و ایشان را برای ناهار دعوت کرد. وقتی ایشان وارد مجلس شد، سفره پهن بود و جماعتی از مردم مشغول غذا خوردن بودند، ایشان بلافاصله پس از ورود، پهلوی همان ها نشست و سر همان سفره مشغول غذا خوردن شد و با برخورد نیک خود، آنها را مجذوب خود کرد.

همسر و فرزندان

مدرسی زاده در نجف اشرف با بی بی فاطمه _ دختر حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا سید محمد (۱۳۰۴ _ ۱۳۸۵ ق)، فرزند آیت الله آقا میرزا محمد علی مدرس لب خندقی، که از مجاورین نجف _ ازدواج نمود. حاصل این ازدواج دو پسر و پنج دختر به قرار ذیل است:

۱. آیت الله حاج سید محمد علی مدرس زاده یزدی رحمه الله که از علما و مدرسین حوزه نجف و قم بوده و دارای تألیفاتی در فقه می باشد.

۲. آیت الله حاج سید عباس مدرس زاده یزدی که از علما و مدرسین نجف و قم می باشد و تألیفاتی در اصول و فقه دارد.

۳. بی بی ربابه مدرس زاده، همسر مرحوم آیت الله حاج سید محمد

ص: ۲۷۶

باقر مدرسی ثانوی، از علمای یزد است.

۴. بی بی صدیقه مدرسی زاده، همسر مرحوم آیت الله سید غلامرضا واعظی قائنی است. آیت الله واعظی از علما و مدرسین حوزه علمیه نجف و قم بود.

۵. بی بی بتول مدرسی زاده، همسر حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد علی ربانی است. وی از علما و مدرسین نجف بود و اکنون مقیم مشهد و مشغول تبلیغ است.

۶. بی بی بلقیس مدرسی زاده، همسر حجت الاسلام و المسلمین حاج سید فضل الله عمادی قمی رحمه الله است. وی هم از مدرسین حوزه نجف بود.

۷. بی بی بهجت مدرسی زاده، همسر حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد جواد رکنی است. ایشان از علمای نجف و قم به شمار می آید که فعلاً در بندر لنگه، در سنگر امامت جمعه بر هدایت امت اشتغال دارد.

رحلت و مکان دفن

آقا سید یحیی، پس از عمری تلاش، سرانجام در شب دوشنبه شانزدهم صفر ۱۳۸۳ ق _ هنگامی که برای معالجه به ایران باز می گشت _ در شهر کَرِنَد، بر اثر ناراحتی شدید قلبی به دیدار معبود شتافت. پیکرش را پس از انتقال به شهر مقدس قم، با تجلیل فراوان، در قبرستان شیخان به خاک سپردند. (۶۶۸)

ص: ۲۷۷

پی نوشت ها:

۶۶۹ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵، سید محمد کاظم مدرسی، نشر نیکوروش، ۱۳۷۹، چاپ اول؛ «گنجینه دانشمندان»، ج ۷، ص ۲۸۷، شریف رازی، تابستان ۱۳۵۴ و مصاحبه با فرزند گرامی اش آیت الله حاج سید محمد علی مدرسی زاده.

تذکر: بنا به گفته فرزند گرامی اش، آیت الله سید عباس مدرسی زاده، تاریخ تولد پدرشان، که سال ۱۳۲۰ یا ۱۳۲۱ ذکر شده، بنا به قراین است.

۶۷۰ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۷۱ _ همان، ص ۵۳۵ و ۵۳۶.

۶۷۲ _ «آینه دانشوران»، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۲۲۵.

۶۷۳ _ «نسل نور»، ص ۳۷۹ و «نجوم سرد»، ص ۲۶ (خطی).

۶۷۴ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۷۵ _ همان، ص ۵۲۱.

۶۷۶ _ «باغ گندم» نام محله ای است در یزد، (آینه دانشوران، ص ۲۲۴).

۶۷۷ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۷۸ _ «آینه دانشوران»، ص ۲۲۴.

۶۷۹ _ «نسل نور»، ص ۴۴.

۶۸۰ و ۶۸۱ _ همان، ص ۵۳۵.

۶۸۲ _ «ریحانه الادب»، ج ۱، ص ۶۷.

۶۸۳ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۸۴ _ مجله «نور علم»، نشریه جامعه مدرسین قم، دوره دوم، ش ۷، ص ۹۱.

۶۸۵ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۸۶ _ مجله «نور علم»، ش ۷، ص ۸۸ و ۸۹.

۶۸۷ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۸۸ _ «نسل نور»، ص ۵۳۵.

۶۸۹ _ «گنجینه دانشمندان»، ج ۷، ص ۴۰۲.

۶۹۰ _ «نسل نور»، ص ۵۳۶.

۶۹۱ _ «ریحانه الادب»، ج ۱، ص ۵۵.

۶۹۲ _ «نسل نور»، ص ۵۳۶.

ص: ۲۷۸

۶۹۳ _ «داستان هایی از زندگی علماء»، ص ۱۰۵، محمد تقی صرفی، نشر برگزیده، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۶۹۴ _ «نسل نور»، ص ۵۳۶.

۶۹۵ _ «ریحانه الادب»، ج ۶، ص ۱۲۷.

۶۹۶ _ مصاحبه با فرزندش آیت الله سید عباس مدرسی زاده.

۶۹۷ _ «نسل نور»، ص ۵۳۶.

۶۹۸ _ همان و مصاحبه با فرزندانش سید محمد علی و سید عباس.

۶۹۹ _ «نسل نور»، ص ۵۳۷ و مصاحبه با فرزندش سید عباس مدرسی زاده.

۷۰۰ _ گفت و گو با فرزند ایشان، سید عباس مدرسی زاده.

۷۰۱ و ۷۰۲ _ نسل نور، ص ۵۳۷ و مصاحبه با فرزندش سید عباس.

ص: ۲۷۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

